

در
ابتدا
الوهيم
آسمانها و زمين را آفريد

الوهيٓت

جلد سوّم

شناخت روح القدس

مجله علمی و پژوهشی

د
ش
ر
ع

نویسنده: لوك رايان



نام کتاب

الوهیت

جلد سوّم: شناخت روح القدس

نویسنده: لوک رایان



انجمن تحقیقات کتاب مقدّسی رایان



انتشارات کلیسای خداوند عیسی مسیح

فهرست مطالب

۱.....	سخن نویسنده:
۲.....	پیش گفتار:
۵.....	روح القدس کیست؟
۹.....	اراده خدا به داشتن روح القدس:
۱۰.....	به جهت منفعت:
۱۲.....	حکم به روح القدس:
۱۶.....	تولد تازه از روح القدس:
۲۰.....	فرزند خواندگی:
۲۲.....	هیکل روح القدس:
۲۵.....	عبادت در روح القدس:
۲۶.....	خدمت در روح القدس:
۲۹.....	تفکر روح القدس:
۳۰.....	یگانگی روح با خدا:
۳۱.....	روح القدس بیعانه خدا:
۳۲.....	خصوصیات روح القدس:
۳۶.....	بارور سازنده:
۳۸.....	برای همه امتها:
۳۹.....	مشتاق:
۴۱.....	تبدیل کننده:
۴۲.....	تقدیس کننده:
۴۵.....	آزادی دهنده:
۴۷.....	سخن به کلام خدا:
۴۹.....	تعلیم دهنده:
۵۱.....	شهادت دهنده:
۵۴.....	شفاعت کننده:
۵۷.....	شادی دهنده:
۶۰.....	تسلّی دهنده:
۶۳.....	امید دهنده:
۶۴.....	به خدمت گمارنده:
۶۶.....	مشارکت کننده:

۶۷	هدایت کننده:
۶۹	مکاشفه دهنده:
۷۲	قضاوت کننده:
۷۳	قوت (عطایا) دهنده:
۷۶	سخن گوینده:
۷۸	منتقل کننده:
۷۹	انگیزه دهنده:
۸۱	نتیجه گیری:
۸۳	تعمید روح القدس چیست؟:
۸۴	احساس ماوراءالطبیعه در تعمید روح القدس:
۸۶	شکلهای تعمید روح القدس:
۹۱	درک فیزیکی از تعمید روح القدس:
۹۴	دو نوع تعمید روح القدس:
۹۹	علت دو نوع تعمید روح القدس:
۱۰۳	چگونه بدانیم روح القدس در ما ساکن است؟:
۱۰۴	اطاعت کامل از کلام:
۱۰۹	ثمرات روح القدس:
۱۱۲	شهادت به عیسی مجسم شده:
۱۱۷	چگونه روح القدس را بیابیم:
۱۱۸	ایمان به نام عیسی مسیح:
۱۲۰	تعمید به نام عیسی مسیح:
۱۲۳	طلبیدن در دعا:
۱۲۴	رسوایی به خاطر نام مسیح:
۱۲۷	اطاعت مطلق از کلام خدا:
۱۳۳	به وسیله دست گذاری:
۱۳۶	هشدار در رفتار با روح القدس:
۱۳۶	روحها را بیازمایید:
۱۳۸	روح القدس را محزون نکنید:
۱۴۰	هیکل روح القدس را خراب نکنید:
۱۴۱	به روح القدس کفر نگویید:
۱۴۴	تعمید روح القدس را باید گرفت:
۱۴۷	جلوههای روح القدس:

١٤٧	ثمرات روح القدس:
١٤٩	محبت:
١٥٦	خوشی:
١٥٧	سلامتی:
١٥٩	حلم:
١٥٩	مهربانی:
١٦١	نیکویی:
١٦٣	ایمان:
١٦٤	تواضع:
١٦٧	پرهیزکاری:
١٦٧	موارد دیگر:
١٧٠	سخن پایانی:

سخن نویسنده:

به نام خداوند عیسی مسیح

جلال و ستایش و اکرام بر پدر آسمانی ما خدا و خداوندمان عیسی مسیح از حال تا به ابدالآباد.

خداوند را شاکرم برای باری دیگر که لطف بزرگش را باز به این غلام بسیار کوچک خود عطا فرمود تا در ادامهٔ مبحث بسیار مهم، ضروری و حیاتی شناخت الوهیت، این بار برای معرفی و شناخت روح القدس محبوب، دست به قلم ببرم.

اما پوزش می‌طلبیم به خاطر وقفهٔ سه ساله‌ای که برای نگارش جلد سوم از سری مباحث شناخت الوهیت افتاد. این وقفه نه به خواست نویسنده و نه به خاطر عدم وجود مطالب غنی از مبانی این مبحث بوده، بلکه به دلیل فشارهای بسیار شدیدی بود که از سوی فوج شریران بر ضد نویسنده و کلیسای خداوند عیسی مسیح شکل گرفت تا به حدی که جلد سوم کتاب الوهیت در روزهای بسیار سخت فشار و درگیری و غربت به نگارش در آمده.

همان گونه که پیش‌تر گفته شد، بسیاری از موضوعات مکتوب، هدایت‌هایی است که در همان روزهای آغازین خدمت به خداوند از سوی روح القدس عزیز ارائه می‌شد. این حقایق آشکار شده در خصوص شناخت روح القدس از همان ابتدا بسیار جالب و تعمق برانگیز بوده به حدی که وصف آن دشوار است. دعا می‌کنم تا خدا روح فهم و حکمت خود را به تمام کسانی که دوستشان دارد عطا فرماید، تا تمام مطالب این کتاب در وجود آنان نشاند، ریشه کرده و به بار بنشیند.

لوک رایان

**به نام خدای خدایان، پادشاه پادشاهان، خدای قدیر، خدای مشیر، پدر سرمدی، سرور
سلامتی، الف و یاء، ابتدا و انتها، اوّل و آخر، او که بود و هست و می آید.
* به نام خداوند عیسی مسیح ***

پیش گفتار:

نام و حضور روح القدس همیشه با ایمان مسیحی همراه است. حضور آشکار و نهان، و تأثیراتش در کلیسای خداوند و زندگی مسیحیان، پیوسته محسوس و قابل لمس می باشد. علیرغم حضور تأثیرگذار و معرفی دقیقی که در کتب مقدّس از شناخت و خصوصیات روح القدس وجود دارد، متأسّفانه هنوز شاهد آن هستیم که شناختی کامل و دقیق، به آن گونه که شایسته او می باشد در نزد بسیاری از ایمانداران وجود ندارد.

عدم شناخت لازم از ضرورت و اهمّیت وجود روح القدس در زندگی هر فرد مسیحی، باعث آن گردیده که بسیاری کاملاً نسبت به آن بی اعتنا شده و در زندگی شان جای چندانی برای او نگذاشتند، و بسیاری دیگر که با نام او کمی بیشتر آشنا هستند، از او تصوّرات و توصیفات تا حدودی نادرست دارند و در خیلی مواقع دست خوش توهّمات و خیالاتی واهی می گردند.

کتب مقدّس به ما می آموزد اولویّت اوّل برای هر ایماندار به مسیح، پیش از آن که به مسائل تعلیمی بپردازد، دریافت شناختی صحیح و کامل از الوهیت است، که بالطبع روح القدس نیز از وجوهات ذات الوهی خدا است. برای داشتن پرستشی درست و ارتباطی صحیح با خداوند، ضروری است تا نسبت به او شناختی کامل و دقیق وجود داشته باشد.

مسیحیان صدّه اوّل در خصوص شناخت الوهیت مشکلی نداشتند و حسب همان شناخت صحیح و ارتباط متقابل، حضور و عملکرد روح القدس نیز در میان آنان با شدّت زیادی جریان داشته. این شناخت صحیح عموماً به دو دلیل برجسته بوده:

اول این که در کتب عهد عتیق موضوع الوهیت بدون هیچ شبه‌ای کاملاً مشخص بود و از آن جایی که هنوز اختلاف بین مسیحیان و یهودیان که (در صدهای بعد رخ داد) باعث شقاق و جداسازی بین کتب عهد عتیق و عهد جدید شده بود، وجود نداشت، مسیحیان صده اولیه این فرصت را داشتند تا در شناخت الوهیت به بی‌راهه نروند.

و دوم این که در آن دوره، رسولان و شاگردان عیسی مسیح که شاهدان زنده او بودند با قدرت در کلیساها حضور و نظارت داشتند و اجازه ایجاد هیچ شقاق و نفاق را نمی‌دادند. اساساً وجود رسولان در هر دوره و هر کلیسایی هدیه و موهبتی است بزرگ برای جلوگیری از به انحراف رفتن کلیسا.

کینه و شقاقی که بین کلیسا و یهودیان پس از دوره رسولان عیسی مسیح به وجود آمد، چنان شکاف عمیقی ایجاد نمود که کلیساهای مدعی وقت، با نادانی تمام کتب عهد عتیق را از کتب عهد جدید جدا نمودند. این جهالت عمل آنان، تبعات و لطمات بسیار هولناکی بر مسیحیان وارد آورد و نسلهای بعدی را دچار گمراهی و انحرافات بسیار وحشتناکی نمود. ثمره این جدایی نه تنها باعث محروم شدن کلیساها از شناختی صحیح نسبت به الوهیت گردید؛ بلکه موجب ورود و التقاط تفکرات و آیینهای ضد کتاب مقدسی نیز به کلیساها شد، علی‌الخصوص اختلاف شدید در شناخت الوهیت.

از آن جا که امروزه مؤده خوش انجیل به همه امتها در حال رسیدن است و شاهد ایمان آوردن بسیاری به مسیح خداوند هستیم، باید این را در نظر داشت، آنانی که از امتهای دیگر به مسیح ایمان می‌آوردند نیز، مانند کلیساهای قرون وسطی، که با کتب عهد عتیق قهر و دشمن بودند، در شناخت صحیح و دقیق از الوهیت دارای مشکل هستند، و لازم است تا در ابتدا با بررسی در کل کتب مقدس به یک شناخت صحیح و دقیق از ذات الهی خداوند برسند. ضروری است تا هر ایمانداری از ابتدا در این خصوص همت گمارده و در این راستا کلیساها نیز به جد و جهد به این مهم پردازند.

در این کتاب سعی داریم در ادامهٔ سلسله مباحث الوهیتی به طور خاص به معرفی روح القدس از دیدگاه کتب مقدس، که اولویت اول در زندگی و نیاز ضروری و حیاتی هر فرد مسیحی می باشد، بپردازیم.

روح القدس کیست؟

شاید بتوان گفت که اکثریت مردم جهان با نام روح القدس آشنا هستند، اما تعریفهای نسبتاً گوناگون و خاصی از آن در نزد جوامع و اعتقادهای مختلف وجود دارد. برخی او را روح پاک، روان پاک و جان پاک معرفی می‌کنند؛ و برخی او را یکی از اقانیم ثلاثه (سومین از اقانیم ثلاثه نزد مسیحیان) می‌دانند؛ برخی دیگر معتقدند او همان فرشته وحی جبرائیل است؛ و برخی از فلاسفه چون افلاطون، روح القدس را جوهر عقلی می‌دانند. نظرات گوناگون و نسبتاً متضادی وجود دارد و آن چه مشهود است حتی در بین برخی فرقه‌های کلیسایی نیز نظرات متفاوتی وجود دارد.

با توجه به معانی مختلف موجود، هویدا است که هیچ گروهی روح القدس را تحت لفظ نام او معنی نکرده است، بلکه با توجه به جلوه‌های مختلف حضور او، و از دیدگاه‌های خاص خود، به توصیف او پرداخته است.

اما هیچ شهادت و توصیفی نمی‌تواند صحیح‌تر و دقیق‌تر از شهادت و توصیف یک شخص نسبت به خودش باشد. حسب شهادات مکتوب در کتب مقدس، نویسنده اصلی کتب مقدس روح القدس است و انبیا و نویسندگان کتب، تحت الهام روح القدس عمل می‌کردند. برخی از این الهام گیرندگان در این خصوص چنین شهادت داده‌اند:

✓ سموئیل: «روح خداوند به وسیله من متکلم شد و کلام او بر زبانم جاری گردید»
(دوم سموئیل ۲۳ : ۲).

✓ پولس: «^۵ زیرا که انجیل ما بر شما محض سخن وارد نشده، بلکه با قوت و روح القدس و یقین کامل، ...» (اول تسالونیکیان ۱ : ۵).

✓ نویسنده عبرانیان: «^۶ پس چنان که روح القدس می‌گوید: امروز اگر آواز او را بشنوید،^۸ دل خود را سخت مسازید ...» (عبرانیان ۳ : ۷ - ۸).

✓ پطرس: «^{۲۱} زیرا که نبوت به اراده انسان هرگز آورده نشد، بلکه مردمان به روح القدس مجذوب شده، از جانب خدا سخن گفتند» (دوم پطرس ۱ : ۲۱).
 ✓ لوقا: «^{۱۶} ای برادران، می‌بایست آن نوشته تمام شود که روح القدس از زبان داوود پیش گفت ...» (اعمال رسولان ۱ : ۱۶).

«^{۲۵} که به وسیله روح القدس به زبان پدر ما و بنده خود داوود گفتی ...»
 (اعمال رسولان ۴ : ۲۵).
 «... روح القدس به وساطت اشعیای نبی به اجداد ما نیکو خطاب کرده»
 (اعمال رسولان ۲۸ : ۲۵).

حال کتب مقدس، ارتباط بین خدا و روح را جز در یگانگی نمی‌داند و به صراحت بیان می‌کند که: «^{۲۴} خدا روح است ...» (یوحنا ۴ : ۲۴)؛ و ایضاً در وقتی دیگر و از زبان شخصی دیگر تکرار می‌کند که: «^{۱۷} اما خداوند روح است ...» (دوم قرنتیان ۳ : ۱۷).

بسیار با عنوان "روح خدا" و "روح خداوند" در کتب مقدس مواجه می‌شویم، خصوصاً در عهد عتیق، اما چه وقت با عنوان روح القدس خطاب می‌گردد؟

نکته بسیار مهمی که نباید هیچگاه فراموش گردد، وعده روح القدس است که خداوند مژده آن را فقط به شاگردان و مطیعان خود داده است. عبارات: قدس، قدوس، مقدس، اقدس و ... از مصدر قدس می‌باشد که به معنی پاک، منزّه، مطهر، بی‌عیب، می‌باشد که در موقعیتهای و شرایط گوناگون به جهت بیان پاکیزگی وجودی خدا، از واژه مناسب برای شرایط و موقعیتهای خاص مختلف، استفاده می‌گردد.

خداوند می‌فرماید: «^{۲۶} و برای من مقدس باشید زیرا که من یهوه قدوس هستم، ...» (لاویان ۲۰ : ۲۶). خداوند ما را به مقدس بودن خوانده است، مقدس کسی یا چیزی است که عمل پاکیزگی و بی‌عیبی بر او واقع شود. اما خداوند خود را قدوس خوانده، چرا؟ زیرا پاکی و بی‌عیبی در ذات خدا بوده و او نیاز به مقدس شدن ندارد، او قدوس است به

معنی پاک کننده. حال وقتی روح خدا در کسی قرار می گیرد او را پاک ساخته، او را مکان (قدس) خود می سازد و با حضورش در کسی، او را مهر کرده و به قدس خدا الصاق می کند.

با یک نگاه دقیق به کتب مقدس معلوم می گردد که هرگاه روح خدا در ارتباط با یکی شدن و پیوند خوردن با انسانی مطرح می گردد، با نام روح القدس معرفی شده است. اراده خدا چنین است که عده ای به عنوان فرزندان در ملکوت ابدی او با او باشند، و این مهم جز با دریافت وعده خدا یعنی روح القدس میسر نمی شود. برای حصول به این مهم لازم است تا ابتدا شناخت صحیح و دقیقی از روح القدس داشته باشیم تا بدانیم چگونه می توان روح القدس را دریافت نمود و سپس در همراهی کامل با روح القدس در اطاعت و اراده پدر آسمانی قرار گرفت.

نکته مهم: به یاد داشته باشید وقتی صحبت از روح القدس است، منظور خود خداوند در وجه روحانی او و در ارتباط با مسیحیان است؛ نه تنها یک نعمت و عطای خدا داده، یا قدرت و قوتی از سوی خدا، و یا موجودی فاقد شخصیت! زیرا روح القدس دارای شاخصهای شخصیتی از قبیل استدلال، تخیل، عواطف، حافظه، وجدان و ... می باشد.

شاخصهای شخصیتی و جوهر ذاتی از خصوصیات شکل دهنده یک شخص است؛ و چیزی است که از ابتدا با شخص بوده و معرف وجوهرات هر شخص می باشد که وجهی اکتسابی نیست. هر چیزی که اکتسابی نباشد تعلیم دادنی نیز نیست و تنها می توان او را تعریف و توصیف نمود، اما آن چه اکتسابی باشد قابلیت تعلیمی نیز دارد، مثل احکام و فرامینی که جاری می گردد، علوم و فنونی که شکل می گیرد و ... بر همین اصل الهی، شخصیت و ذات الوهی خدا را نمی توان تعلیم داد بلکه تنها می توان او را معرفی نمود.

در همین راستا لازم است دو نکته مد نظر قرار گیرد: اول آن که، بیان عبارت "تعلیم الوهیت" و یا "تعلیم روح القدس" کاملاً اشتباه و جاهلانه می باشد، دقیقاً به همان

اندازه که بگوییم "تعلیم عیسی"! صحیح آن است که گفته شود "شناخت الوهیت" و یا "شناخت روح القدس"

و دوّم آن که، به جای استفاده از جمله پرسشی "روح القدس چیست؟" که برای موضوعات مجهول قابل آموختن استفاده می گردد، از جمله پرسشی "روح القدس کیست؟" که در ارتباط با شاخصهای شخصیّتی به کار می رود استفاده گردد؛ دقیقاً به همان گونه که عبارت پرسشی "عیسی چیست؟" اشتباه می باشد و باید از عبارت "عیسی کیست؟" استفاده نمود.

اراده خدا به داشتن روح القدس:

یقیناً آگاهی از ارزشها و امتیازات داشتن روح القدس آن قدر چشمگیر هست که هر شخصی خود را به تعب بیاندازد که بتواند آن را دریافت نماید، اما واقعیت این است که فقط مد نظر قرار دادن تمام این ارزشها و امتیازات، در مقابل آن چه روح القدس با ذات وجودی یک انسان می‌کند، بسیار کوچک‌تر از آن است که حتی قابل ملاحظه باشد و بخواهد به چشم آید.

با نگاه کردن و مد نظر قرار دادن ارزشها و امتیازات روح القدس تنها دارای یک دید زمینی خواهید بود که فراتر از این دنیا را نخواهید دید، اما بدون در نظر گرفتن همه این ارزشها در دنیا، فقط حضور و سکونت روح القدس در هر فرد مسیحی، او را به موجودی فراتر از یک انسان تبدیل می‌کند! نه فراتر از یک انسان! بلکه او را به شباهت خدا برای حیات جاودانی می‌سازد.

جالب است بدانید که راز مستتر از ابتدای داستان آفرینش جهان هستی توسط خدا، بر این بود تا ذریت برگزیده او بتواند پس از خلق شدن در مقطعی با روح القدس پیوند بخورد. این بدون شک اراده خدا بوده است و بارها در کتاب مقدس به این مهم با اشاره‌های مختلف بیان شده.

در این قسمت به وضوح خواهیم دید که چرا داشتن روح القدس دارای اهمیت حیاتی و شدیداً مد نظر و اراده خداوند می‌باشد. کتاب مقدس در این ارتباط ده نکته بسیار مهم و قابل توجه را به ما گوشزد می‌کند که نمی‌توان تحت هیچ شرایطی به سادگی از آنها عبور کرد، که به این موارد خواهیم پرداخت. اما ضروری است تا بدانید که داشتن روح القدس اراده قاطع خدا، بلکه حکم و فرمان او برای یکایک شاگردان مسیح است.

به جهت منفعت:

وقتی به اولین حضور آشکار روح خدا دقت کنید، خواهید دید که باعث ایجاد دگرگونی و تحوّل عجیبی در شکل‌گیری جهان هستی شد؛ به حدی که هر ناقصی را کامل گردانید، هر زشتی را زیبا ساخت، هر بی‌ثمری را ثمردار نمود، بر هر چیزی قرار گرفت به آن هویت بخشید، و هر چیزی را دارای ارزش ساخت.

در پیدایش باب اول می‌خوانید به محض این که خدا آسمانها و زمین را ساخت، در ابتدا همه چیز فقط به صورت توده‌های بخار آب بود، سپس سریعاً روح خدا بر روی توده‌های بخار آب قرار گرفت و همه چیز آهسته آهسته شروع کرد به عوض شدن و حضور روح خدا هر چیزی را برکت داد و بارور ساخت: «در ابتدا، خدا آسمانها و زمین را آفرید. و زمین تهی و بایر بود و تاریکی بر روی لجه و روح خدا سطح آبها را فرو گرفت» (پیدایش ۱: ۱-۲).

دقیقاً از همان ابتدا خدا اهمیت حضور روح خود را بر هر چیزی نشان داد. ابتدای خلقت با روح خدا آغاز شد تا از همان ابتدا نظر ذریّت برگزیده خود را که در آینده خواهند آمد به این مهم جلب کند. اما علاوه بر جلب توجه، او نیز نشان داد که چگونه روحش به هر چیزی حیات و زندگی می‌بخشد و هر چیزی را کاملاً متحوّل می‌سازد.

اساساً این خصوصیت ذاتی روح خدا است که بر هر چیزی که قرار گیرد به آن منفعت و ارزش می‌بخشد. اراده خدا برای آن چه خلق نموده، ارزش نهادن به آنها است. او هر چیزی را که ساخت در ابتدا خام بود و بعد از آن که بر آن قرار گرفت به آن هویت بخشید و آن را نیکو و بارور ساخت.

انسان نیز از این قاعده مستثنی نبود، همه اینها در نهایت برای انسان کرده شده است. اما انسان دارای یک وجه تمایز برتر نسبت به سایر موجودات می‌باشد؛ در گام اول انسان نیز مانند تمام موجودات و مخلوقات خدا می‌بایست توسط روح خدا بارور می‌شد و

هویت می‌گرفت که این گونه شد؛ ولی برای او فقط این مقرر نشده بود، بلکه خدا او را به صورت خود آفریده بود، انسان به صورت خدا آفریده شد، هر چه به صورت خدا آفریده گردد می‌بایست که مانند او دارای حیات ابدی شود.

حال گام دوم لازم است! گام دوم برای ذریت برگزیده خدا است. برای داشتن حیات ابدی تنها قرار گرفتن روح خدا بر کسی کفایت نمی‌کند بلکه می‌بایست روح خدا در بیرون و اندرون آن قرار گیرد. پیش‌تر توضیح داده شد که وقتی روح خدا در ارتباط با انسان و یکی شدن با او مطرح می‌گردد دیگر به آن روح خدا نمی‌گویند بلکه گفته می‌شود روح القدس. روح همان است و همان شخصیت، خصوصیت و قدرت را دارد ولی وقتی برای سکونت در اندرون شخصی مطرح می‌گردد به آن روح القدس گفته می‌شود و این تنها در ارتباط با ذریت برگزیده خدا است.

هر شخص مسیحی پس از یافتن وجود زمینی و نفسانی می‌بایست در مقطعی روح القدس را در خود داشته باشد. وقتی روح القدس با روح کسی پیوند می‌خورد همیشه این روح برتر است که غالب می‌آید و آهسته آهسته خصوصیات خود را با خصوصیات آن جایگزین می‌کند و در نهایت او را تبدیل می‌سازد. این جایگزینی و تبدیل در شخص، او را صاحب تمام منفعت‌های موجود در روح القدس می‌گرداند.

حال این منفعت‌ها چیست؟ در قسمت خصوصیات روح القدس به طور جامع به آن خواهیم پرداخت. اما این را بدانید که همیشه حضور روح القدس در یک شخص در وهله اول برای رساندن منفعت به او است چنان که پولس رسول نیز به این مهم اشاره می‌کند: «ولی هر کس را ظهور روح به جهت منفعت عطا می‌شود» (اول قرنتیان ۱۲ : ۷). که این اراده خدا برای برگزیدگان او است.

حکم به روح القدس:

همیشه و در هر حالی یک انسان برای پذیرفتن هر چیز نیکو و یا پاداشی مختار است تا آن را بپذیرد و یا رد کند. و نیز هیچگاه کسی، شخص دیگری را برای پذیرفتن چیزی نیکو و ارزشمند حکم و اجبار نمی‌کند؛ این از قدرت انتخاب و اختیار انسان است.

اجبار در پذیرش هر نیکویی حکایت از اهمیت بسیار ویژه آن نیکویی برای کسی دارد که از اهمیت آن آگاه نیست، و شخص اجبار کننده بدون شک نگاه و محبت بسیار عمیق و خاصی باید نسبت به آن شخص داشته باشد. وقتی به اراده خدا برای داشتن روح القدس نگاه می‌کنیم چند نکته بسیار جالب نمایانگر می‌شود.

اول این که خدا برگزیدگان خود را به داشتن روح القدس حکم و اجبار نموده. دوم برای فهماندن میزان اهمیت داشتن روح القدس، در طول تاریخ آهسته آهسته این اشتیاق را در انسانها ایجاد نموده است.

اما چگونه خداوند در طول تاریخ این را عنوان نموده است؟ آیا تا کنون کسی را دیده‌اید که وقتی می‌داند در آینده نزدیک قرار است به شما یک چیز بسیار ارزشمند و بزرگ برسد چگونه آن را برایتان جالب و هیجان انگیز و شیرین جلوه می‌دهد؟ و یا کسی که می‌خواهد شما را برای دریافت یک چیز بسیار استثنایی و ارزشمند که هنوز شما از اهمیت آن چندان آگاهی ندارید و حتی احتمال می‌دهد که در مواجهه با آن بی‌میل و بی‌احساس باشید چگونه رفتار می‌کند تا اهمیت آن را کم کم به شما بفهماند و یک اشتیاق شدید در شما برای رسیدن به آن ایجاد کند؟

کتاب مقدس به ما نشان می‌دهد که او چگونه چنین هدیه بزرگی را به انسان ارائه داده.

او ابتدا با اشاره به روح خود، اهمیت خاص آن را به عنوان ضامن حیات ابدی برای انسان آشکار می‌کند: «^{۲۱} و خداوند می‌گوید: اما عهد من با ایشان این است که روح من که بر تو است و کلام من که در دهان تو گذاشته‌ام از دهان تو و از دهان ذریت تو و از دهان ذریت ذریت تو دور نخواهد شد. خداوند می‌گوید: از الآن و تا ابدالآباد» (اشعیا ۵۹ : ۲۱).

دقت کنید! در عهد عتیق روح القدس با قوم خدا و بر شخص قرار می‌گرفت ولی هنوز عطا نشده بود تا در داخل شخص سکونت گزیند و با او یکی شود، برای همین در عهد عتیق با عبارت روح خدا همیشه مواجه هستیم نه روح القدس که عبارت روح القدس به معنی آن است که بدن یک انسان را تبدیل به هیكل قدّوس خدا می‌کند.

روح خدا و روح القدس یکی است اما در نحوه چگونگی ارتباط با انسان با دو عبارت کمی متفاوت از هم بیان می‌شود.

وقتی به زمان شکل‌گیری انسان به عنوان هیكل روح القدس نزدیک می‌شویم یا به عبارتی به زمان اعطای روح القدس در داخل وجود انسان نزدیک می‌شویم، این مهم به صورت مزدهای بزرگ که برای انسانها تسلی گونه است اعلام می‌شود چنان که خود خداوند عیسی مسیح می‌فرماید: «^{۱۶} و من از پدر سؤال می‌کنم و تسلی دهنده‌ای دیگر به شما عطا خواهد کرد تا همیشه با شما بماند،^{۱۷} یعنی روح راستی که جهان نمی‌تواند او را قبول کند زیرا که او را نمی‌بیند و نمی‌شناسد و اما شما او را می‌شناسید، زیرا که با شما می‌ماند و در شما خواهد بود» (یوحنا ۱۴ : ۱۶ - ۱۷).

عیسی خداوند علاوه بر این که وعده حضور روح القدس را از پیش اعلام نمود، همچنین او را تسلی خدا نیز معرفی کرد. چرا؟ اگر خون مسیح تسلی خدا برای آمرزش گناهان و فدیة بشر است، تسلی دیگری لازم است تا امید به حیات ابدی را برای انسانها مهیا سازد.

جسم مسیح زمینی بود که برای فدیهِ و قربانی شدن مهیا شده بود، و او این مأموریت را به انجام رساند؛ اما برای حیات ابدی این روح خدا است که حیات می‌بخشد لذا پیوند انسان با روح القدس شرط ضروری و حیاتی است، از این روی وقتی به زمان این پیوند که برای اولین بار در روز پنطیکاست بود نزدیک می‌شویم، خداوند عیسی مسیح به آمدن تسلی دهنده دیگری از سوی خدا مژده داد.

حال وقتی آن تسلی دهنده اول (خداوند عیسی مسیح) کار خود را به کمال به انجام می‌رساند، در ادامه مژده خوش آمدن تسلی دهنده دوم (روح القدس)، آن را با نفس خود در دنیا می‌دمد و به شاگردانش سفارش می‌کند تا بروند و آن را (روح القدس) بیابند: «^{۲۲} و چون این را گفت، دمید و به ایشان گفت: روح القدس را بیابید» (یوحنا ۲۰: ۲۲).

اوه! چه شد؟! دقت کنید! این خود خدا است! چه کار کرد؟ به پیدایش بروید و نگاه کنید، خدا برای این که آدم نفس زنده شود و وجودیت بیابد در بینی او روح حیات دمید: «^۷ خداوند خدا پس آدم را از خاک زمین بسرشت و در بینی وی روح حیات دمید، و آدم نفس زنده شد» (پیدایش ۲: ۷). این روح حیات بود که در ابتدای پیدایش به هر ذی حیاتی دمید.

و خداوند عیسی مسیح باز همان عمل را تکرار کرد ولی این بار دیگر روح ذی حیات نبود چون زمان اعطای روح القدس نزدیک بود، پس او روح القدس را با دمیدن به دنیا فرستاد؛ روح القدس همان روح خدا است، روح خدا فقط در نزد خدا است و فقط خدا است که آن را می‌دمد و در دنیا روانه می‌کند، دقیقاً مانند زمانی که الوهیم در هنگام خلقت جهان هستی به نفخه دهانش دمید، و حال این بار این عمل دمیدن روح توسط خداوند عیسی مسیح مجسم شده انجام شد؛ اوه! این خود خدای مجسم شده بود که فقط می‌توانست چنین کاری را بکند.

و در ادامه مسیح چه گفت؟ «روح القدس را بیا بید.» امیدوارم کلیساهای خفته از خواب بیدار شوند! شما باید به دنبال روح القدس بگردید، باید آن را بیا بید، گول تعالیم اشتباه را نخورید که می گویند: هر وقت زمانش برسد خداوند خودش به شما روح القدس را خواهد داد. این کاملاً اشتباه است. مسیح گفت «روح القدس را بیا بید.» پس باید به دنبالش باشید.

روح القدس حیاتی ترین چیز برای یک مسیحی است؛ روح القدس از نان و آب و زندگی بر زمین برای یک مسیحی حیاتی تر است؛ روح القدس اولویت اول و آخر یک مسیحی است؛ بدون روح القدس یک شخص فرزند خدا نیست؛ کسی که روح القدس را ندارد خود خداوند عیسی مسیح منکر او خواهد شد؛ بدون روح القدس هیچ کس حیات ابدی نخواهد داشت.

از این روی است که وقتی زمان اعطای روح القدس می رسد مسیح دیگر خبر از آن نمی دهد! دیگر به آمدنش مژده نمی دهد، دیگر سفارش به پیدا کردن آن نمی کند، بلکه با تأکید بسیار به پیدا کردنش و دریافتش حکم می کند، اجبار می کند، و به عنوان وظیفه بر گردن شاگردانش قرار می دهد و این حکم همچنان به قوت خود تا زمانی که داماد آسمانی برای بردن عروس خود (کلیسای برگزیده) بیاید مقرر است. لوقا در ابتدای نامه خود به تیؤفلس این حکم مسیح را به او اعلام می دارد:

«^۱صحیفه اول را انشا نمودم، ای تیؤفلس، درباره همه اموری که عیسی به عمل نمودن و تعلیم دادن آنها شروع کرد.^۲ تا آن روزی که رسولان برگزیده خود را به روح القدس حکم کرده، بالا برده شد.^۳ که بدیشان نیز بعد از زحمت کشیدن خود، خویشتن را زنده ظاهر کرد به دلیلهای بسیار که در مدت چهل روز بر ایشان ظاهر می شد و درباره امور ملکوت خدا سخن می گفت.^۴ و چون با ایشان جمع شد، ایشان را قدغن فرمود که از اورشلیم جدا مشوید، بلکه منتظر آن وعده پدر باشید که از من شنیده اید» (اعمال رسولان ۱ : ۱ - ۴).

تمام ایمانداران به مسیح باید بدانند پس از ایمان و پذیرفتن خداوند عیسی مسیح، می‌بایست در ابتدا با الوهیت آشنایی کامل پیدا کنند زیرا شناخت الوهیت ابتدای مسیری است به سمت دریافت روح القدس، و آنگاه تمام وقت و فکر و عمل خود را بگذارند تا روح القدس را بیابند و گر نه زندگی آنان در بطالت مطلق خواهد بود.

تولّد تازه از روح القدس:

خداوند عیسی مسیح در خطاب به نیکودیموس فرموده که: «آمین، آمین به تو می‌گویم اگر کسی از آب و روح مولود نگردد، ممکن نیست که داخل ملکوت خدا شود» (یوحنا ۳: ۵).

شما هر قدر در عمل انسان نیکویی باشید، هر قدر انسان خوش نام و محبوبی باشید، هر قدر دستگیر بی‌پناهان و نیازمندان باشید، هر قدر بخشنده و پر از محبت باشید، بدانید که اینها دلیلی برای ورود به ملکوت نیست زیرا اینها از وجوّهات انسانی است که می‌بایست در همگان یافت شود.

انسان در فناپذیری از خاک زمین سرشته شد و با نابودی جهان هستی او نیز نابود خواهد شد. این قانون هستی است، چیزی که ازلی نباشد ابدی نیست. غیر از خدا هیچ چیز ازلی نیست و نیز تنها او است که ابدی خواهد بود. کل کتاب مقدس این را به ما می‌آموزد.

خدا این را می‌دانست لذا لازم بود که انسان فانی در مقطعی به روح نافانی خدا پیوند بخورد تا میراثدار حیات ابدی خدا شود، از این روی پلیدی در شیطان شکل گرفت و متعاقب آن گناه وارد زندگی بشر شد تا انسان پیش از موعد انقضای عالم به سمت مرگ

برود. به راستی آیا خدا نمی‌توانست موجودی را خلق کند که در آن هیچ پلیدی نباشد؟ مانند جبرائیل و میکائیل و ... حاشا! هرگز! او قادر به هر کاری است.

نمی‌خواهم از این سرِ خدا بی‌اطلاع باشید که: "تا چیزی وجودیت نیابد نمی‌تواند حیات را بیابد؛ و چون هر وجودیتی در ابتدا به شکلی فانی (از نفخه دهان خدا) ساخته شده است، و لزوماً تا یک بار از شکل فانی خارج نشود نمی‌تواند وجودیتی ابدی بیابد." از این جهت است که شیطان پلید گشت و گناه و مرگ را به انسانِ فانی پیش از انقضای تمام عالم عرضه کرد، تا انسان به واسطه فدیهِ ای که در ریخته شدن خون خداوند عیسی مسیح بوده این فرصت را بیابد تا با روحِ نافانی خدا (روح القدس) پیوند بخورد و از مرگ به حیات ابدی خدا داخل گردد.

دقیقاً خداوند عیسی مسیح در خطاب به نیکودیموس داشت به یک تولدی تازه اشاره می‌کرد، تولدی که این بار نه تنها از آب فقط، بلکه از "آب و روح" می‌بایست شکل بگیرد. او به دو چیز برای یافتن تولد تازه اشاره کرد:

اول آب: اشتباه نکنید این آب به معنی تعمید آب نیست. بسیاری تعمید آب گرفتند و مردند که خود کتاب مقدس در عهد جدید به بسیاری اشاره دارد که از ایمان برگشتند و به سمت شیطان رفتند و مردند مانند آن همراهان پولس که از ایمان برگشتند: «^{۲۰} که از آن جمله هیمیناوس و اسکندر می‌باشند که ایشان را به شیطان سپردم تا تأدیب شده، دیگر کفر نگویند» (اول تیموتاؤس ۱: ۲۰). و نیز بسیاری حتی فرصت نیافتند که تعمید آب بگیرند و در ظاهر مردند اما به ملکوت خدا داخل شدند مانند دزد بالای صلیبی که در کنار دست خداوند عیسی مسیح مصلوب شد.

منظور مسیح از "آب و روح" چه بود؟ در کتاب مقدس می‌خوانید که تولدِ اولیه جهان هستی به نفخه دهان خدا به صورت آب یا همان توده بخار بود، که همه چیز در ابتدا از همین توده بخار شکل گرفت. این تولد جهان هستی در فناپذیری بود، یعنی همه

چیز در فناپذیری شکل گرفت. به عبارتی تا چیزی اوّل به صورت فانی ظاهر نشود نمی‌تواند جامه فناپذیری را به خود بگیرد. یعنی اوّل همه چیز باید به صورت فانی هویدا گردد و سپس جامه نافانی را بتواند بر تن کند. حال چه طور؟

این جواب خداوند عیسی مسیح به نیکودیموس بود: «^۵عیسی در جواب گفت: آمین، آمین به تو می‌گویم اگر کسی از آب و روح مولود نگردد، ممکن نیست که داخل ملکوت خدا شود. ^۴آن چه از جسم مولود شد، جسم است و آن چه از روح مولود گشت روح است» (یوحنا ۳ : ۵ - ۶).

خداوند به نیکودیموس داشت سیر تولّد تازه را بیان می‌کرد، یعنی این که هر شخص برای دریافت تولّد تازه و نافانی می‌بایست اوّل به صورت فانی، از آب، جسمانی، آن چه در ابتدای خلقت بود، تولّدی فانی بیابد؛ و بعد برای تولّدی تازه و نافانی از روح، روح خدا، همان روح القدس، به صورت روحانی تولّدی نامیرا به واسطه روح القدس دریافت نماید.

هیچ کس حتی پس از اقرار و پذیرش خداوند عیسی مسیح، وارد ملکوت خدا نمی‌گردد، پذیرش عیسی مسیح تنها گناهان او را فدیّه می‌دهد و شخص از اسارت شیطان رها می‌شود و فرصت این را می‌یابد تا وارد روند تولّد تازه گردد، ولی می‌بایست حتماً روح را نیز دریافت کند، تا در حضور خداوند تا ابد زیست نماید.

تولّد تازه از آب و روح حاصل می‌شود، یعنی هیچ کسی که هنوز وارد دنیا نشده نامیرا و ابدی نیست و باید اوّل در جهان هستی موجودیت پیدا کند، و سپس طی روند پذیرش خداوند عیسی مسیح و تعمید روح وارد تولّد تازه و حیات ابدی گردد. بسیاری مسیح را در زندگی خود می‌پذیرند، برای او سرود می‌خوانند، برای او خدمات بزرگ انجام می‌دهند، به نام او کارهای بسیار بزرگ و عجیب می‌کنند ولی اگر روح القدس در آنان نباشد، خود خداوند به آنان می‌گوید:

«^{۲۱}نه هر که مرا، خداوند، خداوند، گوید داخل ملکوت آسمان گردد، بلکه آن که اراده پدر مرا که در آسمان است به جا آورد.^{۲۲} بسا در آن روز مرا خواهند گفت، خداوندا، خداوندا، آیا به نام تو نبوت نمودیم و به اسم تو دیوها را اخراج نکردیم و به نام تو معجزات بسیار ظاهر نساختمیم؟^{۲۳} آنگاه به ایشان صریحاً خواهیم گفت که، هرگز شما را نشناختم! ای بدکاران از من دور شوید!^{۲۴} پس هر که این سخنان مرا بشنود و آنها را به جا آرد، او را به مردی دانا تشبیه می‌کنم که خانه خود را بر سنگ بنا کرد» (متی ۷ : ۲۱ - ۲۴).

"هرگز شما را نشناختم" نشناختن یعنی بیگانه بودن، بیگانه کسی است که با او نباشید، در عالم روحانی یعنی در اندرون کسی نبودن، و مسیح می‌گوید در اندرون چنین اشخاصی نیست. چه طور مسیح می‌تواند در اندرون کسی قرار بگیرد؟ در جلد اول کتاب شناخت الوهیت دانستید که پدر (خدا) و پسر (عیسی مسیح) و روح القدس یک شخصیت است که در گذر زمان و به تناسب شرایط و موقعیتهای مختلف در هر یک از این سه وجه متجلی می‌شود؛ و امروزه همان عیسی، کلام مجسم شده خدای نادیدنی به صورت روح القدس تا انقضای عالم در اندرون مسیحیان در تمام هفت کلیسا با آنان همراه است.

و خداوند عیسی مسیح می‌گوید، حتی پس از پذیرش او به عنوان منجی و فدیۀ گناهان، اگر او را در اندرون خود نداشته باشید، شما را نمی‌شناسد و تولّد تازه را نخواهید یافت و در نتیجه صاحب حیات جاودانی نخواهید شد.

کل در کل این خدا است؛ برای حیات ابدی می‌بایست از نو و این بار در خداوند متولّد شد: «^۴لیکن چون مهربانی و لطف نجات دهنده ما خدا ظاهر شد،^۵ نه به سبب اعمالی که ما به عدالت کرده بودیم، بلکه محض رحمت خود ما را نجات داد به غسل تولّد تازه و تازگی‌ای که از روح القدس است» (تیتس ۳ : ۴ - ۵).

تا روح القدس در کسی قرار نگیرد شخص به انسانی دیگر تبدیل نخواهد شد و هنوز در فکر و عمل همان انسان گذشته خواهد بود، این روح القدس است که وقتی در

کسی ساکن شود او را به شخصی دیگر تبدیل می‌کند تا وارث حیات جاودانی گردد. و خداوند عیسی مسیح در این خصوص می‌فرماید: «^۶... من الف و یاء و ابتدا و انتها هستم. من به هر که تشنه باشد، از چشمه آب حیات، مفت خواهیم داد» (مکاشفه ۲۱ : ۶).

و در انتها همان طور که پولس رسول در وصف اهمیت نقش و حضور روح القدس می‌گوید: «^{۱۱} و اگر روح او که عیسی را از مردگان برخیزانید در شما ساکن باشد، او که مسیح را از مردگان برخیزانید، بدنهای فانی شما را نیز زنده خواهد ساخت به روح خود که در شما ساکن است» (رومیان ۸ : ۱۱).

فرزند خواندگی:

زمانی که جبرائیل به نزد مریم می‌رود و در شرح چگونگی تولّد خداوند عیسی مسیح به مریم می‌گوید که: «^{۳۵}... روح القدس بر تو خواهد آمد و قوّت حضرت اعلی بر تو سایه خواهد افکند، از آن جهت آن مولود مقدّس، پسر خدا خوانده خواهد شد» (لوقا ۱ : ۳۵)، تولّد عیسی را به قوّت و حضور روح القدس در رحم مریم مرتبط می‌کند و آنّا بیان می‌دارد که به این جهت این نوزاد پسر خدا نامیده خواهد شد.

باز سالها جلوتر وقتی خداوند عیسی مسیح در جوانی برای گرفتن تعمید آب به نزد یحیی تعمید دهنده می‌رود، شاهد یک صحنه عجیب دیگر خواهیم بود: «^{۱۶} اما عیسی چون تعمید یافت، فوراً از آب برآمد که در ساعت آسمان بر وی گشاده شد و روح خدا را دید که مثل کبوتری نزول کرده، بر وی می‌آید.^{۱۷} آنگاه خطابی از آسمان در رسید که: این است پسر حبیب من که از او خشنودم» (متی ۳ : ۱۶ - ۱۷) (لوقا ۳ : ۲۲).

دقیقاً زمانی که خداوند عیسی مسیح توسط یحیی تعمید آب گرفت و پس از آن که روح القدس بر او قرار گرفت که این نشانی از تعمید روح القدس بود، یک تأییدیه از

آسمان صادر شد، خدا از آسمان ندا کرد که این پسر محبوب من است. این اتفاق نه تنها مختص به مسیح بوده بلکه برای هر کس که امروزه از روح القدس تعمید بیابد اعتبار دارد، چنان که پولس رسول نیز به این مهم شهادت می‌دهد:

«^{۱۴} زیرا همه کسانی که از روح خدا هدایت می‌شوند، ایشان پسران خداوند.^{۱۵} از آن رو که روح بندگی را نیافته‌اید تا باز ترسان شوید بلکه روح پسر خواندگی را یافته‌اید که به آن ابا یعنی ای پدر ندا می‌کنیم.^{۱۶} همان روح بر روحهای ما شهادت می‌دهد که فرزندان خدا هستیم» (رومیان ۸ : ۱۴ - ۱۶).

در حقیقت هیچ ایمان‌داری وقتی به مسیح ایمان می‌آورد نمی‌تواند بگوید که پسر خدا است، بیان چنین حرفی یک اشتباه است. پسر خدا دارای خصوصیات خدا است، آیا حقیقتاً هر کسی که ایمان آورده دارای خصوصیات خدا است؟ همان گونه که با حلوا حلوا گفتن، دهان شیرین نمی‌شود، صرفاً با ابراز ایمان به مسیح کسی فرزند خدا نمی‌شود. فرزند خدا باید دارای روح خدا بوده و روح القدس در او ساکن باشد. با چنین اشتباهی از تلاش برای دریافت روح القدس جا نمانید. چنین تعلیم غلطی، آموزه معلمین کذب و یک تعلیم منحرف شیطانی است. فرزند خدا از روح خدا متولد می‌گردد و باید وارد یک تولد تازه شده باشد، چیزی غیر از آن کسی که بود.

اراده خدا برای تمام کسانی که به خداوند عیسی مسیح به عنوان منجی و فدیة گناهان جهان ایمان می‌آورند این است تا به واسطه این ایمان، تعمید روح القدس را یافته و فرزندان خدا شوند، چون: «^{۱۷} و هرگاه فرزندانیم، وارثان هم هستیم، یعنی ورثه خدا و هم ارث با مسیح، اگر شریک مصیبت‌های او هستیم تا در جلال وی نیز شریک باشیم.^{۱۸} زیرا یقین می‌دانم که دردهای زمان حاضر نسبت به آن جلالی که در ما ظاهر خواهد شد هیچ است.^{۱۹} زیرا که انتظار خلقت، منتظر ظهور پسران خدا می‌باشد» (رومیان ۸ : ۱۷ - ۱۹).

فرزندان خدا دارای حیات ابدی و میراث‌دار خدا برای جهان ابدی می‌باشند.

هیکل روح القدس:

«^{۱۶} و من از پدر سؤال می‌کنم و تسلی دهنده‌ای دیگر به شما عطا خواهد کرد تا همیشه با شما بماند،^{۱۷} یعنی روح راستی که جهان نمی‌تواند او را قبول کند زیرا که او را نمی‌بیند و نمی‌شناسد و اما شما او را می‌شناسید، زیرا که با شما می‌ماند و در شما خواهد بود» (یوحنا ۱۴ : ۱۶ - ۱۷).

خداوند عیسی مسیح پیش از مصلوب شدن و مرگ و قیام و صعود به آسمان به شاگردان خود وعده تسلی دهنده‌ای دیگر را می‌دهد که پس از او از سوی خدا عطا خواهد شد. او این تسلی دهنده را معرفی می‌کند که همان روح القدس (روح خدا) است، ولی یک نکته بسیار مهم را نیز به شاگردانش، یعنی کسانی که او را پیوسته پیروی می‌کنند اعلام می‌دارد، که او نه تنها با شما، مانند عهد عتیق آن گونه که با انبیا بوده خواهد ماند بلکه پس از این در آنها خواهد ماند و سکونت خواهد گرفت.

این اراده خدا بود تا پس از فیض، روح القدس را به پیروان و شاگردان مسیح در وجودشان اضافه کند. اضافه شدن روح القدس به هر شخصی او را از انحصاری که تا کنون بر خود داشته خارج می‌کند و شخص را در ملکیت خدا قرار می‌دهد. وقتی روح القدس در کسی ساکن شود آن شخص برای ابد متعلق به خداوند خواهد بود و دیگر در آینده خود اختیاری ندارد؛ پولس رسول در این خصوص جداً هشدار می‌دهد که: «^{۱۹} آیا نمی‌دانید که بدن شما هیکل روح القدس است که در شما است که از خدا یافته‌اید و از آن خود نیستید» (اوّل قرنطیان ۶ : ۱۹)؟

روح القدس، روح برتر تمام جهان هستی است که هرگز شیطان و نیروهای تاریکی بر آن نمی‌توانند استیلا بیابند؛ برای آن که برگزیدگان خدا باری دیگر در اسارت ابلیس نیفتند ضروری است تا روح القدس وعده را در وجودشان داشته باشند.

کسی که بدن او مسکن روح القدس گردد، به حقیقت هیكل او مکان امن و مقدس خدا خواهد شد و همان روحی که در او ساکن است تا به نهایت نسبت به او غیرت دارد؛ یعقوب در این خصوص می‌فرماید که: «^{۵۵} آیا گمان دارید که کتاب عبث می‌گوید روحی که او را در ما ساکن کرده است، تا به غیرت بر ما اشتیاق دارد» (یعقوب ۴ : ۵)

اراده خدا چنین است تا به وسیله مقدسین و فیض یافتگان در مسیح بتواند با دنیا و مردم در اسارت گناه ارتباط برقرار کند و با نمایاندن جلوه‌های انسانی از روح متعالی خدا، نظر دنیا را به سمت قداست آسمانی جلب کند لذا هیكل هر کسی که به واسطه روح القدس، فرزند خدا خوانده شود را مسکن روحانی خود قرار داده: «^{۲۲} و در وی شما نیز با هم بنا کرده می‌شوید تا در روح مسکن خدا شوید» (افسسیان ۲ : ۲۲).

اما پولس رسول علاوه بر این که می‌فرماید کسی که روح القدس را دارد، دیگر در آن وجود جسمانی گذشته خود زندگی نمی‌کند بلکه در اطاعت روح در حال زیست است، یک هشدار هولناک برای کسانی که نتوانند وجودشان را مهبیای سکونت روح القدس نمایند نیز دارد: «^۹ لیکن شما در جسم نیستید بلکه در روح، هرگاه روح خدا در شما ساکن باشد؛ و هرگاه کسی روح مسیح را ندارد وی از آن او نیست» (رومیان ۸ : ۹).

روح مسیح چیست؟ جلوتر و در ادامه این کتاب به طور مفصل و دقیق به روح مسیح اشاره خواهیم کرد، اما در این مجال این را بدانید که حسب کلام خود خداوند عیسی مسیح، او به صورت روح القدس امروزه و تا انقضای عالم با مسیحیان است: «^{۲۰} ... و اینک، من هر روزه تا انقضای عالم همراه شما می‌باشم. آمین» (متی ۲۸ : ۲۰).

کلام مسیح نمی‌تواند دروغ گردد، او به آسمان و در جایگاه کاهن اعظم خدای تعالی نشسته است و تا انقضای روز ششم از دوره خلقت خدا او پایش را به زمین نخواهد گذاشت. پس چگونه می‌گوید تا انقضای عالم با شما خواهم بود؟ فقط به یک شکل

امکان پذیر است! او همان تسلی دهنده اول و دوم از سوی خدا است، او امروزه به صورت روح القدس در وجود هر مسیحی سکونت دارد.

آیا تا کنون توجه کرده‌اید که چرا به پیروان و شاگردان مسیح، مسیحی می‌گویند؟ به هیچ کس نمی‌توان گفت مسیحی مگر این که مسیح در او و او در مسیح باشد؛ شخص مسیحی کسی است که مسیح در او سکونت داشته باشد. یک آلمانی کسی است که در آلمان سکونت دارد و هویت او آلمانی باشد، و یا یک نظامی کسی است که لباس نظامی پوشیده و روح نظامیگری در او وجود داشته باشد و ... مسیح امروزه به صورت روح القدس در هر شخص مسیحی سکونت دارد. به عبارت بسیار دقیق و صحیح: یک مسیحی کسی است که روح القدس در او سکونت داشته باشد، یعنی تعمید روح القدس را گرفته باشد، در غیر این صورت او تنها یک ایماندار به مسیح خواهد بود و نه یک مسیحی.

پس «هرگاه کسی روح مسیح را ندارد وی از آن او نیست.» این بسیار ترسناک است! کسی که مسیح در او نباشد، کسی که تعمید روح القدس را نداشته باشد، کسی که هیكل او محل سکونت خدا نباشد، او تولّد تازه را ندارد و حسب کلام خداوند وارد ملکوت او نمی‌شود.

تعمید روح القدس برای یک ایماندار مسیحی نه تنها از قوت روزانه بلکه زندگی و جان او نیز مهم‌تر و در اولویت نخست حیات قرار دارد.

خداوند از روز پنتیکاست روح القدس را به کلیسای خود بخشید و این فیض را تنها ایمانداران به مسیح یافتند تا با تعمید روح القدس، بدنهای آنان مکان روح القدس شده و به عنوان فرزندان خدا وارث ملکوت او شوند. حضور روح القدس در هر شخصی ترس را از بین می‌برد و به او قدرتهای بسیاری می‌بخشد: «^{۳۱} و چون ایشان دعا کرده بودند، مکانی که در آن جمع بودند به حرکت آمد و همه به روح القدس پر شده، کلام خدا را به دلیری می‌گفتند» (اعمال رسولان ۴ : ۳۱).

عبادت در روح القدس:

متأسفانه هنوز بسیاری ایمانداران به مسیح که طریق صحیح دعا کردن را نمی‌دانند و هرگاه دهان به دعا باز می‌کنند مانند آمتها سخنان باطل به زبان می‌آورند. نتیجه این همه دعا‌های آنان، حسب شهادت‌های زیادی که خودشان دادند و معترف بودند، کاملاً بی‌نتیجه بوده.

کتاب مقدس یک آموزه بسیار غنی از چگونه دعا نمودن پسندیده خدا را به ما ارائه می‌دهد، اما کلیت این آموزه را نیز اگر بیاموزید و به کار ببندید؛ باز دعای قدرتمند و کارساز دعایی است که شخص در اتحاد با روح القدس به آسمان خدا بلند می‌کند.

یهودا در رساله خود به این مهم اشاره و سفارش می‌کند که: «آما شما ای حبیبان، خود را به ایمان اقدس خود بنا کرده و در روح القدس عبادت نموده» (یهودا ۱ : ۲۰). یقیناً عبادت در روح مستلزم یکی شدن با روح القدس است. یکی از دلایل دیگری که خدا می‌خواهد تا هر ایماندار مسیحی تعمید روح القدس و یکی شدن با او را بیابد، برای قدرت یافتن در دعاها است.

دعای یک شخص شاید به دلایل مختلف و در عمل به آسمان خدا نرسد و بی‌نتیجه بماند! اما دعایی که با اتحاد روح القدس به اعلیٰ علیین بلند کرده می‌شود، آنگاه این روح القدس است که دعا می‌نماید و بی‌جواب نخواهد برگشت.

لذا همیشه محبت خدا بر این است تا هر شخص، وقتی به دعا و عبادت به حضور خدا می‌خواهد حاضر شود، با آداب و قوت روح خدا حاضر شده و تکلم نموده تا در عالم روحانی جواب بیابد.

شخصی که هنوز آداب و شکل صحیح دعا نمودن را نمی‌داند، اما اگر با مشارکت روح القدس وارد حیطه دعا و عبادت گردد، روح طریق درست را برای او اعمال خواهد کرد،

دقیقاً مانند کسی که به محکمه می‌رود تا از خود دفاع کند اما چون آداب و فنون دفاع را در دادگاه نمی‌داند با سخنان خود، بیشتر باعث محکوم شدن خود خواهد شد تا تبرئه، لذا وکیل برای او این مهم را به نیکویی به انجام می‌رساند.

یوحنا^{۲۳} رسول می‌فرماید: «لیکن ساعتی می‌آید بلکه الان است که در آن پرستندگان حقیقی پدر را به روح و راستی پرستش خواهند کرد زیرا که پدر مثل این پرستندگان خود را طالب است.^{۲۴} خدا روح است و هر که او را پرستش کند می‌باید به روح و راستی بپرستد» (یوحنا ۴ : ۲۳ - ۲۴).

متأسفانه بیشتر دعا‌هایی که شاهد آن هستیم کاملاً دیدگاه انسانی و جنبه زمینی و بشری دارد، و درخواست‌ها و معیارهایی را که در دعاها می‌شنویم در حکمت آسمانی خدا نه تنها جایگاهی ندارد بلکه مردود است. خدا روح است و به حکمت آسمانی خود همه چیز را ملاک قرار می‌دهد، لذا تنها روح قدّوس او است که گویای صحیح هر امری و دریافت کننده هر پاسخی است. از این روی خدا پرستندگانی را می‌پسندد که با قوّت روح او حاضر می‌شوند و به آنان جواب خواهد داد.

خدمت در روح القدس:

«^{۱۱}در اجتهاد کاهلی نورزید و در روح سرگرم شده، خداوند را خدمت نمایید» (رومیان ۱۲ : ۱۱). اساساً وقتی کسی تعمید روح را می‌یابد دو چیز در او آشکار می‌شود.

اول آن که روح القدس هدیه و عطیّه‌ای به آن شخص خواهد بخشید، قوّتی که تا پیش از آن در او نبوده و آن یک عطیّه خاص خواهد بود که در نظر دیگران نمود خواهد کرد.

و دوم این که با تعمید روح القدس شخص عضوی از بدن روحانی خداوند عیسی مسیح خواهد شد و همان گونه که در یک بدن هر عضوی وظیفه و خدمتی خاص بر عهده دارد، محال ممکن است کسی که تعمید روح یافته در حصاد روحانی خداوند بدون خدمت باشد.

در همین خصوص دو نکته بسیار مهم را همیشه به یاد داشته باشید:

(۱) ایماندارانی که در کلیسا و یا در زندگی شخصی خود فاقد خدمت یا فعالیت با قوّت روح القدس باشد، قطعاً تعمید روح را ندارد. زیرا کسانی که روح القدس را در خود دارند، همان روح آنان را بیکار نمی گذارد، بلکه به خدمت می کشاند.

(۲) هر کسی که در قالب تشکلات کلیسایی نقش و جایگاهی در کلیسا دارد، لاجرم تعمید روح ندارد؛ زیرا فقط و فقط روح القدس است که کسی را به خدمت در کلیسا می گمارد چنان که پولس رسول نیز در این خصوص شهادت می دهد: «^{۲۷} اما شما بدن مسیح هستید و فرداً اعضای آن می باشید.^{۲۸} و خدا قرار داد بعضی را در کلیسا، اول رسولان، دوم انبیا، سوم معلّمان، بعد قوّات، پس نعمتهای شفا دادن و اعانات و تدابیر و اقسام زبانها» (اول قرنتیان ۱۲ : ۲۷ - ۲۸).

هر گونه انتصابات خدمتی در کلیساها اگر با گزینش هر مقامی به غیر از روح القدس باشد، مورد تأیید خداوند نیست؛ هر گونه انتصاب به خدمتی در کلیسا اگر حسب فارغ التحصیلی در دانشگاه های الهیاتی باشد مورد تأیید خداوند نیست. خدمت در کلیسا را فقط روح القدس است که تعیین می کند؛ مانند چگونگی انتخاب پولس و برنابا: «^۱ و در کلیسایی که در آنطاکیّه بود، انبیا و معلّم چند بودند، برنابا و شمعون ملقب به نیجر و لوکیوس قیروانی و مَناحِمِ برادر رضاعی هیرودیس تیتراخ و سولس.^۲ چون ایشان در عبادت خدا و روزه مشغول می بودند، روح القدس گفت، برنابا و سولس را برای من جدا

سازید از بهر آن عمل که ایشان را برای آن خوانده‌ام. آنگاه روزه گرفته و دعا کرده و دستها بر ایشان گذارده، روانه نمودند» (اعمال رسولان ۱۳: ۱ - ۳).

این روندی هست که تا به امروز ادامه دارد و خود روح القدس است که خادمینش را در کلیسا تعیین و آنان را مسح می‌نماید. احتمال دارد شخصی با دانش الهیاتی از سوی روح القدس به خدمت گماشته شود، اما برای این منظور به هیچ وجه دانش الهیاتی او ملاک نیست، بلکه ملاک انتخاب روح القدس است؛ و نیز حتماً باید این مهم را مد نظر قرار داد که شرط اصلی و اولیّه برای این گزینش از سوی روح القدس تعمید روح است، که چنین تعمیدی با یک اتفاق عجیب ماوراءالطبیعه همیشه همراه است و شخص باید برای آن یک شهادت بزرگ داشته باشد.

خدمت در کلیسا دارای چنان اهمیت ویژه و مهمی است که نمی‌توان این امر را حسب احساسات انسانی به کسی وا گذار نمود. اساساً هیچ کس حق چنین کاری را ندارد؛ کلیسا بدن مسیح و از آن خداوند است و تنها او است که حق دارد بر کلیسایش خدّامی را به کار بگمارد.

آنانی که با مسح روح القدس در خدمت کلیسا قرار می‌گیرند به خاطر همان روح قدّوس نمی‌توانند اشتباه و انحرافی در کلیسا ایجاد کنند زیرا در روح شریک با روح القدس گردیده‌اند. اما آنانی که بدون انتخاب و مسح روح القدس در جایگاه خدمتی در کلیسا نشستند همیشه کلیسا را به انحراف برده‌اند که تاریخ نیز به این شهادت می‌دهد.

پولس رسول باز در رساله خود به افسسیان این مهم را تکرار می‌کند که: «آن که نزول نمود، همان است که صعود نیز کرد بالاتر از جمیع افلاک تا همه چیزها را پُر کند.^{۱۱} و او بخشید بعضی رسولان و بعضی انبیا و بعضی مبشّرین و بعضی شبانان و معلّمان را،^{۱۲} برای تکمیل مقدّسین، برای کار خدمت، برای بنای جسد مسیح» (افسسیان ۴: ۱۰ - ۱۲).

کسانی که تعمید روح القدس را بیابند، غیر ارادی، حسب آن چه روح برای آنان در نظر می‌گیرد به خدمتی در کلیسا مشغول می‌گردند و کار آنان در کلیسا ثمره نیکو به بار خواهد آورد؛ و این اراده خدا برای بخشیدن روح القدس به کسانی است که بر می‌گزینند تا در کلیسا به کار خدمت مشغول شوند.

تفکر روح القدس:

«^۵ زیرا آنانی که بر حسب جسم هستند، در چیزهای جسم تفکر می‌کنند و اما آنانی که بر حسب روح هستند در چیزهای روح.^۶ از آن جهت که تفکر جسم موت است، لیکن تفکر روح حیات و سلامتی است» (رومیان ۸ : ۵ - ۶).

تفکر جسم تمام آن چیزهایی است که یک انسان حسب زندگی در دنیای مادی از آن اکتساب می‌نماید. جسم یا تفکر انسانی در همه امور زندگی همیشه تنها چیزی که برای او ملاک و معیار قرار دارد نیازهای او اعم از مادی و جسمی و روح انسانی او است، که در باغ عدن به واسطه گناه آدم، شیطان بر آن استیلا پیدا کرد و او را به سمت گناه و مرگ کشاند.

تمام تاکتیکهای شیطان برای به انحراف کشاندن یک شخص مطابق آن چه در بیابان برای به تجربه انداختن مسیح با سه پرسش به کار انداخت، و همان گونه که بعدها نیز یوحنا رسول از آن پرده برداشت، حول سه محور می‌گردد: «^{۱۶} زیرا که آن چه در دنیا است، از شهوت جسم و خواهش چشم و غرور زندگانی از پدر نیست بلکه از جهان است» (اوّل یوحنا ۲ : ۱۶).

پس از التقاط شیطان با روح انسانی، کلاً تفکر انسانی یا همان دنیا، در امور دنیایی تفکر می‌کند که نتیجه‌اش مرگ است. از این روی اراده خدا بر این است تا هر ایماندار

به مسیح با تعمید روح القدس و سکونت روح در او، روح قدّوس خداوند که به اسرار و حقایق آسمانی آگاه است، تفکر جسمانی را در سیطره خود گرفته و شخص با تفکری روحانی در خداوند زیست نماید.

یگانگی روح با خدا:

غالب شدن تفکر روح در یک شخص نه تنها او را در مسیر سلامتی و حیات قرار می‌دهد بلکه همان گونه که پولس رسول نیز به آن اشاره دارد او را با روح خدا پیوند می‌زند: «^{۱۷}لیکن کسی که با خداوند پیوندد یک روح است» (اول قرنتیان ۶ : ۱۷).

امکان ندارد قدرت برتر مغلوب قدرت ضعیف‌تر گردد؛ امکان ندارد دانش و علم به یقین، در مقابل ادله‌های پوچ و اشتباه کنار برود؛ امکان ندارد مالک از مستأجر خود فرمان برد؛ همیشه این ضعیف‌تر و کوچک‌تر است که در قوی‌تر و بزرگ‌تر حل می‌شود.

از این روی اراده خدا چنین است تا با بخشش روح القدس به یک ایماندار مسیحی با او وارد مشارکتی شود که همه امور زندگی او را در دست بگیرد و آن شخص با روح خدا یکی گردد. در ادامه وقتی به خصوصیات روح القدس بپردازیم برایتان کاملاً آشکار خواهد شد که این یگانگی با روح القدس چگونه و تا چه حد زندگی یک شخص را زیر و روی کرده و نقش مهم و تأثیرگذاری در زندگی او خواهد داشت.

پولس رسول در این خصوص سفارش می‌کند که: «برای هیچ چیز اندیشه مکنید، بلکه در هر چیز با صلات و دعا با شکرگزاری مسؤولات خود را به خدا عرض کنید» (فیلیپیان ۴ : ۶).

روح القدس بیعانه خدا:

«^{۲۲} که او نیز ما را مُهر نموده و بیعانه روح را در دلهای ما عطا کرده است» (دوم قرن‌تیا ۱ : ۲۲).

شاید مهم‌ترین چیزی که برای یک شخص دارای اهمیت بسیار ویژه باشد، اطمینان از انتهای کار او است، که آیا برگزیده خدا برای ملکوتش می‌باشد یا نه؟ تعمید روح القدس دقیقاً یک جواب محکم و قاطع به این مهم است، زیرا تعمید روح بیعانه خدا و اطمینان از برگزیدگی برای هر شخص ایماندار خواهد بود.

پولس رسول خیلی واضح اعلام می‌کند: «^{۱۳} و در وی شما نیز چون کلام راستی، یعنی بشارت نجات خود را شنیدید، در وی چون ایمان آوردید، از روح قدّوس وعده مختوم شدید.^{۱۴} که بیعانه میراث ما است برای فدای آن مُلک خاص او تا جلال او ستوده شود» (افسسیان ۱ : ۱۳ - ۱۴).

روح القدس ازلی و ابدی است، در او مرگ راه ندارد، او روح حیات است. بدنی که روح القدس در او ساکن باشد مرگ را نخواهد چشید و همان گونه که همان روح، مسیح را از مردگان برخیزانید، در هر کس که در او سکونت داشته باشد او را از مرگ قیام خواهد داد.

اما همان گونه که رسول او به این امید زنده ما را بشارت داده، شادانیم که روح القدس بیعانه خدا برای یک حیات ابدی است: «^{۱۵} اما او که ما را برای این درست ساخت خدا است که بیعانه روح را به ما می‌دهد» (دوم قرن‌تیا ۵ : ۵).

خصوصیات روح القدس:

شاید برای کسانی که شناخت چندانی از روح القدس ندارند، فهمیدن این نکته مهم که روح القدس نیز دارای خصوصیات و شاخصه‌هایی منحصر به خود است بسیار عجیب باشد! و وقتی این خصوصیات را در کتاب مقدس مورد بررسی قرار می‌دهیم به یک دانایی بسیار مهم می‌رسیم که روح القدس یک منبع انرژی یا عنصر تزریقی و یا هر مفهوم بی‌جان دیگری نیست! بلکه یک شخصیت حقیقی و سایه گستر است.

در جلد اول کتاب الوهیت با خصوصیات خدا، پدر آسمانی تا حدودی آشنا شدید، و در باب مربوط به عیسی مسیح در جلد اول وقتی در خصوص خصوصیات خداوند عیسی مسیح مجسم شده صحبت شد از خصوصیات او کمتر گفته شد، به عبارتی به خصوصاتی از او پرداخته شد که در بُعد جسمانی در زمین حضور داشته.

دانستید که عیسی مسیح مجسم شده، همان پدر سرمدی و خدای قدیری بود که در جسم آشکار شد و طبیعتاً در جسم، برخی خصوصیات جسمانی در او هویدا گردید. او همان تسلی دهنده اول خدا برای بشریت بود و زمانی که به انتهای مأموریت خود در زمین نزدیک می‌شد به شاگردانش وعده داد که خدا تسلی دهنده دیگری برای شما خواهد فرستاد که روح القدس خواهد بود و او شما را به جمیع راستیها هدایت خواهد نمود: «^{۲۶}لیکن تسلی دهنده یعنی روح القدس که پدر او را به اسم من می‌فرستد، او همه چیز را به شما تعلیم خواهد داد و آن چه به شما گفتم به یاد شما خواهد آورد» (یوحنا ۱۴ : ۲۶).

در معرفی عیسی از روح القدس چند نکته جالب برجسته می‌شود: اول این که روح القدس نیز مانند عیسی یک تسلی دهنده برای بشریت است که این خود، توضیحی به بزرگی یک کتاب با خود دارد! دوم این که نام روح القدس نیز عیسی است یعنی هم نام با پدر سرمدی و خداوندمان عیسی مسیح؛ خود خداوند در این خصوص چنین می‌فرماید: «^{۲۰}... و اینک، من هر روزه تا انقضای عالم همراه شما می‌باشم. آمین» (متی ۲۸ : ۲۰) نتیجه حاصل می‌شود که این ادامه حضور پدر سرمدی بعد از به شباهت انسانی (عیسی

مسیح) است که به شباهت روحانی (روح القدس) ظاهر شده است. سوّم این که روح القدس یک معلّم و تعلیم دهنده، یعنی دارای شخصیتی بسیار با شعور و دانا که هدایت کننده است به حدی که برای خودش دارای ویژگیها و خصوصّیاتی در قالب روحانی می باشد.

از آن جایی که در این سلسله تغییر حالات خدا از جایگاه پدر و سپس در جایگاه پسر و بعد به صورت روح القدس فقط یک ذات و شخصیت الوهی در کار است که تنها در سه بُعد متفاوت ظاهر شده، در هر باب از معرفّی الوهیت، به خصوصیات الوهی خدا نسبت به آن حالات پرداخته شده؛ و اکنون در جلد سوّم از کتاب الوهیت یعنی معرفّی روح القدس قصد داریم حسب آن چه کتاب مقدّس از معرفّی روح القدس به ما نشان می دهد به خصوصیات ویژه او بپردازیم که دانستن آن فوق العاده مهم، حیاتی و تأثیرگذار در زندگی هر انسانی است.

خدا در وجه محسوس روح القدس در جان مقدّسین دارای خصوصّیاتی منحصر می باشد که می دانم بسیاری تا کنون از آن بی خبر بودند چون وقتی به دیدگاه های بسیار از شناخت روح القدس دقّت کردم، متأسّفانه شاهد آن بودم که او را به چیزی مانند انرژی و سوخت تشبیه می کنند که در بدن ایمانداران کم و با دعا زیاد می شود! اوه این یکی از وحشتناک ترین دیدگاه ها در خصوص روح القدس است بلکه اهانت به ذات الوهی او است.

لذا از آن جایی که کفر به روح القدس توبه ندارد و انسان را برای همیشه از ملکوت خدا منقطع خواهد نمود، لازم است به طور جامع، آن گونه که کتاب مقدّس او را به ما معرفّی می کند در این باب به شرح خصوصیات روح القدس بپردازیم.

اما در این مجال ملزم شدم در خصوص موضوعی بسیار مهم کمی توضیح داده و آشکارسازی نمایم؛ شاید گفتن این موضوع مهم در همان اوایل جلد اوّل به جا به نظر می رسید، اما در حقیقت التزامش در این زمان ایجاد شد. در بسیاری از کتب مذهبی مربوط

به ایمان مسیحی که تا کنون نوشته شده، زیاد خوانده‌اید که برای استناد به موضوعات مطروحه، به رسالات و سخنان رسولان خداوند عیسی مسیح استناد شده است.

از سویی دیگر شنیدم بعضیها چنین موعظه می‌کنند که این سخنان متعلق به فلان رسول است و ربطی به کلام خدا ندارد و نمی‌توان به رسالات و کتب تاریخی و ... استناد کرد. آیا این گونه ادعا درست است؟ فهمیدن این موضوع بسیار مهم است، چون می‌تواند باعث لغزش و سقوط و مرگ یک ایماندار و یا نجات و حیات او گردد.

بگذارید واقع بینانه به این مهم نگاه کنیم و در ابتدا هر چیز را در جایگاه خودش قرار دهیم، و سپس ببینیم که حقیقت چیست؟

وقتی گفته می‌شود کلام خدا، قطعاً و بدون شک باید آن کلام از شخصی که دارای مقام الوهیتی است صادر شده باشد؛ یعنی گوینده آن در عهد عتیق یهوه الوهیم، و در عهد جدید خداوند ما عیسی مسیح مجسم شده باشد، که تمام این سخنان در کتب مقدس مکتوب است.

در عهد عتیق سخنان یهوه الوهیم در قالب نبوتها به انبیا گفته می‌شده و در تورات علاوه بر نبوتها به صورت فرامین شریعتی به موسی و سپس قوم سپرده شده است؛ به غیر این به هیچ وجه به سایر مکتوبات کتب مقدس که خارج از این قالبها باشد نمی‌توان گفت کلام خدا. مثلاً اشتباه است به نوشته‌هایی که از تاریخ قوم حکایت می‌کند یا کتب شعر و حکمت (البته آن قسمتهایی که نبوتی نیست) به کلام خدا نسبت داد. البته آن قسمتهایی که نبوتی نیست را نباید به کلام خدا نسبت داد زیرا کلام خدا، فقط باید از سوی خدا صادر گردد.

در عهد جدید نیز در اناجیل چهارگانه، و تنها در جاهایی که نویسندگان داشتند گفته‌های خداوند عیسی مسیح را می‌نوشتند و از زبان خود خداوند گفته می‌شد، و نیز کتاب مکاشفه که یک کتاب نبوتی و فرستاده شده از سوی خداوند عیسی مسیح است

می‌توان عبارت کلام خدا را استفاده کرد. در غیر این جاها اطلاق کلام خدا اشتباه است و باید از عباراتی مانند کتاب مقدس، یا فلان ... کتاب، یا نویسنده فلان ... کتاب، یا فلان ... رسول، و امثال این عبارات استفاده شود تا نسبت افترا به خداوند زده نشود.

پس وقتی به کتب مقدس نگاه کنیم شاید نتوان به بیش از ۲۰ تا ۲۵ درصد آن کلام خدا گفت. اما آیا باید مابقی را رد نمود؟ آیا باید مابقی را کنار گذاشت؟ آیا باید به مابقی بی‌تفاوت بود و جدی نگرفت؟ آیا می‌توان مردان امین و نویسندگان صدیق کتب مقدس را نادیده گرفت؟ آیا می‌توان سخنان مردان با حکمتی مانند سلیمان را نادیده گرفت؟ آیا می‌توان سخنان مردان محبوب خداوند مانند داوود را نادیده گرفت؟ آیا می‌توان سخنان و شهادت رسولان برگزیده خداوند عیسی مسیح، مانند پولس و پطرس و یوحنا را نادیده گرفت؟

اگر می‌توان چنین کرد پس چند هزار بار بهتر و نیکوتر، این خواهد بود که تمام مقامهای کلیسایی از اسقفها، رسولان، شبانان، معلمین، مبشرین، واعظین و خادمین تمام کلیساها را کنار زد! یا به زبان واضح‌تر کلیت کلیسا که بدن مسیح است را باید کنار زد زیرا تمام این منسبها را خود خداوند برای کلیسا تعیین می‌کند و به خدمت می‌گمارد و رد هر یک از اینها به معنی رد نمودن خداوند است و این یعنی انکار ایمان مسیحی.

چگونه می‌توان چنین معلمین بی‌هویت و نامعتبر را پذیرفت که رسولان شناخته شده خداوند عیسی مسیح را رد می‌کنند؟ و با چه حماقت جاهلانه‌ای می‌توان به تعالیشان گوش سپرد؟ رسولان وکلای اسرار خدا هستند، انبیا چشم و زبان خدا هستند، و این را کل کتاب مقدس به ما می‌آموزد؛ معلمین مسح شده، شاگردان روح القدس هستند، این را روح به قوت حکمت کلامی که به آنان می‌بخشد شهادت می‌دهد.

خداوند عیسی مسیح در تأیید رسولان و شاگردانش فرموده که: «^{۱۵}دیگر شما را بنده نمی‌خوانم زیرا که بنده آن چه آقايش می‌کند نمی‌داند؛ لیکن شما را دوست خوانده‌ام

زیرا که هر چه از پدر شنیده‌ام به شما بیان کردم.^{۱۶} شما مرا برنگزیدید، بلکه من شما را برگزیدم و شما را مقرر کردم تا شما بروید و میوه آورید و میوه شما بماند تا هر چه از پدر به اسم من طلب کنید به شما عطا کند» (یوحنا ۱۵ : ۱۵ - ۱۶).

پولس نیز علاوه بر اعتبار این سخن خداوند، با دریافتهایی که داشته اعلام نمود: «هر کس ما را چون خدّام مسیح و وکلای اسرار خدا بشمارد.^۲ و دیگر در وکلا باز پرس می شود که هر یکی امین باشد» (اوّل قرنّیان ۴ : ۱ - ۲). لذا چه به عقل، چه به حکمت و چه به اعتبار و تأیید کلام خداوند، می توان به کلام رسولان و مردان برگزیده و امین خدا نیز مانند کلام خدا اعتماد و یقین کرد.

لازم بود تا پیش از آن که وارد شرح خصوصیات روح القدس بشویم در خصوص اعتبار و سندیت کل کتب مقدّس قدری روشن سازی می شد زیرا برخی از این خصوصیات را شاگردان مسح شده او، مانند پولس رسول و ... به ما می گویند.

بارور سازنده:

در کتاب مقدّس با اوّلین خصوصیتی که از روح خدا آشنا می شویم عمل "بارور کننده" آن است. وقتی خدا آسمانها و زمین را به نفخه دهان خود به شکل توده های بخار (آب) به وجود آورد، سریعاً اوّلین کاری که در وجه روحانی خود انجام داد بارور کردن و شکل دادن به توده های بخار بود: «و زمین تهی و بایر بود و تاریکی بر روی لجه و روح خدا سطح آبها را فرو گرفت» (پیدایش ۱ : ۲).

گفتیم در عهد عتیق روح القدس با نام روح خدا معروف بود زیرا هنوز در وجود هیچ کسی ساکن نشده بود و تنها بر هر کس یا هر چیزی قرار می گرفت.

یکی از خصوصیات همیشه همراه روح خدا این است که بر هر چیزی قرار می‌گیرد آن را به جنبش آورده و بارور می‌کند، و از آن پدیده‌ای نو به وجود می‌آورد؛ مانند ابتدای پیدایش که وقتی بر روی آبها قرار گرفت خشکی را بیرون کشید و پیوسته جهان هستی را شکل داد.

در خصوص تولّد مسیح نیز همین اتفاق افتاد، وقتی روح القدس بر مریم، مادر عیسی مسیح که یک دختر باکره بود قرار گرفت رحم او را بارور نمود، عملی که به طور طبیعی امکان‌پذیر نبود: «^{۱۸} اما ولادت عیسی مسیح چنین بود که چون مادرش مریم به یوسف نامزد شده بود، قبل از آن که با هم آیند، او را از روح القدس حامله یافتند. ...^{۲۰} اما چون او در این چیزها تفکّر می‌کرد، ناگاه فرشته خداوند در خواب بر وی ظاهر شده، گفت: ای یوسف پسر داوود، از گرفتن زن خویش مریم مترس، زیرا که آن چه در وی قرار گرفته است، از روح القدس است» (متی ۱: ۱۸ و ۲۰).

پس از پنطیکاست که روح القدس بر ایمانداران افاضه شد نیز شاهد همین روند هستیم. وقتی در بالاخانه روح القدس بر آن ۱۲۰ تن قرار گرفت همه آنان از قوت روح القدس پر شدند و در وجودشان تغییراتی به وجود آمد، این تغییرات در ابتدا با صحبت نمودن آنها به زبانهای غیر، زبانهایی که هیچ کدام توانایی سخن گفتن به آنها را نداشتن نمود کرد: «^۱ و چون روز پنطیکاست رسید، به یک دل در یک جا بودند.^۲ که ناگاه آوازی چون صدای وزیدن باد شدید از آسمان آمد و تمام آن خانه را که در آن جا نشسته بودند پر ساخت.^۳ و زبانهای منقسم شده، مثل زبانهای آتش بدیشان ظاهر گشته، بر هر یکی از ایشان قرار گرفت.^۴ و همه از روح القدس پر گشته، به زبانهای مختلف، به نوعی که روح بدیشان قدرت تلفّظ بخشید، به سخن گفتن شروع کردند» (اعمال رسولان ۲: ۱ - ۴). شاید به نوعی می‌توان گفت که به شخصی دیگر تبدیل شدند.

پولس رسول نیز به نقش نمو دهنده روح خدا اشاره دارد و در مقطعی اعلام می‌کند که: «^۵ من کاشتم و اپلس آبیاری کرد لیکن خدا نمو می‌بخشید» (اول قرنتیان ۳

۶:). محال ممکن است که شخصی تعمید روح بگیرد و در کلیت روح و رفتار و وجودش تغییری محسوس دیده نشود.

اگر ایمان‌داری را دیدید که پس از ایمان هنوز هیچ تغییری در فکر و احساس و اندیشه و عملکرد او ایجاد نشده، هرگز باور نکنید که او تعمید داشته باشد، حال در هر مقام و منصبی باشد.

برای همه امتها:

حضور روح خدا همیشه در میان قوم برگزیده او یعنی بنی اسرائیل دیده شده، حضور روح خدا آن قدر در میان قوم پررنگ و با شهادتهای بسیاری همراه بوده که حتی چکیده‌ای از آن را در نزد هیچ امت و قومی نمی‌توان دید، لذا عجیب به نظر نمی‌رسد اگر گفته شود خدا فقط با این قوم بوده. اما پس از افاضه روح القدس در روز پنطیکاست عملاً شاهد آنیم که این جریان وسیع‌تر شد و از قالب قومیت به سمت هر که به خداوند عیسی مسیح ایمان قلبی و عملی آورده حرکت نمود.

پطرس شهادت می‌دهد که افاضه روح القدس در میان امت‌های دیگر نیز جاری است: «این سخنان هنوز بر زبان پطرس بود که روح القدس بر همه آنان که کلام را شنیدند، نازل شد.^{۴۵} و مؤمنان از اهل ختنه که همراه پطرس آمده بودند، در حیرت افتادند از آن که بر امت‌ها نیز عطای روح القدس افاضه شد» (اعمال رسولان ۱۰: ۴۴ - ۴۵).

همان گونه که خون عیسی مسیح باعث آمرزش گناهان جهان شد و او برای تمام جهان فدیہ شد و نه تنها قوم بنی اسرائیل، پس عطای روح القدس نیز که ضامن حیات ابدی برای هر شخصی است، به تمام امت‌های جهان بخشیده شده به شرط آن که هر کس خون فدیہ شده مسیح را برای خود بپذیرد و به او ایمان بیاورد.

اگر تا پیش از مسیح، این فخر قوم اسرائیل بود که روح خدا فقط با آنان سخن می‌گفت و در میان آنان می‌خرامید، اما پس از فیضی که در خون عیسی مسیح به جهانیان داده شد، این فخر شامل حال هر کسی که او را به عنوان خداوند و خدا، و منجی خود بپذیرد، می‌گردد؛ با یک تفاوت بسیار بزرگ و بخششی بسیار عظیم‌تر که دیگر نه به عنوان روح خدا که با قوم بوده، بلکه به عنوان روح القدس که گویای ساکن شدن روح خدا در وجود یک ایماندار برای همیشه و تحت کنترل گرفتن آن است.

چنان که پطرس اشاره می‌کند: «^۸ و خدای عارف‌القلوب بر ایشان شهادت داد بدین که روح القدس را بدیشان داد، چنان که به ما نیز.^۹ و در میان ما و ایشان هیچ فرق نگذاشت، بلکه محض ایمان دل‌های ایشان را طاهر نمود» (اعمال رسولان ۱۵ : ۸ - ۹).

باید این را به یاد داشت که سکونت روح القدس در هر شخص بیعانه و تضمینی است بر پذیرفته شدن او برای ورود به ملکوت خدا و داشتن حیات ابدی.

مشتاق:

یعقوب در رساله خود بیان می‌دارد که روح القدس به کسانی که در آنها سکونت می‌کند بسیار اشتیاق و علاقه دارد: «^{۱۵} آیا گمان دارید که کتاب عبث می‌گوید روحی که او را در ما ساکن کرده است، تا به غیرت بر ما اشتیاق دارد» (یعقوب ۴ : ۵)؟

یقیناً تا کنون به یک مرد غیرتی برخوردیده‌اید. او نسبت به همسر خود چگونه غیرتی دارد؟ آیا تحمل می‌کند کسی او را لمس و بی‌حیثیت کند؟ آیا تحمل می‌کند کسی به او گزند برساند؟ آیا تحمل می‌کند کسی نیت بد بر او داشته باشد؟ آیا تحمل دیدن درد و رنج او را دارد؟ آیا برای او با بدترین دشمنان مقابله نخواهد کرد؟

خدا در عهد عتیق قومش را مخاطب ساخته و چنین می‌فرماید که او مانند شوهر، و قوم همچون زوجهٔ او است: «^۵ زیرا که آفرینندهٔ تو که اسمش یهوه صوالت است شوهر تو است، و قدوس اسرائیل که به خدای تمام جهان مسمی است ولی تو می‌باشی. زیرا خداوند تو را مثل زن مهجور و رنجیده دل خوانده است و مانند زوجهٔ جوانی که ترک شده باشد. خدای تو این را می‌گوید» (اشعیا ۵۴: ۵ - ۶). این سخن در تمثیل گفته شده اما نشان از اشتیاق و غیرت بسیار خدا نسبت به قومش داشت و در عمل نیز خدا برای قومش کارهای بسیار عجیب و شگفت‌آور نمود.

در عهد جدید نیز وقتی یهوه با جلال عیسی مسیح آشکار شد کتب به ما باز با چنین تمثیلی می‌گوید که عیسی داماد آسمانی و کلیسای برگزیدهٔ او مانند عروسِ باکرهٔ او می‌باشد (به تمثیل ده باکره در انجیل متی باب ۲۵ توجه کنید). و حال شاهدیم که او (خداوند عیسی مسیح) تا به مرگ برای کلیسا و عروس خود غیرت داشت و جانش را برای آن داد.

پس از مصلوب شدن خداوند و نزول او مانند روح القدس بر جانهای ایمانداران ما شاهد همان غیرت و اشتیاق او هستیم که: «... تا به غیرت بر ما اشتیاق دارد؟» حال وقتی می‌بینیم که خدا در عهد عتیق برای قومش چه کارها کرد و وقتی در جسم بر روی زمین آشکار شد، غیرتش او را تا کجا (تا به مرگ) به پیش برد، باید درک کرده باشید که روح القدس تا چه حد به ما اشتیاق و غیرت دارد؟

او با ساکن شدن در شخص، هرگز رهايش نخواهد کرد و این یک تضمین بزرگ برای حیات ابدی است.

تبدیل کننده:

«و روح خداوند بر تو مستولی شده، با ایشان نبوت خواهی نمود و به مرد دیگر متبدل خواهی شد» (اول سموئیل ۱۰ : ۶). یکی از تأثیراتی که روح خدا بر اشخاص می‌گذارد، او را تغییر می‌دهد و به شکلی دیگر تبدیل می‌کند، مانند انبیا که همچون مردمان دیگر زندگی می‌کردند ولی وقتی روح نبوتی بر آنان قرار می‌گرفت، شجاعت می‌یافتند و کلام خدا را با قوت بیان می‌کردند.

روح خدا ترس را از هر کس دور می‌کند زیرا او روح برتر در تمام جهان هستی و در تمام زمینه‌ها است؛ حال وقتی روح القدس در کسی ساکن گردد آن شخص می‌تواند از تمام قوت‌های روح بهره‌مند شود، چنین شرایطی که برای هر کسی اتفاق بیفتد بزرگ‌ترین نمودی که در نظر دیگران دارد این است که آن شخص به شخصی دیگر تبدیل می‌شود، مانند انبیا که هر چند انسان بودند ولی وقتی روح خدا بر آنان قرار بگیرد با قدرتی به عظمت خداوند سخن می‌گویند.

یکی از نمونه‌های جالبی که در کتاب مقدس می‌توانیم ببینیم ماجرای بلعام با بالاق است. بلعام یک نبی زاهد و گوشه‌گیری بود که وقتی تحت وسوسه‌های بالاق قرار می‌گیرد تا برود و قوم بنی‌اسرائیل را لعنت کند، دقیقاً زمانی که می‌بایست لعنت کند، روح خدا بر او قرار می‌گیرد و به جای لعنت قوم را تمجید و ستایش می‌کند.

«و بلعام چشمان خود را بلند کرده، اسرائیل را دید که موافق اسباط خود ساکن می‌بودند. و روح خدا بر او نازل شد. ... (او شروع به تمجید و برکت قوم نمود)^{۱۰} پس خشم بالاق بر بلعام افروخته شده، هر دو دست خود را برهم زد و بالاق به بلعام گفت: تو را خواندم تا دشمنانم را لعنت کنی و اینک این سه مرتبه ایشان را برکت تمام دادی. ...^{۱۲} بلعام به بالاق گفت: آیا به رسولانی که نزد من فرستاده بودی نیز نگفتم^{۱۳} که اگر بالاق خانه خود

را پر از نقره و طلا به من بدهد، نمی‌توانم از فرمان خداوند تجاوز نموده، از دل خود نیک یا بد بکنم بلکه آن چه خداوند به من گوید آن را خواهم گفت» (اعداد ۲۴ : ۲ - ۱۳)؟

امروزه نیز روح القدس با مسیحیان این چنین کاری می‌کند. شخص خشمگین و تندخو را به شخصی سرشار از محبت تبدیل می‌کند، مانند یوحنا و برادرش یعقوب (رسولان خداوند عیسی مسیح). شخص بی‌سواد و ناتوان در بیان سخنان سنجیده را به شخصی با حکمت و دانا، مانند پطرس (از رسولان خداوند عیسی مسیح). روح القدس حسد، نفرت، خودخواهی، ظلم، و ... را از شخص می‌گیرد و نیکویی را در او جایگزین می‌کند و اساساً شخص را به کسی دیگر تبدیل می‌کند؛ و این روندی هست که همچنان ادامه دارد.

هیچ مسیحی نمی‌تواند جز به واسطه روح القدس از آن طبیعت گذشته خود کلاً جدا و دور شود؛ و اگر در شخصی که مدعی داشتن روح القدس است، او را همچنان همان انسان گذشته یافتید، بدانید که روح القدس در او سکونت ندارد.

تقدیس کننده:

«تا خادم عیسی مسیح شوم برای امتها و کهنات انجیل خدا را به جا آورم تا هدیه امتها مقبول افتد، مقدس شده به روح القدس» (رومیان ۱۵ : ۱۶). در مورد تقدیس زیاد شنیدید و با توجه به مفاهیمی که از آن در آموزه‌های کتاب مقدسی دریافت می‌شود، چند عامل را می‌توان موجب تقدیس شدن دانست.

تقدیس در لغت به معنی پاک و تطهیر کردن است. و در معنی مصطلح آن معانی مترادف دیگری مانند: مبرا کردن، جدا کردن، انتخاب کردن، به ذات خداوندی الصاق کردن نیز دارد. در امور روحانی غالباً تقدیس به این پنج معنی تفسیر می‌گردد.

زمانی که سخن از تقدیس شدن است، به آن معنی است که شخص از هر ناراستی مبرا شده و از هر نجاستی پاک و تطهیر شده و از شرارتها جدا شده و از سوی خدا انتخاب گردیده و به ذات خداوندی ملصق می‌گردد؛ و این دقیقاً کاری است که وقتی کسی روح القدس را می‌یابد، به عبارتی تعمید روح می‌گیرد، همان روح القدس با او این کار را خواهد کرد. از این روی است که کلام می‌فرماید روح بیعانه‌ای است برای ورود به ملکوت خدا.

پولس رسول در خصوص ارتباط عمیق بین برگزیدگی و تقدیس شدن به روح القدس، به ایمانداران اشاره می‌کند که: «^{۱۳} اما ای برادران و ای عزیزانِ خداوند، می‌باید ما همیشه برای شما خدا را شکر نماییم که از ابتدا خدا شما را برگزید برای نجات به تقدیس روح و ایمان به راستی» (دوم تسالونیکیان ۲ : ۱۳).

آموختید که جسم خاکی است و در هر صورت می‌بایست به خاک بازگردد، اما نفس و روح انسان که می‌بایست در ملکوت ابدی خدا باشد، توسط شیطان به اسارت کشیده شده و از اتصال به روح حیات خدا باز مانده و ناپاک گردیده. نه آب و نه هیچ عنصری، قدرت پاکیزگی و تقدیس نمودن انسان را از وجود شیطان ندارد مگر قدرت برتر جهان هستی یعنی روح القدس.

شاید بتوان گفت مهم‌ترین کاری که در وهله نخست روح القدس برای هر انسانی می‌کند این است که او را از اسارت شیطان مبرا و به خدا ملصق می‌کند. فقط روح القدس است که دسترسی شیطان به هر کسی را ناممکن می‌سازد. این هشدار را جدی بگیرید! هر قدر هم که ایماندار منظم و خوبی باشید، تا تعمید روح القدس را نیابید، همیشه در خطر دست درازی و انحراف و فریب شیطان قرار دارید؛ او تنها به کسانی که روح القدس در آنان ساکن است نمی‌تواند دست درازی کند.

محال ممکن است تا کسی تعمید روح القدس را نداشته باشد بتواند مطیع کامل خدا باشد، از آن روی که همیشه در دسترس و نفوذ شیطان قرار دارد و به دلیل عدم حضور روح القدس به راحتی از حقیقت راستی منحرف می‌گردد. پطرس به این نکته اذعان دارد که عمل تقدیس روح موجب اطاعت می‌گردد: «برگزیدگان بر حسب علم سابق خدای پدر، به تقدیس روح برای اطاعت و پاشیدن خون عیسی مسیح. فیض و سلامتی بر شما افزون باد» (اول پطرس ۱ : ۲).

پولس رسول اشاره جالبی به نقش روح القدس در بازدارندگی و تسلط شیطان بر ایمانداران دارد. او در خصوص شروع هفت سال پایانی روز ششم از روزهای خداوند می‌فرماید که عروس به آسمان می‌رود و دیگر روح القدس نیز بر روی زمین نخواهد بود و شیطان با تمام لشکریانش بر روی زمین فجایع خواهند کرد؛

پولس در نامه خود به تسالونیکیان از روح القدس در برابر شیطان به نقش او یعنی "مانع" بودنش اشاره می‌کند: «و الآن آن چه را که مانع است می‌دانید تا او در زمان خود ظاهر بشود.^۷ زیرا که آن سر بی‌دینی الآن عمل می‌کند، فقط تا وقتی که آن که تا به حال مانع است از میان برداشته شود» (دوم تسالونیکیان ۲ : ۶ - ۷).

بله زمانی که کلیسای عروس به آسمان ربوده گردد، روح القدس نیز دیگر در زمین نخواهد بود. و این مانع برای شیطان کلاً برداشته می‌شود. امروزه این روح القدس است که بزرگ‌ترین مانع برای تسلط شیطان بر هر ایمانداری است. روح است که هیکل ایمانداران را تقدیس نموده و برای خدا جدا می‌سازد.

آزادی دهنده:

«^{۱۷}اما خداوند روح است و جایی که روح خداوند است، آن جا آزادی است» (دوم قرن‌تین ۳: ۱۷). همان گونه که پیش‌تر گفته شد، وقتی روح‌القدس در شخصی قرار بگیرد او را از اسارت شیطان آزاد می‌کند. دیگر آن شخص با وسوسه شیطان گناه نخواهد کرد و دیگر در امیال نفسانی شیطان در اسارت گناه و مرگ نخواهد بود؛ از این روی است که گفته می‌شود جایی که روح‌القدس باشد آن جا آزادی است.

متأسفانه بسیار شنیدم، که می‌گویند در مسیح ما آزادیم و دیگر در شریعت زندگی نمی‌کنیم، و دیگر از همه احکام سخت شریعت آزاد شدیم. این تا چه حد جهالت است که آزادی در مسیح را به رد قوانین خدا می‌دانند! ای وای که هنوز نمی‌دانند رد قوانین خدا دقیقاً در اسارت شیطان رفتن و مرگ است.

خود خداوند عیسی مسیح در جواب جوانی که از او جویای عمل نیکو را داشت، گفت که احکام را به جا آور: «^{۱۶}ناگاه شخصی آمده، وی را گفت: ای استاد نیکو، چه عمل نیکو کنم تا حیات جاودانی یابم؟^{۱۷} وی را گفت: از چه سبب مرا نیکو گفתי و حال آن که کسی نیکو نیست، جز خدا فقط. لیکن اگر بخواهی داخل حیات شوی، احکام را نگاه دار.^{۱۸} بدو گفت، کدام احکام؟ عیسی گفت: قتل مکن، زنا مکن، دزدی مکن، شهادت دروغ مده،^{۱۹} و پدر و مادر خود را حرمت دار و همسایه خود را مثل نفس خود دوست دار» (متی ۱۹: ۱۶ - ۱۹).

هر آن چه را خداوند به عنوان فریضه ابدی خوانده تا به ابد اعتبار دارد. امروزه نیز خداوند از ما همان انتظار را دارد تا کلام او را نگه داریم. خداوند عیسی مسیح امروزه به عنوان کاهن اعظم خدای تعالی در آسمان و در نقش کهناتی ابدی نشسته است. کاهن مجری احکام و قوانین و فرایض نهاده شده از سوی خدا است. در عهد عتیق کاهنان در قالبی جسمانی مجری احکام خدا بودند و پس از آن با نشستن خداوند عیسی مسیح در

جایگاه کهناتی آسمانی این خدمت ابدی روحانی در خیمه‌گاه آسمانی برپا شد، چنان که نویسندۀ عبرانیان بیان می‌دارد:

«^{۲۱} زیرا ایشان بی‌قسم کاهن شده‌اند و لیکن این با قسم از او که به وی می‌گوید، خداوند قسم خورد و تغییر اراده نخواهد داد که تو کاهن ابدی هستی، بر رتبه ملک‌یصداق.^{۲۲} به همین قدر نیکوتر است آن عهدی که عیسی ضامن آن گردید.^{۲۳} و ایشان کاهنان بسیار می‌شوند، از جهت آن که موت از باقی بودن ایشان مانع است.^{۲۴} لیکن وی چون تا به ابد باقی است، کهنات بی‌زوال دارد.^{۲۵} از این جهت نیز قادر است که آنانی را که به وسیله وی نزد خدا آیند، نجات بی‌نهایت بخشد، چون که دائماً زنده است تا شفاعت ایشان را بکند.^{۲۶} زیرا که ما را چنین رئیس کهنه شایسته است، قدّوس و بی‌آزار و بی‌عیب و از گناهکاران جدا شده و از آسمانها بلندتر گردیده،^{۲۷} که هر روز محتاج نباشد به مثال آن روسای کهنه، که اوّل برای گناهان خود و بعد برای قوم قربانی بگذرانند، چون که این را یک بار فقط به جا آورد، هنگامی که خود را به قربانی گذرانید.^{۲۸} از آن رو که شریعت مردمانی را که کم‌زوری دارند کاهن می‌سازد، لیکن کلام قسم که بعد از شریعت است، پسر را که تا ابدالآباد کامل شده است» (عبرانیان ۷ : ۲۱ - ۲۸).

نباید اشتباه کرد! احکام و قوانین خدا با آمدن مسیح باطل نگردید بلکه شکل آن از جنبه تماماً جسمانی به دیدگاه روحانی و حقیقی خود تبدیل شد. آن چه می‌ماند روح است که تا به ابد می‌تواند بماند نه جسم فانی.

این یک مصیبت بزرگ است برای هر مدّعی ایمان به مسیح و یا کلیسایی که آزادی را در رها شدن از احکام و کلام خدا بداند. آن هم کلامی که به هر کسی می‌تواند حیات جاویدان ببخشد. او! بیان این جمله هم بسیار وحشتناک است. کسی که چنین می‌گوید قطعاً از کلام خدا و هدف کتاب مقدّس هیچ نمی‌داند.

روح القدس انسان را از سیطره شیطان و اسارت گناه و مرگ آزاد می کند. هر جا روح خدا باشد در آن جا شیطان و لشکریانش قدرت جولان دادن ندارند و شخص آزاد است تا با اتحاد روح القدس در صلح و آرامی زندگی کند. این آزادی فقط به واسطه حضور روح القدس امکان پذیر است.

سخن به کلام خدا:

«^{۱۷} و خودِ نجات و شمشیر روح را که کلام خدا است بردارید» (افسیان ۶ : ۱۷).

خود به معنی کلاه است، و غالباً به کلاهی مستحکم که برای مردان جنگی است اطلاق می شود؛ پوششی که شخص بر سر می گذارد تا از ضربات وارده به سر که مرکز تفکر و اندیشه و دانایی و هوشیاری او است محافظت کند. و نجات، تنها یک معنی دارد و آن زندگی و حیات است، و این تنها در خداوندان عیسی مسیح است.

حال هر کجا با عبارت خودِ نجات مواجه شدید باید بدانید که منظور تفکر، اندیشه، دانایی و هوشیاری است که به واسطه خداوند عیسی مسیح از تمامیت ایمان شخص محافظت می کند و نجات را برای او حفظ می نماید. این خصوصیات توسط روح القدس در یک مسیحی نهاده می گردد.

و شمشیر روح، همان طور که در ادامه آیه آورده شده، کلام خدا است. در حقیقت گوینده اصلی کلام مقدس خدا، روح القدس است. پطرس در این باره اعلام می کند که: «^{۲۰} و این را نخست بدانید که هیچ نبوت کتاب از تفسیر خود نبی نیست.^{۲۱} زیرا که نبوت به اراده انسان هرگز آورده نشد، بلکه مردمان به روح القدس مجذوب شده، از جانب خدا سخن گفتند» (دوم پطرس ۱ : ۲۰ - ۲۱).

در نبرد مسیح با شیطان در بیابان، آن چه مسیح را پیروز میدان تجربیات در برابر ابلیس نمود کلام خدا بود. مسیح به ما نشان داد که تنها راه برای مقابله با مکرهای شیطان استفاده از کلام خدا است. در مقابله با حریفی قدرتمند می‌بایست سلاحی به مراتب قوی‌تر و برنده‌تر از حریف خود داشته باشید. نویسنده رساله عبرانیان در این خصوص می‌فرماید: «^{۱۲} زیرا کلام خدا زنده و مقتدر و برنده‌تر است از هر شمشیر دو دم و فرو رونده، تا جدا کند نفس و روح و مفاصل و مغز را، و ممیز افکار و نیتهای قلب است» (عبرانیان ۴ : ۱۲).

این سلاح برنده را تنها صاحب اصلی آن می‌تواند به دست کسی دهد که می‌خواهد در برابر حملات شیطان مقابله کند. سکونت روح القدس در هر شخصی این سلاح را در اختیار آن شخص قرار می‌دهد و اساساً روح القدس تنها به کلام خدا سخن می‌گوید.

نمی‌خواهم از این مهم بی‌خبر باشید که، برای شناختن و تمیز دادن صداها و تعالیم و هدایت‌هایی که دریافت می‌کنید فقط یک راه روشن است؛ اگر فرستنده آن روح القدس باشد، او فقط به کلام مقدس خدا سخن می‌گوید و نشانه و ردی از آن دریافت را حتماً در کتب مقدس می‌توانید بیابید، و در غیر این صورت یا درگیر توهّمات ذهن خود و یا در دام فریب شریران شده‌اید.

باز تأکید می‌کنم که همیشه به یاد داشته باشید که "روح القدس با کلام خدا سخن می‌گوید" و کسی که روح را دارد جز به کلام خدا به هیچ چیز دیگر استناد نمی‌کند و غیر از کلام خدا هیچ مرجع دیگری را به رسمیت نمی‌شناسد.

تعلیم دهنده:

«^{۲۶}لیکن تسلی دهنده یعنی روح القدس که پدر او را به اسم من می‌فرستد، او همه چیز را به شما تعلیم خواهد داد و آن چه به شما گفتم به یاد شما خواهد آورد» (یوحنا ۱۴ : ۲۶).

خداوند عیسی مسیح به این مهم اذعان دارد که روح القدس علاوه بر این که معلم کتب مقدس است، همچنین بازتاب دهنده سخنان خود او نیز می‌باشد؛ اگر به زبان خیلی ساده و عامیانه بگویم عهد عتیق و عهد جدید.

وقتی به کلام خداوند دقت کنید به جز این نمی‌توانید نتیجه بگیرید که حضور روح القدس در هر شخصی، برای او نقش معلم کتاب مقدس را نیز خواهد داشت، و همان روح او را به کلام خدا آگاه خواهد نمود. این سخن مسیح یک آموزه بسیار مهم را به ما می‌آموزد و گوش ما را تیز و فکر ما را هوشیار می‌کند به این که "محال ممکن است که چند نفر از روح القدس پر شده باشند ولی در برداشت و توضیح کلام خدا اختلاف داشته باشند" این امکان ندارد روح القدس به افراد آموزشهای گوناگون ارائه دهد.

اگر در کلیسایی معلم یا شخص پر از روح القدسی باشد که برای کلیسا اثبات شده باشد، چنان چه مدعیان دیگری نیز در کلیسا باشند که به داشتن روح القدس اذعان دارند، و اگر بر سر مسائل کتاب مقدسی و فرامین خداوند با آن شخص اختلاف نظر شدید داشته باشند، به طور قطع بدانید که آن مدعیان فاقد تعمید روح القدس هستند. روح هیچگاه بر ضد خود منقسم نمی‌شود.

هرگز دو خادم مسیح بر ضد یک دیگر سخن نمی‌گویند؛ هرگز در برابر یک دیگر نمی‌ایستند؛ هرگز در توضیح کلام خدا با یک دیگر مجادله نمی‌کنند؛ هرگز دو تعلیم متفاوت را ارائه نمی‌دهند. این بسیار ممکن است فهم و حکمت یکی از دیگری کمتر باشد و در جایگاه پایین یا بالاتر باشند، اما کسانی که از روح القدس تعلیم می‌گیرند هرگز در دو

مسیر متفاوت حرکت نمی کنند و همیشه کوچک تر از بزرگ تر برکت می گیرد و یک دیگر را تأیید می کنند. زیرا معلّم و استاد یکی است.

در بدنه کلیسا هم همین گونه است؛ کلیسا یک معلّم دارد و مابقی شاگردانند. شاگرد بزرگ تر از استاد خود نیست، پس به استاد گوش می دهد و چنان چه شاگردان نیز از روح القدس پر باشند با آموزه های معلّم مسح شده خداوند همراه می شوند، نه این که با او مقابله کنند. هرگاه شاگردی با معلّم خود مقابله نماید قطعاً بدانید آن شخص از روحی دیگر هدایت می گیرد. در این جا یک نکته بسیار مهم را متذکّر می شوم، این سخنان زمانی اعتبار دارد که آن معلّم یقیناً، معلّم مسح شده و منتخب خداوند و پر از روح القدس باشد، نه یک معلّم کذب که متأسّفانه بسیار هستند.

روح القدس در همه امور، شخص را در مسیر تعالیم صحیح قرار می دهد، اگر معلّم مسح شده در کلیسایی باشد از طریق هدایت به سمت آن معلّم و گوش سپردن به او، و اگر معلّم مسح شده ای وجود نداشته باشد، خود روح القدس مستقیم به کسی که در او ساکن است تعلیم خواهد داد. این طریق ارتباطی خدا است که در جلد اوّل کتاب الوهیت به آن مفصّل پرداخته شد.

پولس در خصوص تعلیم پذیری و یکی شدن در آموزه های روح القدس بسیار زیبا بیان می دارد که: «^{۱۲} لیکن ما روح جهان را نیافته ایم، بلکه آن روح که از خدا است تا آن چه خدا به ما عطا فرموده است بدانیم.^{۱۳} که آنها را نیز بیان می کنیم نه به سخنان آموخته شده از حکمت انسان، بلکه به آن چه روح القدس می آموزد و روحانیها را با روحانیها جمع می نماییم» (اوّل قرن تیان ۲: ۱۲ - ۱۳).

شهادت دهنده:

شهادت یا گواهی نمودن در خصوص هر چیزی به انسان اطمینان و یک روحیه مضاعف برای مواجه شدن با وقایع غیر قابل پیش‌بینی در پیش روی را می‌دهد. یکی از خصوصیات روح القدس که برای مسیحیان می‌تواند دلگرم کننده باشد این است که او به مسائلی که در شرف وقوع هستند از پیش هشدار و آگاهی می‌دهد.

خود پولس به این خصوصیت روح القدس اعتراف می‌کند که: «^{۲۳}جز این که روح القدس در هر شهر شهادت (آگاهی) داده، می‌گوید که بندها و زحمات برایم مهیا است» (اعمال رسولان ۲۰ : ۲۳). این را نه تنها پولس بلکه بسیاری هستند که در زندگی‌شان تجربه کرده‌اند. اساساً نبوت‌ها هم حول همین خصوصیت روح القدس است که از آینده خبر می‌دهد.

اما علاوه بر اینها روح القدس همیشه یک شهادت بزرگ نیز با خود دارد. این شهادت اهمیت بسیار مهمی بر ایمان هر شخص دارد. خداوند عیسی مسیح که حیات و موت همه در گرو شناخت صحیح از او است در این خصوص می‌فرماید: «^{۲۴}لیکن چون تسلی دهنده که او را از جانب پدر نزد شما می‌فرستم آید، یعنی روح راستی که از پدر صادر می‌گردد، او بر من شهادت خواهد داد» (یوحنا ۱۵ : ۲۶).

این جا با صبر و تأمل بسیار دقت کنید! روح القدس چگونه شهادتی در خصوص خداوند عیسی مسیح می‌دهد؟ شاید اکنون بعضیها آموخته‌های دینی خودشان را نسبت به الوهیت پیش بکشند و بگویند روح القدس چنین می‌گوید. نمی‌خواهم وارد یک چالش بزرگ بشویم و بررسی کنیم که آیا دریافت این عزیزان از روح القدس هست یا نه؛ موضوع را نمی‌پیمایم؛ اگر روح القدس شهادت دهنده است پس در طول تاریخ این کار را پیوسته کرده.

شهادتهای روح القدس در خصوص خداوند عیسی مسیح در کجاهای کلام مقدس خدا آورده شده؟ به جرأت می توان گفت بسیار و در طول دوره های بسیار. در جلد اول شناخت الوهیت آدرس این آیات نشان داده شده اما در این مجال چون باید نشان داده شود، او که گوینده تمام نبوتها است چگونه عیسی مسیح را به ما معرفی می کند به چند مورد اشاره می کنیم.

اشعیا باب ۹ آیه ۶: «زیرا که برای ما ولدی زاییده و پسری به ما بخشیده شد و سلطنت بر دوش او خواهد بود و اسم او عجیب و مشیر و خدای قدیر و پدر سرمدی و سرور سلامتی خوانده خواهد شد.» این آیه قطعاً در خصوص آمدن خداوند عیسی مسیح است، اما او را چگونه معرفی می کند؟ او "خدای قدیر" است، روح شهادت می دهد آن پسری که می آید همان یهوه الوهیم است، خدای قدیر همان یهوه الوهیم است؛ و ادامه می دهد که با در نظر گرفتن زمانهای او، او همان "پدر سرمدی" است، یعنی همان الوهیمی که پیش از بنیاد عالم در ازلت بوده و جهان را پایه ریزی کرد.

روح خدا در این نبوت عیسی مسیح را یکی از خدایان سه گانه تثلیث معرفی نمی کند بلکه به روشنی تمام می گوید که او همان الوهیم است که جسم خواهد پوشید.

خود خداوند عیسی مسیح در خصوص الوهیت خود، در نزد شاگردانش و خطاب به فیلیپس خود را چگونه معرفی می کند؟ «^۸فیلیپس به وی گفت: ای آقا پدر را به ما نشان ده که ما را کافی است.^۹ عیسی بدو گفت: ای فیلیپس در این مدت با شما بوده ام، آیا مرا نشناخته ای؟ کسی که مرا دید، پدر را دیده است. پس چگونه تو می گویی پدر را به ما نشان ده» (یوحنا ۱۴ : ۸ - ۹)؟ این آیات آن قدر روشن است که نیاز به هیچ تفسیری ندارد.

خداوند عیسی مسیح جسم پوشیده وقتی به نمایاندن پدر ملزم می شود پرده از سر بزرگ عالم بر می دارد و خود را با پدر یکی می کند. دقیقاً شهادتی که بعدها شاگرد محبوب او یوحنا و ظرف برگزیده او برای امتها یعنی پولس نیز به این مهم اشاره می کند.

«در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود. همان در ابتدا نزد خدا بود. همه چیز به واسطه او آفریده شد و به غیر از او چیزی از موجودات وجود نیافت. ...^{۱۴} و کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد، پر از فیض و راستی؛ و جلال او را دیدیم، جلالی شایسته پسر یگانه پدر» (یوحنا ۱ : ۱ - ۱۴). دقت کردید؟! کلمه حیات، خود خدا، جسم پوشید و میان مردمان سکونت گزید، نه یکی از خدایان سه گانه تثلیث.

«و بالا جماع سر دینداری عظیم است، که خدا در جسم ظاهر شد و در روح، تصدیق کرده شد و به فرشتگان مشهود گردید و به امتها موعظه کرده و در دنیا ایمان آورده و به جلال بالا برده شد» (اول تیموتاؤس ۳ : ۱۶). پولس که ظرف برگزیده خداوند عیسی مسیح بود و وظیفه داشت تا نام خداوند را در نزد امتها شهادت دهد، به زیبایی راز بزرگ ذات الوهی عیسی مسیح را آشکار می کند: «خدا در جسم ظاهر شد و در روح، تصدیق کرده شد.»

حدود ۵۰۰ سال پیش از مسیح روح خدا از زبان زکریای نبی اعلام نمود که: «ای دختر صهیون ترنم نما و شادی کن زیرا خداوند می گوید که اینک می آیم و در میان تو ساکن خواهیم شد» (زکریا ۲ : ۱۰). در عهد عتیق روح خدا بارها به این که خداوند می آید و در نزد قومش ساکن خواهد شد اشاره نموده؛ و پس از مرگ و قیام مسیح نیز بارها روح القدس به این که خداوند عیسی مسیح، همان خدای قدیر (عیسی) مجسم و جسم پوشیده است شهادت می دهد. آیات بسیاری را در تأیید این موضوع مهم می توان ارائه نمود، ولی از آن جایی که پیش تر به آنها اشاره شده، تا همین حد بسنده می شود.

حال نکته مهم این جا است! اگر کسی این همه شهادتات مکتوب از روح القدس را که به طُرُق مختلف ارتباطی بیان نموده نپذیرد و هر تعلیم غریب دیگری ارائه کند، به حضور کدام روح در خودش شهادت می دهد؟ آیا می توان باور کرد چنین شخصی تعمید روح دارد در حالی که مقدسین خداوند به قوّت روح القدس شهادت می دهند که عیسی خداوند است: «پس شما را خبر می دهم که هر که متکلم به روح خدا باشد، عیسی را آناتیمای نمی گوید و احدی جز به روح القدس عیسی را خداوند نمی تواند گفت» (اول قرنتیان ۱۲: ۳).

عیسی دقیقاً کارهایی را می کرد که الوهیم انجام می داد. به پیدایش باب اول نگاه کنید و کارهای عیسی را نیز به یاد بیاورید تا آشکار گردد که او کارهایی را می کرد که پدر آسمانی می نمود. آیا رد جایگاه الوهیتی خداوند عیسی مسیح، اهانت به او نیست؟ در صورتی که روح القدس به او شهادت می دهد.

شفاعت کننده:

پولس در رساله رومیان به یکی از رازهای اشاره می کند که در آن روح القدس برای مسیحیان مهر شده به روح با ناله های بسیاری شفاعت می کند: «^{۲۶} و همچنین روح نیز ضعف ما را مدد می کند، زیرا که آن چه دعا کنیم به طوری که می باید نمی دانیم، لیکن خود روح برای ما شفاعت می کند به ناله هایی که نمی شود بیان کرد.^{۲۷} و او که تفحص کننده دلها است، فکر روح را می داند زیرا که او برای مقدسین بر حسب اراده خدا شفاعت می کند» (رومیان ۸: ۲۶ - ۲۷).

این حقیقت، حداقل دو نکته ای که تا کنون چندان به آن توجه نشده را یادآوری می کند، که بسیار مهم و ارزشمند است.

نکتهٔ اول: روح القدس نیز بعضاً ناله‌های جانسوز می‌نماید؛ این یعنی داشتن حس عواطف شدید، و نباید عجیب دانست چون روح القدس شخصیت است و دارای شاخصه‌های منحصر به فرد. اساساً این روح است که احساسات و عواطف انسان را تشکیل می‌دهد نه جسم انسانی. احساسات روح القدس نشان می‌دهد که با یک عنصر طرف نیستیم، بلکه همان گونه که خداوند عیسی مسیح می‌فرماید، او جنبهٔ روحانی خدا است: «^{۲۴}خدا روح است و هر که او را پرستش کند می‌باید به روح و راستی بپرستد» (یوحنا ۴ : ۲۴).

به یاد می‌آورید که خود خداوند عیسی مسیح نیز این گونه بود؟ وقتی او بر سر قبر ایلعازر رفت تا او را که چهار روز از مرگش می‌گذشت زنده نماید، از شدت تأثر بر قبر او اول گریست: «^{۲۲}و مریم چون به جایی که عیسی بود رسید، او را دیده، بر قدمهای او افتاد و بدو گفت: ای آقا اگر در این جا می‌بودی، برادر من نمی‌مرد.^{۲۳} عیسی چون او را گریان دید و یهودیان را هم که با او آمده بودند گریان یافت، در روح خود به شدت مکدر شده، مضطرب گشت.^{۲۴} و گفت: او را کجا گذارده‌اید؟ به او گفتند: ای آقا بیا و ببین.^{۲۵} عیسی بگریست.^{۲۶} آنگاه یهودیان گفتند: بنگرید چه قدر او را دوست می‌داشت.» (یوحنا ۱۱ : ۳۲ - ۳۶)!

این همان عیسی است که گفت تا انقضای عالم شما را رها نمی‌کنم، این همان عیسی است که از روز پنطیکاست به بعد مانند زبانه‌های آتش بر ایمانداران قرار می‌گیرد، این همان عیسی است که در آسمان و در نقش کاهن خدای تعالی برای ایمانداران شفاعت می‌کند و ایضاً بر روی زمین به ناله‌هایی که نمی‌توان وصف کرد، آن گونه که برای ایلعازر گریست برای ایمانداران با گریه شفاعت می‌کند.

نکتهٔ دوم: «زیرا که آن چه دعا کنیم به طوری که می‌باید نمی‌دانیم، لیکن خود روح برای ما شفاعت می‌کند.» متأسفانه با آن که بسیاری از ایمانداران به مسیح و فیض خدا ایمان دارند و برای دعا وقت زیادی می‌گذارند، اما هنوز چگونه دعا کردن را بلد نیستند! این تنها یک ادعا نیست! بلکه یک حقیقت بسیار تلخ است.

دلیل آشکار آن عدم انطباق زندگی آنان با فرمایش خداوند عیسی مسیح است که می‌فرماید: «^{۱۷} و این آیات همراه ایمانداران خواهد بود که به نام من دیوها را بیرون کنند و به زبانهای تازه حرف زنند^{۱۸} و مارها را بردارند و اگر زهر قاتلی بخورند، ضرری بدیشان نرساند و هرگاه دستها بر مریضان گذارند، شفا خواهند یافت» (مرقس ۱۶ : ۱۷ - ۱۸). کسی خودش را گول نزند، اگر این آیات در او مصداق پیدا نمی‌کند او یک ایماندار حقیقی نیست و فقط ادای ایمانداران را در می‌آورد.

اما نکته مورد نظر این نیست، بلکه آن جایی است که با وجود درست دعا نکردن یا حتی دعایی نکردن، کسی هست که برای شخص دعا و شفاعت می‌کند تا خداوند نیاز او را برآورده کرده و به او ببخشد. فکر کنم اگر هر کس کمی به وقایع زندگی ایمانی‌اش نگاه کند، حتماً مواقعی را به یاد خواهد آورد که خداوند در زندگی او یک کار مهم و عجیب کرده که خود او تا پیش از وقوع آن، حتی به چنین چیزی نمی‌اندیشیده.

مثلاً بلایی هولناک که می‌بایست به طور قطع می‌مرد، اما در لحظه‌ای خاص خداوند او را به یاد آورد و مرگ به سادگی از کنار او عبور کرد. یا پول زیادی به یکی از طُرُق خاص، مثل پاداش، هدیه، یا حتی یک وام ناخواسته به کسی برسد که در آن لحظه اصلاً به آن نیاز نداشته باشد، اما پس از چند روز یا هفته با مشکلی مواجه شود که دقیقاً به آن میزان پول نیازمند شود؛ و شهادت دیگری نظیر این.

این مثالها را از آن جا آوردم که بسیار شاهد این گونه اتفاقات بودم و شهادت بسیاری را در این خصوص شنیدم. فقط باید به یاد داشته باشید که در همه این گونه موارد، قطعاً رد پای روح القدس وجود دارد که برای ما در نزد خداوند شفاعت می‌کند، به همان گونه که در آسمان نیز مسیح در مسند کاهن اعظم خدای تعالی برای ما شفاعت کننده است.

شادی دهنده:

«^{۲۱}در همان ساعت، عیسی در روح وجد نموده، گفت: ای پدر مالک آسمان و زمین، تو را سپاس می‌کنم که این امور را از دانایان و خردمندان مخفی داشتی و بر کودکان مکشوف ساختی. بلی ای پدر، چون که همچنین منظور نظر تو افتاد» (لوقا ۱۰ : ۲۱).

حتماً بسیار در خصوص شادی در روح شنیده‌اید؛ یکی از خصوصیات آشکار روح القدس شادی آفرینی از حضورش است. اما در این مجال قصد دارم تا از زاویه‌ای دیگر به شادی در روح نگاه کنم که متأسفانه باعث اشتباهات بسیاری شده.

بسیار از دیگران در این خصوص، شهادت عجیبی شنیدم! چیزی که جز توهّم ذهن آنان نبوده. هیچ کس اجازه ندارد برای به وجد آوردن دیگران یا به قول بعضیها جلال دادن خداوند، که در ظاهر بیشتر به یک عمل ریاکارانه شبیه است، برای خود چنین شهادت دروغی را به روح القدس نسبت دهد.

کسی شهادت می‌دهد که، برادر وقتی کلام را گفتید خیلی شاد شدم، و او آن حالش را به روح القدس نسبت می‌دهد! گویی روح القدس تا کنون چنین تعلیمی را ننشیده بود که با شنیدنش در او به وجد آمده!

کسی دیگر شهادت می‌دهد که امروز وقتی آمدم در کلیسا روح القدس یک شادی عظیمی در من ایجاد کرد! او! انگار با آمدنش به کلیسا، یک عملی خارق‌العاده انجام داده و روح القدس انتظار حضور او را نداشت و وقتی دیدش بسیار شاد شده؟!

شخصی دیگر در یک قرعه‌کشی برنده می‌شود وقتی خبرش را می‌شنود می‌گوید با شنیدن این خبر غیر منتظره فهمیدم روح القدس این کار را کرد و ناگهان بسیار شاد شدم! ای وای! روح القدس چه کاری به برنده شدن کسی در قرعه‌کشی دارد تا برایش شادی کند، طریق روح به گونه‌ای دیگر است!

کسی دیگر شهادت می‌دهد که در خیابان فلان برادر را دیده و از دیدنش در روح القدس شاد شد! او! انگار روح القدس نمی‌توانست فلان برادر را ملاقات کند که وقتی چشم این شخص به او افتاد، شاد شده؟!

حتّی بدتر از این، شخصی در حال خواندن و تفکّر در کلام است و وقتی چیزی می‌فهمد و از این فهمی که حاصل کرده خوش حال می‌شود، آنّا آن خوش حالی را به روح القدس نسبت می‌دهد! انگار وقتی کسی کلام را می‌خواند نباید هیچ چیز بفهمد و اگر چیزی فهمید حتماً آن را روح القدس به او یاد داده و شاد گردیده!

و شهادت زیاد دیگری از این قبیل؛ متأسّفانه در کلیساها پر شده از چنین توهّماتی که بسیاری حس و حال خودشان را به روح القدس نسبت می‌دهند. هر کسی که به دلیلی شاد می‌شود در پی آن است تا با نسبت دادن به روح القدس، خودش را مطرح سازد. طبیعتاً هر انسانی در مواجهه با یک اتفاق خوب شاد می‌شود و این شادی به هیچ وجه ربطی به روح القدس ندارد.

پس شادی در روح القدس چگونه است؟

نکتهٔ اوّل: همیشه به خاطر داشته باشید که وقتی از روح القدس صحبت می‌کنید با شخصیت والای روحانی خدا طرف هستید، کسی که جهان را گسترانید و بارور و نمو داد. پس آمدن و حضور او قطعاً و یقیناً یک حضور عظیم و پر جلال خارجی خواهد بود و هیچ ربطی به شادی درونی روح انسان ندارد.

نکتهٔ دوّم: همیشه کارهای خدا عجیب است، این را کتاب مقدّس به ما می‌آموزد. او زمانی که انتظارش را ندارید می‌آید، زمانی که همهٔ درها به رویتان بسته می‌شود می‌آید، و بهتر بگوییم؟ زمانی که در اوج یأس و ناامیدی هستید او با شادی به نزدتان می‌آید.

نکتهٔ سوم: او از آینده خبر دارد پس برای اتفاقات نیکوی آینده که شکل می‌گیرد وجد نمی‌کند، بلکه زمانی که یک شخص با عملی بسیار نیکو، در نظر فرشتگان و حتی فوج شریران باعث جلال خداوند می‌شود روح خدا به وجد می‌آید و شخص این را احساس می‌کند چون مورد نوازش روح قرار می‌گیرد.

نکتهٔ چهارم: این فوق‌العاده مهم است! از آن جایی که همیشه حضور روح القدس با شادی و آرامی همراه است، یک شخص زمانی این را متوجه می‌شود که روح القدس او را در آغوش کشیده و با خوش حالی لمس می‌کند. این یعنی چه؟ یعنی یک عمل کاملاً ماوراءالطبیعه در حال شکل گرفتن است که محال ممکن است کسی چنین امر ماورایی را حس نکند؛ یعنی شادی روح القدس یک حال بی‌اختیاری و ماوراءالطبیعه است. لذا تمام کسانی که این چنین شهادتی با خود ندارند، حسب شادی درونیشان، شاد گردیده‌اند و ربطی به روح القدس ندارد.

به این جمله خوب دقت کنید: "هر شادی که از درون شما بر می‌خیزد به روح انسانی شما مربوط است و هیچ ربطی به روح القدس ندارد؛ و هر شادی که از بیرون بر شما افزوده می‌شود، گویی چیزی شادی بخش بیرونی بر شما آمده، آن روح القدس است."

این سخنان شاید به ظاهر تلخ است و صورت خوشی نداشته باشد، اما واقعاً لازم به گفتن بود، زیرا از میان شهادت‌های بسیاری که همیشه گفته می‌شود، چنین افتراهایی به روح القدس پیوسته شنیده می‌شود و متأسفانه همیشه، باعث لغزش دیگران نیز شده است.

تسلّی دهنده:

«^{۱۶} و من از پدر سؤال می‌کنم و تسلّی دهنده‌ای دیگر به شما عطا خواهد کرد تا همیشه با شما بماند،^{۱۷} یعنی روح راستی که جهان نمی‌تواند او را قبول کند زیرا که او را نمی‌بیند و نمی‌شناسد و امّا شما او را می‌شناسید، زیرا که با شما می‌ماند و در شما خواهد بود» (یوحنا ۱۴ : ۱۶ - ۱۷).

خداوند عیسی مسیح، روح القدس را با عنوان تسلّی دهنده‌ای دیگر معرفی می‌کند. روح راستی، یا به عبارتی دیگر روح کلام، همان روح القدس است. هر جا در کتاب مقدّس با عنوان روح راستی مواجه شدید، منظور روح القدس است. مسیح به طور خاص به نقش تسلّی دهنده‌گی او اشاره می‌کند، خصوصاً این که او را با عنوان تسلّی دهنده‌ای دیگر معرفی می‌نماید، که یعنی پیش از او تسلّی دهنده‌ای دیگر نیز بوده.

دقیقاً کمی جلوتر خود خداوند عیسی مسیح به این مهم اذعان دارد: «^{۱۸} لیکن تسلّی دهنده یعنی روح القدس که پدر او را به اسم من می‌فرستد، او همه چیز را به شما تعلیم خواهد داد و آن چه به شما گفتم به یاد شما خواهد آورد» (یوحنا ۱۴ : ۲۶).

ابتدا ببینیم آن تسلّی دهنده دیگر چه کسی و چگونه تسلی‌گری بوده که روح القدس به مانند او می‌باشد. به عهد عتیق نگاه کنید.

«^۱ تسلّی دهید! قوم مرا تسلّی دهید! خدای شما می‌گوید: ^۲سخنان دلاویز به اورشلیم گویند و او را ندا کنید که اجتهاد او تمام شده و گناه وی آمرزیده گردیده، و از دست خداوند برای تمامی گناهانش دو چندان یافته است. ^۳صدای ندا کننده‌ای در بیابان، راه خداوند را مهیّا سازید و طریقی برای خدای ما در صحرا راست نمایید» (اشعیا ۴۰ : ۱ - ۳).

در نبوت اشعیای نبی تسلی‌بادی برای قوم می‌آید که به آمدن خداوند عیسی مسیح دلالت می‌کند. و خدا آمدن او را تسلی‌ای برای قوم اعلام می‌کند. و در بیست باب جلوتر، نبوتی از زبان خداوند عیسی مسیح اعلام می‌کند که او برای تسلی دادن به مسکینان فرستاده خواهد شد.

«روح خداوند یهوه بر من است زیرا خداوند مرا مسح کرده است تا مسکینان را بشارت دهم و مرا فرستاده تا شکسته دلان را التیام بخشم و اسیران را به رستگاری و محبوسان را به آزادی ندا کنم، و تا از سال پسندیده خداوند و از یوم انتقام خدای ما ندا نمایم و جمیع ماتمیان را تسلی بخشم» (اشعیا ۶۱ : ۱ - ۲).

مسیح چگونه تسلی دهنده‌ای بود؟ می‌دانید تا پیش از آمدن او تمام جهان در گناه و محکوم به مرگ ابدی بود، اما با آمدن مسیح و فدیۀ جان او، بخشش و آمرزش از گناهان و رهایی از سیطرۀ شیطان، نصیب تمام بشر گردید و تمام نسل آدم این فرصت را یافتند تا در ایمان به مسیح بتوانند وارد دوره‌ای جدید از زندگی شوند که منتهی به یک حیات ابدی می‌تواند باشد، این تسلی خدا برای هر انسان دردمند از اسارت شیطان است.

حال وقتی زمان عروج مسیح به آسمان نزدیک می‌شود او به شاگردانش باز مژده آمدن یک تسلی دهنده دیگر را می‌دهد. اگر خود فیض مسیح برای حیات ابدی کافی بود پس چرا باید یک تسلی دهنده دیگر می‌آمد؟ چه نیازی به یک تسلی دهنده دیگر بود؟

حقیقت این است که فیض مسیح برای رهایی از چنگال ابلیس و تاوان گناه کافی بود تا شخص شایسته آن گردد که به محفل مقدس خدا راه پیدا کند، اما با این فیض هر شخص در ابتدا پذیرفته می‌شود ولی هنوز وارد ملکوت خدا و حیات نو نمی‌گردد. برای دریافت حیات نو هر شخص می‌بایست پس از پذیرفتن فیضی که در خون خداوند عیسی مسیح است در وجود او با او شریک گردد و با او یک روح گردد.

از این روی مسیح به آسمان عروج نمود و به صورت روح القدس به زمین بازگشت که بتواند تا به انقضای عالم با ایمانداران باشد و با سکونت در جان هر آدمی او را به روح القدس مهر نموده و بیعانه‌ای گردد برای اطمینان از یک حیات ابدی. هر شخصی که می‌خواهد وارد ملکوت خدا و صاحب حیات جاویدان خدا شود هیچ راهی به جز تعمید روح القدس ندارد و روح خدا حتماً می‌بایست در او ساکن گردد.

پذیرفتن مسیح تنها شخص را از چنگال شیطان آزاد می‌کند و تمام جرائم بر گناهان را از او بر می‌دارد، اما برای دریافت حیات ابدی لازم است تا حتماً روح القدس وعده داده شده، که روح حیات است را نیز دریافت کند. و این آن تسلی‌ای هست که خداوند به واسطه روح القدس وعده داده.

تمام اندوه بشری عبارت است از: گناه، اسارت شیطان، دوری از خدا، و مرگ. و تسلی بشری عبارت است از: آزادی از اسارت گناه و مرگ و چنگال ابلیس به واسطه خون خداوند عیسی مسیح، و دریافت حیات ابدی به واسطه تعمید روح القدس. لیکن چون روح القدس بر کسی که از پیش به فیض خداوند از اسارتها آزاد شده آید، برای او تسلی از تمام رنجها خواهد بود.

حال چون هر دوی این تسلی دهندگان یک شخص است که در دو وجه مختلف جلوه‌گری نموده، در ارتباط با هم، یک دیگر را تأیید می‌نمایند. همان گونه که خداوند عیسی مسیح به تمام وجوهات روح القدس از پیش شهادت داده، روح القدس نیز چون بر کسی آید، شهادت می‌دهد که الوهیت عیسی یعنی چه: «^۶لیکن چون تسلی دهنده که او را از جانب پدر نزد شما می‌فرستم آید، یعنی روح راستی که از پدر صادر می‌گردد، او بر من شهادت خواهد داد» (یوحنا ۱۵ : ۲۶).

اما تسلی‌گری روح القدس به همین میزان اکتفا نمی‌کند، بلکه او تا زمانی که شخص بر روی زمین و در میان زندگان زندگی می‌کند، او را از جمیع انحرافات دور می‌سازد و به

او ضمیری بُرنا برای ایمان با عمل شایسته خدا عطا می‌کند. مانند آن چه در صدهٔ اوّل مسیحیت در میان کلیسای خداوند عیسی مسیح بوده: «آنگاه کلیسا در تمامی یهودیه و جلیل و سامره آرامی یافتند و بنا می‌شدند و در ترس خداوند و به تسلی روح القدس رفتار کرده، همی افزودند» (اعمال رسولان ۹ : ۳۱).

امید دهند:

«الآن^{۱۳} خدای امید، شما را از کمال خوشی و سلامتی در ایمان پر سازد تا به قوّت روح القدس در امید افزوده گردید» (رومیان ۱۵ : ۱۳).

انسان ناامید میلی به حرکت ندارد، توانایی حرکت را نیز ندارد، زیرا هیچ نمای روشنی را در پیش روی خود ندارد که به شوق آن حرکت کند؛ لذا در انتظار مرگ با همان محیط اطرافش در رنج و اندوه سپری می‌کند. این به نوعی سرگذشت تمام کسانی است که زندگی را به پوچی سپری می‌کنند و یا در پی امیدهای واهی آن قدر به خود و دیگران زخم می‌زنند که در انتها متوجّه می‌شوند تمام زندگیشان را به بطلالت گذرانده‌اند.

اما سکونت روح القدس در جان هر ایمانداری که نویسندهٔ اصلی تمام کتب مقدّس و دهندهٔ تمام مکاشفات و وعده‌های نیکوی خدا است، پیوسته تمام وعده‌های نیکو را به شخص یادآور می‌شود و اجازه نمی‌دهد تا او در یأس و ناامیدی عمر را به بطلالت بگذراند.

روح القدس پیش‌تر در صحف انبیا سعی نموده با نبوّتها و وعده‌ها، قوم خدا را با یک امید زنده به پیش ببرد، اما از پنطیکاست به بعد و در جریان یکی شدن با ایمانداران به صورت مستقیم امید را در جان ایمانداران می‌نشانند، به گونه‌ای که امید در وجود شخص به یک عمل عجیب ماورایی شبیه می‌شود.

روح القدس به شخص چنان امید و اعتمادی می دهد که او را به وجد آورده تا لحظه ای از حرکت برای دریافت وعده های نیکوی خدا نایستد. او جهان را در صبر و امید طی شش روز (شش هزار سال) گسترانید، لذا هرگز در او امید و ایمان، خسته نمی شود و در او ناامیدی اصلاً جای ندارد؛ این دقیقاً کاری است که وقتی بر کسی قرار می گیرد با او می کند.

ایمانداری که با ناامیدی و بی هدف زندگی می کند، قطعاً هنوز روح القدس را نیافته، فرقی نمی کند یک عضو کلیسا باشد یا خادم کلیسا، روح القدس به کسی حس ناامیدی از هیچ چیزی را نمی دهد.

به خدمت گمارنده:

پولس در وداع خود با خادمین کلیسای افسس ابراز می کند که روح القدس، آنان را به خدمت گمارده است: «^{۲۸} پس نگاه دارید خویشان و تمامی آن گله را که روح القدس شما را بر آن اسقف مقرر فرمود تا کلیسای خدا را رعایت کنید که آن را به خون خود خریده است» (اعمال رسولان ۲۰ : ۲۸).

از ابتدا چنین بوده که روح القدس در کلیساها علاوه بر آن که عطایا را می بخشد، خادمین را خود او مستقیماً انتخاب و مسح می کند، آن گونه که در خصوص خود پولس و برنابا نیز شهادت می دهد: «^۲ چون ایشان در عبادت خدا و روزه مشغول می بودند، روح القدس گفت: برنابا و سولس را برای من جدا سازید از بهر آن عمل که ایشان را برای آن خوانده ام» (اعمال رسولان ۱۳ : ۲).

تمام رسولان عیسی مسیح در روز پنطیکاست وقتی که زبانه های آتش بر آنان قرار گرفت، قوت یافتند و در بلاد مختلف حرکت کردند و شروع به خدمت نمودند. حتی

پیش از آن روز نیز خداوند عیسی مسیح به آنان سفارش کرده بود که حق هیچ کاری را ندارند و باید حتماً منتظر آمدن روح القدس و مسح او باشند تا خدمت آنان تأیید گردد.

«^۱صحیفهٔ اوّل را انشا نمودم، ای تیوفلس، دربارهٔ همهٔ اموری که عیسی به عمل نمودن و تعلیم دادن آنها شروع کرد تا آن روزی که رسولان برگزیدهٔ خود را به روح القدس حکم کرده، بالا برده شد.^۳ که بدیشان نیز بعد از زحمت کشیدن خود، خویشان را زنده ظاهر کرد به دلیلهای بسیار که در مدّت چهل روز بر ایشان ظاهر می شد و دربارهٔ امور ملکوت خدا سخن می گفت.^۴ و چون با ایشان جمع شد، ایشان را قدغن فرمود که از اورشلیم جدا مشوید، بلکه منتظر آن وعدهٔ پدر باشید که از من شنیده اید.^۵ زیرا که یحیی به آب تعمید می داد، لیکن شما بعد از اندک ایّامی، به روح القدس تعمید خواهید یافت.^۶ پس آنانی که جمع بودند، از او سؤال نموده، گفتند: خداوندا آیا در این وقت ملکوت را بر اسرائیل باز برقرار خواهی داشت؟^۷ بدیشان گفت: از شما نیست که زمانها و اوقاتی را که پدر در قدرت خود نگاه داشته است بدانید.^۸ لیکن چون روح القدس بر شما می آید، قوّت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود، در اورشلیم و تمامی یهودیه و سامره و تا اقصای جهان» (اعمال رسولان ۱ : ۱ - ۸).

نویسندهٔ عبرانیان اعلام می دارد که: «^۱عیسی مسیح دیروز و امروز و تا ابدالآباد همان است» (عبرانیان ۱۳ : ۸). پس چیزی که او در ابتدا می کرده، امروز و تا به انتها نیز به همان گونه خواهد کرد. هیچ کس در هیچ جایگاه خدمتی کلیسا نباید قرار بگیرد، مگر آن که روح القدس ابتدا او را تعمید داده، حتماً آن شخص می بایست برای تعمید خود یک شهادت ماوراءالطبیعه مطابق با کلام خدا داشته باشد؛ و پس از آن او را تربیت نموده، از آن روی که حکمت آن خدمت در او هویدا گردد؛ و در انتها او را برای خدمت مسح نماید، که این نیز باید حتماً با یک شهادت ماوراءالطبیعه مطابق با کلام خدا باشد.

در غیر این صورت، هیچ فارغ التحصیل و دارندهٔ مدرک دانشگاهی و الهیاتی، هیچ انتصابی از سوی هیچ شخصیت سیاسی و مذهبی، هیچ بهانه‌ای از نبود خادم مسح شده

در کلیسا و فقدان خادمی، و هیچ مصلحت اندیشی به هر دلیلی، پذیرفته نیست. هر کس با داشتن یکی از این تأییدیه‌ها در هر جایگاه خدمتی که بنشیند خادم کاذب و مغضوب خدا خواهد بود.

تاریخ نشان داده که کلیساها پر بوده از چنین خادمینی که در نهایت خود آنان عاملین بزرگ‌ترین فجایع و رجاسات و انحرافات از کلام مقدس خدا در کلیساها شدند. هر خدمتی در کلیسا فقط و فقط توسط روح القدس تعیین و منصوب می‌گردد.

مشارکت کننده:

رسولان مسیح زمانی که یهودا و سیلاس را به همراه برنابا و پولس به سوی انطاکیه می‌فرستند، در پاسخ به پرسش مسیحیان انطاکیه، حکمی را اعلام می‌دارند که به صلاح دید روح القدس و آنان بوده، و به بیانی از یک مشارکت دو جانبه و اتحاد بین روح القدس و رسولان حکایت نمودند: «^{۲۸} زیرا که روح القدس و ما صواب دیدیم که باری بر شما ننهیم جز این ضروریات» (اعمال رسولان ۱۵ : ۲۸).

اگر به همه آن چه در خصوص روح القدس تا به این جا گفته شده خوب دقت کرده باشید، می‌توانید از دل آنها یک اتحاد و مشارکت دو جانبه با روح القدس را ببینید. این مشارکت تنها بین روح القدس و رسولان جریان نداشته، بلکه تا کنون، پیوسته بین او و تمام کسانی که روح در وجود آنان مسکن گرفته ادامه دارد.

پولس رسول نیز در اکثر دعاهاى خود برای کلیسا با زیباترین دعایی که می‌توان تصوّرش را کرد کلیسا را برکت می‌داده: «^{۱۴} فیض عیسی خداوند و محبت خدا و شراکت روح القدس با جمیع شما باد. آمین» (دوم قرن‌تیاں ۱۳ : ۱۴).

طلب مشارکت با روح القدس یکی از بهترین دعاها یی است که ایمانداران می توانند پیوسته برای یک دیگر داشته باشند. روح القدس در همهٔ امور هدایت کننده و جهت دهنده است و شخص، در مشارکت با او مجری فرامینش می باشد. تنها در چنین اتحادی هر چیزی در کاملیت و نیکویی به انجام خواهد رسید.

اما آیا هر تفکری که به ناگاه از ذهنی بر می خیزد نشان یک مشارکت با روح القدس است؟ هوشیار باشید! وقتی سخن از مشارکت با روح القدس می شود، لازمهٔ اول آن داشتن تعمید روح القدس است. او با مقدسین مشارکت می کند نه با کسانی که در طریقت قداست پیش آمدند!

تا کسی تعمید روح را نگیرد نمی تواند وارد خدمت شود لاجرم هیچ مشارکتی در کار نخواهد بود. به همین گونه تا کسی روح القدس در او سکونت نداشته باشد نمی تواند مدعی مشارکت با او در هیچ امری باشد؛ و هر دریافتی در خارج از این شرط یا از توهم ذهن شخص می باشد یا مشارکت با ابلیس، پدر دروغگویان.

هدایت کننده:

یکی از عالی ترین و شاد کننده ترین خصوصیات روح القدس هدایتگری او می باشد. دانستید که وقتی روح القدس در کسی ساکن باشد او را به حرکت و جنبش در می آورد؛ او که هر کسی را به جنبش در می آورد قطعاً به او جهت نیز می دهد و او را به سمت نیکوییها هدایت می کند. و خوشا به حال آنانی که از روح هدایت می شوند.

خداوند عیسی مسیح در خصوص خصوصیت هدایت کنندگی روح القدس می فرماید: «^{۱۳} و لیکن چون او یعنی روح راستی آید، شما را به جمیع راستی هدایت خواهد

کرد زیرا که از خود تکلم نمی‌کند بلکه به آن چه شنیده است سخن خواهد گفت و از امور آینده به شما خبر خواهد داد» (یوحنا ۱۶ : ۱۳).

در کتاب مقدس صحنه‌های بسیار زیبایی از هدایت‌های روح القدس را می‌توانید ببینید. از آن جایی که هدایتها یک طرفه و از جهت روح القدس است، می‌تواند حتی بر کسانی که تعمید روح را ندارند نیز واقع گردد، اساساً هرگاه روح بر کسی نازل شود، یا رازی را بر او آشکار می‌سازد، آن گونه که با انبیای عهد عتیق رفتار می‌کرده، و یا مخاطب را به سمت چیزی هدایت می‌کند.

یکی از جالب‌ترین صحنه‌های هدایت روح القدس، هدایت پیر مردی شمعون نام بوده که او را به سمت مسیح خداوند می‌کشاند: «^{۲۵} و اینک شخصی شمعون نام در اورشلیم بود که مرد صالح و متقی و منتظر تسلی اسرائیل بود و روح القدس بر وی بود.^{۲۶} و از روح القدس بدو وحی رسیده بود، که تا مسیح خداوند را نبینی موت را نخواهی دید.^{۲۷} پس به راهنمایی روح، به هیکل در آمد و چون والدینش آن طفل یعنی عیسی را آوردند تا رسوم شریعت را به جهت او به عمل آورند،^{۲۸} او را در آغوش خود کشیده و خدا را متبارک خوانده، ...» (لوقا ۲ : ۲۵ - ۲۸).

بسیار امکان دارد و حتی دیده شده که روح القدس نوایمانان را در ابتدای زندگی ایمانشان به سمت نیکوییهای بسیاری هدایت کرده و از پیش خطرات بسیاری را به آنان گوشزد کرده. یک نوایمان کسی است که پای در مسیری گذاشته که انتهای آن یک تولد تازه از روح القدس می‌باشد، لذا روح او را با چنین دیدگاهی قضاوت می‌کند و هدایت می‌فرماید.

پولس رسول حسب چنین دیدگاهی در رساله خود به تازه ایمانداران روم به آنانی که از روح هدایت می‌شدند می‌فرماید پسران خدا هستید: «^{۱۴} زیرا همه کسانی که از روح خدا هدایت می‌شوند، ایشان پسران خداوند» (رومیان ۸ : ۱۴). او این سخن را از آن جهت

گفته که چنین اشخاصی هنوز مد نظر روح خدا می‌باشند و زیر سایه او قرار دارند، تا به تولّد تازه.

اما این حال فقط تا زمانی که شخص نوایمان است و در روند یک تولّد تازه قرار دارد صادق می‌باشد. و چنان چه مدّت زمان این شرایط طولانی شود و شخص نتوانسته باشد تولّد تازه که با تعمید روح القدس انجام می‌پذیرد را دریافت نماید، دیگر روح القدس محزون شده و با او کاری نخواهد داشت. این دقیقاً یک نقطه خطر می‌باشد، چون وقتی روح القدس عقب بکشد شیطان به پیش می‌آید و از آن پس این ابلیس است که هدایتهای منحرف می‌نماید.

بدانید که یک ایماندار به مسیح نمی‌تواند آهسته و شمرده به پیش برود، یا در جا بماند، چنین شخصی قطعاً هلاک خواهد شد. تا نور است، تا روح القدس سخن می‌گوید، تا فرصت است، باید به سرعت با هدایتهای روح القدس به پیش رفت، زیرا که ابلیس چون شیر غران از عقب می‌آید تا جا ماندگان و سهل انگاران را بدرد.

مکاشفه دهنده:

«بلکه چنان که مکتوب است: چیزهایی را که چشمی ندید و گوشی نشنید و به خاطر انسانی خطور نکرد، یعنی آن چه خدا برای دوستداران خود مهیا کرده است. اما خدا آنها را به روح خود بر ما کشف نموده است، زیرا که روح همه چیز حتی عمقهای خدا را نیز تفحص می‌کند.^{۱۱} زیرا کیست از مردمان که امور انسان را بداند جز روح انسان که در وی می‌باشد. همچنین نیز امور خدا را هیچ کس ندانسته است، جز روح خدا.^{۱۲} لیکن ما روح جهان را نیافته‌ایم، بلکه آن روح که از خدا است تا آن چه خدا به ما عطا فرموده است بدانیم» (اول قرن‌تیا ۲: ۹ - ۱۲).

یکی از خصوصیات بارز روح القدس آن است که از امور آینده خبر می‌دهد. به این پیشگوییها نبوت نیز گفته می‌شود. هیچ کس از خود چیزی نمی‌تواند بگوید که به حقیقت بپیوندد زیرا آینده را کسی جز خدا خبر ندارد، و او این اخبار را به هر کس که بخواهد عطا می‌فرماید.

خداوند اخبار آینده را توسط روح القدس به مردان امین خود انبیا می‌رسانید و آنان این اخبار را به صورت مکاشفه‌ای آسمانی تحت اراده روح دریافت می‌کردند. هیچ مکاشفه‌ای جز از طریق روح القدس که تنها طریق ارتباط روحانی انسان با خدا می‌باشد وجود ندارد.

پطرس در این خصوص می‌فرماید: «^{۲۱} زیرا که نبوت به اراده انسان هرگز آورده نشد، بلکه مردمان به روح القدس مجذوب شده، از جانب خدا سخن گفتند» (دوم پطرس ۱ : ۲۱).

برای ورود به عالم رؤیا و دیدن مکاشفات خارج از حافظه ذخیره شده انسانی، تنها یک قدرت روحانی آسمانی نیاز است. روح انسانی تنها در حیطه حواس حافظه شخصی هر فرد دور می‌زند، آن چه تا آن زمان بر او واقع شده و شاهد آن بوده و بس.

اما در چنین ارتباط روحانی برای دریافت مکاشفات، باید هوشیار بود چون موجودی به نام شیطان نیز وجود دارد که می‌تواند برای انسان، تصاویری موهوم و جعلی بیافریند که ورای ذهن بشری است.

برای تشخیص و تمیز مکاشفاتی که شیطان به شخص می‌دهد از مکاشفات آسمانی که توسط روح القدس داده می‌شود، راه‌هایی وجود دارد که اشاره‌وار به چند مورد از آن می‌پردازیم.

۱- از آن جایی که نویسندۀ اصلی کتب مقدّس و آورندۀ تمام نبوّتها روح القدس است، هر مکاشفۀ آسمانی باید ردی از آن در کتب مقدّس یافت شود و آن دریافت کوچک‌ترین مغایرتی با کلام خدا نداشته باشد.

۲- وقتی مکاشفۀ ای از سوی روح القدس داده می‌شود، در روح دریافت کننده، کوچک‌ترین جای شکی نمی‌ماند که از سوی خدا است. و در صورت بروز کوچک‌ترین شکی، آن مکاشفه از شیطان است.

۳- خداوند هر مکاشفۀ ای را، به کسی می‌دهد که ارتباطی با آن داشته باشد؛ مثلاً در خصوص وقایع آینده مربوط به دنیا، یا کشور، یا کلیسا، فقط به رسولان و انبیا داده می‌شود که پیش‌تر روح نبوّتی آنان اثبات گردیده باشد.

۴- در مکاشفاتی که جنبۀ شخصی برای بینندۀ آن دارد و ارتباطی به دنیا، کشور، یا کلیسا ندارد، اگر از طریق روح القدس باشد، او حتماً باید متوجّه منظور و معنی آن بشود، در غیر این صورت از سوی شیطان است.

۵- مکاشفات آسمانی که از سوی روح القدس می‌آید شخص را به سمت گناه و اعمال شرارت گونه سوق نمی‌دهد، بلکه هشدار دهنده، صلحگر و اصلاح کننده است.

۶- هر مکاشفۀ ای که از سوی شیطان باشد با خود تشویش و آشفتگی به همراه دارد. که برعکس آن، هر جا روح خدا باشد آن جا آرامی است.

یک نکته مهم دیگر را باید به خاطر بسپارید! وقتی گفته می‌شود مکاشفه، یعنی دیدن چیزهای عجیب و ماورا در رؤیا یا خواب که شخص اصلاً در ذهنش کوچک‌ترین فکری در خصوصش تا آن زمان نداشته و احتمالش را نمی‌داده، یا شنیدن صدای خدا با گوش سر.

بسیاری را دیدم که وقتی چیزی را می‌فهمند، حال یا درست یا غلط، می‌گویند برایشان مکاشفه شده. این یک اشتباه محض است. این تنها زائیده ذهن آنان است و هیچ ربطی به مکاشفه ندارد. این یک تخیل و باور ساخته شده از ذهن در حال فعالیت و جستجو است، در صورتی که مکاشفه یک امر بیرونی و عطا شده است.

چیزی شبیه به آن چه برای استیفان در لحظه سنگسار شدن رخ داد. او در زمانی که باران سنگهای تیز بر سر و روی او سرازیر بود و جماعتی قصد کشتن او را داشتند و می‌بایست از شدت درد به خود می‌پیچید: «^{۵۵} اما او از روح القدس پر بوده، به سوی آسمان نگریست و جلال خدا را دید و عیسی را به دست راست خدا ایستاده...» (اعمال رسولان ۷: ۵۵).

مکاشفه یعنی دیدن چیزهایی که هرگز به آن فکر نمی‌کنید و هرگز احتمال آن را هم نمی‌دهید و هیچ ردی در ذهنتان از آن وجود ندارد.

قضاوت کننده:

تنها شخصی که دانای کل بر همه امور و وقایع است و شایسته آن می‌باشد تا هر چیز را به درستی تعریف کند خداوند است. او است که از ابتدا احکام مقرر فرمود و حیطه‌ها را مشخص نمود. و طبیعتاً فقط مقرر کننده احکام است که سزاوار قضاوت و داوری است.

تاریخ بشریت نشان داده که هرگاه فردی نادرست در جایگاه قضاوت خداوند نشسته، فجایا به بار آورده. اما پولس رسول به استناد مشارکت روح القدس در وجود تعمید یافتگان در روح به صراحت می‌گوید که: «^{۱۵} لیکن شخص روحانی در همه چیز حکم می‌کند و کسی را در او حکم نیست.^{۱۶} زیرا کیست که فکر خداوند را دانسته باشد تا او را تعلیم دهد؟ لیکن ما فکر مسیح را داریم» (اول قرنتیان ۲: ۱۵ - ۱۶).

به راستی کسی که در مشارکت با روح القدس است و از او هدایت می شود، فکرهای روح را می داند و این شایستگی را دارد تا بر دیگران حکم روح القدس را قرائت کند، و به همان سان هیچ کس را اجازه آن نیست تا بر شخص روحانی حکمی بنماید، زیرا حکم بر شخص روحانی محکوم کردن روح القدس است.

هرگز ندیدم کسی را که به مرد خدا افترا بسته و حکم کرده باشد و از کلیسای خداوند منقطع نشده باشد. یکی از بزرگ ترین خطراتی که برخی را به راحتی لغزش داده و باعث سقوط آنان شده، این است که به راحتی مرد عادل و پر از روح القدس را که پیش تر خودشان نیز بر قوت روحانی او معترف بودند، مورد شماتت و افترا قرار داده اند، بی آن که بدانند همه آنها را به روح القدس نسبت می دهند.

قوت (عطا یا) دهنده:

یکی از زیباترین و پر جذبه ترین خصوصیات روح القدس برای تمامی ایمانداران، قوت بخشی او است، خداوند عیسی مسیح از پیش به این ویژگی او اعلام کرده بود: «^{۴۹} و اینک، من موعود پدر خود را بر شما می فرستم. پس شما در شهر اورشلیم بمانید تا وقتی که به قوت از اعلی آراسته شوید» (لوقا ۲۴ : ۴۹).

به قوتهایی که روح القدس به کسی می دهد، معمولاً در کلیسا عطیه یا عطایای روح گفته می شود، از آن جهت که به صورت اکتسابی به دست نمی آید و به لحظه ای شخص از بخشش روح القدس دریافت می کند. این عطایا معمولاً حسب اراده روح و به یکی از دو شکل جسمانی یا روحانی و در گونه های متفاوت هر کدام به کسی که مورد عنایت او قرار می گیرد بخشیده می شود.

در این خصوص یک نکته بسیار جالب وجود دارد که عطایای روح القدس ارتباطی با تعمید روح ندارد، هر چند هر کسی که تعمید روح را دریافت کند بدون شک از روح القدس عطیه‌ای هم دریافت خواهد کرد، اما اصولاً دریافت عطیه ملاک گرفتن تعمید روح نیست، بلکه بخششهای روح القدس است به هر که بخواهد بدهد.

در خصوص قوت‌های جسمانی که روح القدس به کسی می‌بخشد، نمونه‌های بسیار جالبی در کتاب مقدس می‌توانید ببینید که شاخص‌ترین آنها شَمْشُون بود: «پس شَمْشُون با پدر و مادر خود به تِمْنَه فرود آمد؛ و چون به تاکستانهای تِمْنَه رسیدند، اینک شیری جوان بر او بغرید. و روح خداوند بر او مستقر شده، آن را درید به طوری که بزغاله‌ای دریده شود، و چیزی در دستش نبود؛ و پدر و مادر خود را از آن چه کرده بود، اطلاع نداد. ...^{۱۹} و روح خداوند بر وی مستقر شده، به اشْقَلون رفت و از اهل آن جا سی نفر را کشت، و اسباب آنها را گرفته، دسته‌های رخت را به آنانی که معماً را بیان کرده بودند، داد و خشمش افروخته شده، به خانه پدر خود برگشت» (داوران ۱۴ : ۵ - ۶ و ۱۹).

و باز در جایی دیگر می‌خوانید که با قرار گرفتن روح خدا بر او دارای قدرتی ماورایی گردید: «^{۱۴} و چون او به لَحی رسید، فلسطینیان از دیدن او نعره زدند؛ و روح خداوند بر وی مستقر شده، طنابهایی که بر بازوهایش بود، مثل کتانی که به آتش سوخته شود گردید، و بندها از دستهایش فرو ریخت» (داوران ۱۵ : ۱۴).

اما در خصوص قوت‌های روحانی یا به عبارت مشهورتر عطایای روحانی که روح القدس می‌بخشد به موارد بسیاری می‌توان اشاره نمود. پولس رسول در نامه خود به قرنطیان به تعدادی از این قوت‌ها و عطایا اشاره کرده: «^۴ و نعمتها انواع است ولی روح همان.^۵ و خدمتها انواع است اما خداوند همان.^۶ و عملها انواع است لیکن همان خدا همه را در همه عمل می‌کند.^۷ ولی هر کس را ظهور روح به جهت منفعت عطا می‌شود.^۸ زیرا یکی را به وساطت روح، کلام حمکت داده می‌شود و دیگری را کلام علم، به حسب همان روح.^۹ و یکی را ایمان به همان روح و دیگری را نعمتهای شفا دادن به همان روح.^{۱۰} و یکی را قوت

معجزات و دیگری را نبوت و یکی را تمیز ارواح و دیگری را اقسام زبانها و دیگری را ترجمه زبانها.^{۱۱} لیکن در جمیع اینها همان یک روح فاعل است که هر کس را فرداً به حسب اراده خود تقسیم می‌کند» (اول قرن‌تین ۱۲ : ۴ - ۱۱).

عطایا بسیار بیشتر از آن چیزهایی است که پولس رسول در چند جا به ذکر نام برخی از آنان پرداخته. اساساً هر قدرت و قوت ماوراءالطبیعه‌ای که تا کنون شخص نداشته و تجربه نکرده و به ناگهان دارای آن گردیده، اگر از سوی شیطان نباشد، عطیه روح القدس است.

چرا گفته شد شیطان؟ چون برخی از عطایا را شیطان به شکلی دروغین جعل می‌نماید و به باور دیگران می‌قبولاند، مانند: عطیه زبان، ترجمه زبان، نبوت و ...؛ که چنان چه در کلیسای رسول یا نبی یا معلم یا کسی که دارای عطیه تمیز ارواح از سوی خداوند باشد، می‌تواند جعلی بودن آن را تشخیص دهد.

در هر صورت عطایا فقط در کلیساها وجود دارد و دیده می‌شود و هدف روح از دادن آنها از ابتدا برای کسانی بوده که شهادت عیسی مسیح را با خود دارند، چنان که خداوند می‌فرماید: «^{۱۲}لیکن چون روح القدس بر شما می‌آید، قوت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود، در اورشلیم و تمامی یهودیه و سامره و تا اقصای جهان» (اعمال رسولان ۱ : ۸).

و پولس رسول نیز به این مهم اذعان و تأکید دارد که برای دولت جلال مسیح خداوند است که عطایا بخشیده شده: «^{۱۳}که به حسب دولت جلال خود به شما عطا کند که در انسانیت باطنی خود از روح او به قوت زورآور شوید» (افسیان ۳ : ۱۶).

سخن گوینده:

یکی از خصوصیات ارزشمند روح القدس برای ایمانداران، سخنوری او است. همان گونه که خداوند در طول تاریخ بشری به طرق مختلف با انسانها سخن گفته، و نیز روح خدا مکاشفات و نبوت به انبیا داده و با آنان سخن گفته، تا به امروز نیز روح القدس پیوسته در حال سخن گفتن و آگاهی دادن است: «پس چنان که روح القدس می گوید: امروز اگر آواز او را بشنوید،^۸ دل خود را سخت مسازید، ...» (عبرانیان ۳ : ۷ - ۸). فقط لازم است تا هرگاه گوشی به صدای روح القدس باز شد، آن را نبندد.

گاهی اوقات نیز روح القدس از دستگاه تکلم انسانی استفاده نموده و توسط مقدسین سخن می گوید، مانند وقتی که از زبان انبیا تکلم می کند. سموئیل نبی این مهم را صراحتاً اعتراف می نماید که: «روح خداوند به وسیله من متکلم شد و کلام او بر زبانم جاری گردید» (دوم سموئیل ۲۳ : ۲). زیرا انبیا زبان خداوند هستند که آن چه را روح خدا به آنان می گوید یا نشان می دهد را اعلام نمایند.

اما آیا روح القدس فقط از زبان انبیا سخن می گوید؟ کتاب مقدس چنین تعلیمی ارائه نمی دهد، اما تأیید هم نمی کند که از زبان هر کسی سخن می گوید. با نگاه کردن به وقایع کتب مقدس در می یابیم که او از زبان منتخبین خود در هر جایگاه و وضعیتی سخن گفته است. مانند زمانی که الیصابات مادر یحیی تعمید دهنده به روح القدس تکلم نمود: «^۹ و چون الیصابات سلام مریم را شنید، بچه در رحم او به حرکت آمد و الیصابات به روح القدس پر شده،^{۱۰} به آواز بلند صدا زده گفت: تو در میان زنان مبارک هستی و مبارک است ثمره رحم تو» (لوقا ۱ : ۴۱ - ۴۲).

و یا عماسای، رئیس شلاشیم وقتی به حضور داوود می رسد، روح بر او قرار می گیرد و از زبان او تکلم می کند: «^{۱۱} آنگاه روح بر عماسای که رئیس شلاشیم بود نازل شد و او گفت: ای داوود ما از آن تو و ای پسر یسی ما با تو هستیم؛ سلامتی، سلامتی بر تو باد، و

سلامتی بر انصار تو باد زیرا خدای تو نصرت دهنده تو است. پس داوود ایشان را پذیرفته، سرداران لشکر ساخت» (اول تواریخ ۱۲ : ۱۸).

خداوند عیسی مسیح از پیش یک وعده بزرگ که باعث اطمینان خاطر و قوت قلب رسولانش باشد را به آنان داده بود، تا در زمان تنگی و جفا نهراسند و به فکر فرو نروند: «^{۱۱} و چون شما را گرفته، تسلیم کنند، میندیشید که چه بگویید و متفکر مباشید بلکه آن چه در آن ساعت به شما عطا شود، آن را گوید زیرا گوینده شما نیستید بلکه روح القدس است» (مرقس ۱۳ : ۱۱) (لوقا ۱۲ : ۱۱ - ۱۲).

روح القدس وقتی بر کسی قرار گیرد و زبان او را به دست بگیرد، چنان شهامتی به شخص می دهد که با دلیری از دهانش سخنان خارج می شود. در روز پنتیکاست شاهد یک نمونه عالی از این صحنه هستیم. زمانی که شاگردان مسیح پس از عروج خداوند به آسمان، حسب فرمایش خداوند در بالاخانه ای جمع بودند و احتمالاً بسیار ترسیده بودند از آن روی که به دنبال دستگیری آنان در یهودیه می گشتند، ولی وقتی روح القدس بر آنان قرار گرفت با شجاعت از آن مکان بیرون زدند و به نام خداوند شهادت می دادند: «^{۳۱} و چون ایشان دعا کرده بودند، مکانی که در آن جمع بودند به حرکت آمد و همه به روح القدس پر شده، کلام خدا را به دلیری می گفتند» (اعمال رسولان ۴ : ۳۱). و پطرس در آن روز با قوت روح القدس چنان موعظه ای نمود که در انتها بیش از سه هزار نفر به مسیح ایمان آوردند.

با ورق زدن صفحات کتب مقدس صحنه های بسیاری را می بینید که یا روح القدس با کسی صحبت کرده و یا از زبان کسی سخن گفته. اما همیشه در کنار این همه زیبایی از حضور روح القدس، افراد فریبکار زیادی نیز یافت می شوند که به دروغ سخنانی را به روح نسبت داده و مدعی هستند روح به آنان چنین گفته. و حتی در بعضی از مواقع با چنین دروغهایی باعث لغزش و انحراف بسیار گردیده اند. این از کوتاهی روح القدس نیست، بلکه از شرارت ابلیس و کوه فکری بسیاری است که مجذوب سخنان دروغ می شوند.

پس هوشیار و آگاه باشید که "هرگاه روح القدس با کسی سخن بگوید، محال ممکن است ردی از نوع سخن گفتن آن در کتاب مقدس یافت نشود."

منتقل کننده:

جداً یکی از شگفت انگیزترین خصوصیات روح القدس آن است که می تواند شخص را از مکانی به مکان دیگر منتقل و جا به جا کند. اناجیل شهادت می دهند که: «اما عیسی پُر از روح القدس بوده، از اُردُن مراجعت کرد و روح او را به بیابان برد» (لوقا ۴ : ۱). شاید برخی بگویند که این یک حرکت فیزیکی نیست بلکه هدایت روح القدس به سمت بیابان بوده. این سخن را نیز می توان پذیرفت، اما بسیار جلوتر می رویم، به اعمال رسولان نگاه کنید.

«و چون از آب بالا آمدند، روح خداوند فیلیپس را برداشته، خواجه سرا دیگر او را نیافت زیرا که راه خود را به خوشی پیش گرفت» (اعمال رسولان ۸ : ۳۹). این صحنه تعمید خواجه سرای حبشی توسط فیلیپس است. در این جا نیز کتاب می گوید که روح خداوند فیلیپس را برداشته و با خود به جای نامعلوم برده؛ اما در این شهادت مکتوب نمی توان گفت که روح او را به سمت دیگر هدایت کرده، چون دقیقاً همان جا معترف است که فیلیپس پس از تعمید غیب شد و خواجه سرا برای یافتن او به دنبالش گشته ولی او را نیافت: «... خواجه سرا دیگر او را نیافت ...».

در عهد عتیق نیز با دو واقعه مواجه می شویم که چنین استنباطی را به ما می دهد. ظاهراً ایلیای نبی بوده که بارها روح خداوند او را برداشته و به جایی دیگر منتقل کرده بود، و این تقریباً در میان مردم آن عصر باید شهره شده باشد؛ چنین ادعایی را از نوع تکلم عوبدیا با ایلیای نبی، می توان برداشت نمود: «^{۱۲} و واقع خواهد شد که چون از نزد تو رفته باشم، روح خداوند تو را به جایی که نمی دانم، بردارد و وقتی که بروم و به اخاب

خبر دهم و او تو را نیابد، مرا خواهد کشت. و بندهات از طفولیت خود از خداوند می ترسد»
(اول پادشاهان ۱۸ : ۱۲).

این که ایلیا گاهاً در نظر دیگران از مکانی غیب می شده و به جایی دیگر منتقل می شده، می بایست بسیار در نزد قوم شهرت یافته باشد، چون حتی زمانی که خداوند او را در آبهای آتشین به آسمان می برد، پسران انبیا در ملاقات با الیشع به چنین موضوعی اذعان دارند: «^{۱۶} و او را گفتند: اینک حال با بندگان پنجاه مرد قوی هستند؛ تمنا این که ایشان بروند و آقای تو را جستجو نمایند؛ شاید روح خداوند او را برداشته، به یکی از کوهها یا در یکی از درهها انداخته باشد. او گفت: مفرستید» (دوم پادشاهان ۲ : ۱۶).

در تجربه خداوند عیسی مسیح در بیابان، شاهد آن هستیم که ابلیس دو بار خداوند را گرفته و به مکانی دیگر منتقل می کند، این یک رؤیا نیست، یک انتقال کاملاً فیزیکی و حقیقی است؛ یک بار بر کنگره هیکل و بار دیگر بر بالای کوه: «^{۱۷} آنگاه ابلیس او را به شهر مقدس برد و بر کنگره هیکل برپا داشته، ...^{۱۸} پس ابلیس او را به کوهی بسیار بلند برد و همه ممالک جهان و جلال آنها را بدو نشان داده» (متی ۴ : ۵ و ۸).

حال وقتی شیطان این قدرت را دارد تا کسی را گرفته و به مکانی دیگر منتقل کند، آیا عجیب خواهد بود که روح القدس چنین نکند؟ البته صحیح تر آن است که گفته شود "ابلیس از کارهای خدا تقلید و کپی برداری می کند."

انگیزه دهنده:

به جرأت می توان گفت که روح القدس عامل اصلی و ایجاد کننده هر انگیزه ای برای انجام هر کاری است. روح القدس در تمام طول خلقت جهان هستی، پیوسته پویا و فعال بود و هرگز از حرکت نایستاده. او در زمانی که جهان را شکل می داد، و آن چه امروزه

ما از او می‌بینیم، علاوه بر ذهنی خلاق، انگیزه‌ای فوق تصور بشری را برای ما نمایان می‌کند.

حال وقتی او در کسی قرار گیرد، او را به انگیزشهای گوناگون وا می‌دارد. دیده‌اید کسانی را که از روح القدس پر هستند پیوسته در فعالیت و تلاش هستند و خستگی نمی‌شناسند؟

کیست که کار نیکو را بداند و حرکت نکند؟ جز آن کس که روح در او جریان ندارد. در وقایع مکتوب در کتاب مقدس بارها دیده شده که وقتی روح خدا بر کسی قرار می‌گرفت او انگیزه پیدا می‌کرد تا کاری را انجام دهد. مانند شاول که وقتی او را از گستاخی ناحاش عمّونی آگاه می‌کنند روح خدا بر او مستولی می‌شود و او قوم را به قیام علیه ناحاش عمّونی به حرکت در می‌آورد: «و چون شاول این سخنان را شنید روح خدا بر وی مستولی گشته، خشمش به شدت افروخته شد» (اول سموئیل ۱۱ : ۶).

همیشه برای انجام هر کاری نیاز به یک انگیزه است. خدا از خلقت جهان هستی انگیزه‌ای داشت، و همان انگیزه او باعث به وجود آمدن چنین خلقت زیبایی شد. خیلی مواقع انسان کار درست را می‌داند، اما چون انگیزه‌ای برای آن ندارد برای انجام آن حرکتی نمی‌کند.

این از خصلتهای روح القدس است که وقتی بر کسی قرار گیرد در او ایجاد انگیزه می‌کند، مانند کاری که در روز پنطیکاست با آن صد و بیست نفر کرد و آنان را به حرکت درآورد. یا کاری که با آبای یهودا و کاهنان و دیگران کرد تا برخاسته و خانه خداوند را از نو بنا کنند: «پس رؤسای آبای یهودا و بنیامین و کاهنان و لاویان با همه کسانی که خدا روح ایشان را برانگیزانیده بود برخاسته، روانه شدند تا خانه خداوند را که در اورشلیم است بنا نمایند» (عزرا ۱ : ۵).

حتی خداوند عیسی مسیح که مردی به غایت دل رحم و ملایم و با طبعی چون برّه بود وقتی وارد هیکل می‌شود، و وقتی روح بر او قرار می‌گیرد تازیانه ساخته و شروع به زدن و خراب نمودن بساط کسانی می‌کند که هیکل خداوند را بی‌حرمت کردند.

«^{۱۳} و چون عید فصّح یهود نزدیک بود، عیسی به اورشلیم رفت،^{۱۴} و در هیکل، فروشندگان گاو و گوسفند و کبوتر و صرافان را نشسته یافت.^{۱۵} پس تازیانه‌ای از ریسمان ساخته، همه را از هیکل بیرون نمود، هم گوسفندان و گاو را، و نقود صرافان را ریخت و تختهای ایشان را واژگون ساخت،^{۱۶} و به کبوتر فروشان گفت، اینها را از این جا بیرون برید و خانه پدر مرا خانه تجارت مسازید.^{۱۷} آنگاه شاگردان او را یاد آمد که مکتوب است، غیرت خانه تو مرا خورده است» (یوحنا ۲ : ۱۳ - ۱۷).

بدانید که هرگز نمی‌توانید یک ایماندار پر از روح‌القدس را بی‌غیرت و بی‌انگیزه ببینید. کسی که از روح‌القدس هدایت می‌شود محال ممکن است منفعل و ساکن باشد و نسبت به کلام خدا و کلیسای خداوند، بی‌تعصّب و بی‌انگیزه رفتار نماید. روح‌القدس خصوصاً در کسانی که ساکن است ایجاد انگیزه برای راستی می‌نماید و شخص را به وقت ضرورت بلند کرده و بر می‌انگیزاند.

نتیجه‌گیری:

با توجّه به خصوصیات روح‌القدس، نتیجه گرفته می‌شود که حضور روح‌القدس تا چه حد در زندگی هر فرد مسیحی ضروری و لازم است؛ به حدی که اگر کسی این را درک کند خواهد فهمید که داشتن و بودن با آن از قوت روزانه و خواب شبانه نیز برای یک شخص واجب‌تر، بلکه حیاتی‌تر است.

همچنین روح القدس دارای شخصیّتی فوق العاده نجیب، مهربان، بخشنده، قابل اطمینان، قدرتمند، هنرمندی بی نظیر، دانای کل، تا به نهایت وفادار، حلیم و بردبار، بی ادّعا، و دوست داشتنی ترین وجود هستی است، که هیچ وقت در رفاقت تنها نمی گذارد. محبّت روح القدس تا به حدی است که فقط شامل حال تعمید یافتگان در او نمی شود، بلکه در خیلی مواقع برای سایر ایمانداران و حتّی بی ایمانان نیز دیده شده است.

هرگز فراموش نکنید وقتی از روح القدس صحبت می کنید با چیزی مانند یک انرژی طرف نیستید! بلکه با وجود مقدّس روحانی خدا که تعیین کننده هویت و انتهای کار شما است.

تعمید روح القدس چیست؟:

پیش‌تر گفته شد که تعمید از مصدر "عمد" به معنی: قصد کردن کاری، به عمد کاری کردن، آگاهانه عملی انجام دادن، است. لذا وقتی گفته می‌شود که شخصی تعمید گرفته، به آن معنی است که او عمداً و آگاهانه اقدام به انجام عملی نموده و در قبال آن عمل، هیچ زور و اجباری بر او نبوده. آن عمل با تمام دل و خواست شخص صورت گرفته است.

عبارت تعمید در ارتباط با روح القدس همین مفهوم را در ارتباط با انجام عملی به عمد و خود خواسته از سوی روح القدس دارد. یعنی این عمل عمدی به میل و اراده یک شخص انجام نمی‌گیرد، بلکه با اراده و خواست روح القدس به وقوع می‌پیوندد.

پس چنان چه در تعمید آب این شخص ایماندار است که به مرگ و قیام خداوند عیسی مسیح اقرار می‌کند و با تعمید آب، در حقیقت خود را به او می‌سپارد؛ در تعمید روح القدس، این روح القدس است که به پذیرفته شدن شخص از سوی خداوند برای تمام وعده‌ها شهادت می‌دهد و با سکونت در او، وی را برای حیات ابدی در خداوند مهر می‌کند.

قطعاً مهم‌ترین تعمید در زندگی هر فرد مسیحی آن است که روح القدس او را تعمید دهد. شخص را چه سودی است اگر ده‌ها بار تعمید آب بگیرد، ولی روح القدس او را تعمید نداده باشد؟ تعمید روح القدس ضامن پذیرفته شدن برای حیات ابدی است زیرا مهر تأیید خداوند می‌باشد.

احساس ماوراءالطبیعه در تعمید روح القدس:

با آن چه از بسیاری ایمانداران دیده و شنیده می شود به جرأت می توان گفت تقریباً اکثر قریب به اتفاق از چگونگی وقوع تعمید روح القدس خبر ندارند. خلیها مسحها و نوازشهای روح القدس را با تعمید اشتباه می گیرند و خیل عظیمی نیز از تعمید روح، با تعاریف و شهادتهای کاملاً بی ربط در تفکری اشتباه، روزگار می گذرانند.

باید بدانید، به همان گونه که یک شخص در تعمید آب تأثیر آب بر بدن خود را تجربه و حس می کند، در تعمید روح القدس نیز دقیقاً به همین شکل خواهد بود و می بایست تأثیر روح القدس در وجود خود را احساس کند.

همان گونه که در تعمید آب، یک شخص تحت فشار آب کمی حس خفگی به او دست می دهد؛ در تعمید روح القدس نیز شخص دچار چنین فشاری خواهد شد.

تعمید روح القدس به مراتب یک امری عجیب تر و قوی تر از تعمید آب است به حدی که محال ممکن است کسی آن را احساس نکند. این یک امر کاملاً ماوراءالطبیعه و خاص است، پس اگر به شما بگویند امکان دارد روح بیاید و کسی را تعمید بدهد و او در آن لحظه متوجه نشود، این یک دروغ بزرگ است.

خوب است به اولین تعمید روح در تاریخ کلیسا دقت کنید: «و چون روز پنطیکاست رسید، به یک دل در یک جا بودند.^۲ که ناگاه آوازی چون صدای وزیدن باد شدید از آسمان آمد و تمام آن خانه را که در آن جا نشسته بودند پر ساخت.^۳ و زبانهای منقسم شده، مثل زبانهای آتش بدیشان ظاهر گشته، بر هر یکی از ایشان قرار گرفت.^۴ و همه از روح القدس پر گشته به زبانهای مختلف، به نوعی که روح بدیشان قدرت تلفظ بخشید، به سخن گفتن شروع کردند» (اعمال رسولان ۲: ۱ - ۴).

این تعمید روح القدس بود، کاملاً آشکار و محسوس، باد شدید با صدای بلند که نشانه حضور ستون ابر بود بر هر یک از حاضرین قرار گرفت و همه به یک شکل تعمید یافتند؛ تعمید روح نشانه‌ای دیگر نیز از خود در جان ایمانداران قرار داد و همه با دریافت عطیه‌ای به زبانهای مختلف دنیا شروع به صحبت کردند، زبانهایی که تا آن لحظه قادر به تکلم بدانها نبودند.

محال ممکن است کسی تعمید روح بگیرد و چنین عطیه‌ای بزرگ و عجیب از روح القدس دریافت نکند. در خانه کرنیلیوس هم، چنین اتفاقی افتاد، به شکلی کاملاً مشابه و به طوری که حاضرین آن مکان متوجه این اتفاق شدند: «^{۴۴}این سخنان هنوز بر زبان پطرس بود که روح القدس بر همه آنانی که کلام را شنیدند، نازل شد.^{۴۵} و مؤمنان از اهل ختنه که همراه پطرس آمده بودند، در حیرت افتادند از آن که بر امتهای نیز عطای روح القدس افاضه شد،^{۴۶} زیرا که ایشان را شنیدند که به زبانها متکلم شده، خدا را تمجید می کردند.^{۴۷} آنگاه پطرس گفت، آیا کسی می‌تواند آب را منع کند، برای تعمید دادن اینانی که روح القدس را چون ما نیز یافته‌اند» (اعمال رسولان ۱۰ : ۴۴ - ۴۷).

امروزه نیز روح القدس همانی هست که از ابتدا بوده، او تغییر نمی‌کند، شیوه او از ابتدا مشخص و آشکار بوده، پس اگر در میان جمعی به ناگهان کسی بلند شود و بگوید من الآن تعمید روح القدس گرفتم، ولی هیچ شهادت صحیحی از تعمید روح نداشته باشد و حاضرین در آن مکان نیز شاهد امری عجیب در آن لحظه نشده باشند، باور نکنید.

روح القدس اگر در جمع اقدام به تعمید دادن کسی بکند، پس می‌خواهد شهادتی در جمع بر جای بماند پس در جمع این امر را بر حاضرین آشکار می‌کند. البته در اکثر مواقع تعمید روح کاملاً شخصی و در خلوت شخص با خداوند اتفاق می‌افتد که آن نیز چگونگی خاص خود را دارد، اما آن چه مسجل است، تعمید روح القدس یک اتفاق کاملاً محسوس و عجیب و ماوراءالطبیعه است که با قوت و عطیه‌ای برای شخص تعمید گیرنده همراه است، یعنی تغییر بزرگی در شخص ایجاد می‌گردد.

شکلهای تعمید روح القدس:

پیش از این که به طُرُق مختلف تعمید روح القدس بپردازیم، برای درک بهتر شکلهای تعمید روح، لازم است تا ابتدا به بزرگ‌ترین نمونه‌ای از تعمید روح در عهد عتیق که به عنوان سایه‌ای از آن چه می‌بایست در عهد جدید اتفاق بیفتد، نگاهی بیاندازیم.

یک نکته مهم را این جا به یاد داشته باشید، آن چه می‌خوانید اعلام تعمید روح القدس در عهد عتیق نیست، به هیچ وجه، زیرا در عهد عتیق هنوز روح القدس افاضه نشده بود و تعمید روحی وجود نداشت، یا به عبارتی روح القدس در وجود هیچ شخصی ساکن نمی‌شد بلکه بر بعضیها قرار می‌گرفت و آنان را به کاری وا می‌داشت، ولی به اندرون شخصی داخل نمی‌شد که بتوان گفت تعمید روح صورت گرفته.

برای آن که روح القدس در وجود شخصی ساکن شود، آن شخص ابتدا باید تقدیس و از گناه به طور کامل گرفته شود. در عهد عتیق هنوز همه در گناه سرشته شده بودند تا زمانی که خداوند عیسی مسیح آمد و به عنوان منجی و برّه بی‌عیب خدا، گناه را از جهان برداشت، و سپس با قیام و صعود به آسمان و فرستادن روح القدس برای کلیسا، از روز پنطیکاست، روح القدس شروع نمود به سکونت در جان مقدّسین و تعمید دادن آنان به دو شکل خاص خود.

باید این را بدانید که روح القدس فقط به دو شکل تعمید می‌دهد و اشکال مختلف دیگری به هیچ وجه ندارد. این دو شکل در عهد عتیق به عنوان سایه‌ای از آن چه می‌بایست در عهد جدید به وقوع بپیوندد به طور برجسته نشان داده شده بود. که از پنطیکاست تا به امروز به همین گونه ادامه دارد.

به کتاب خروج باب ۱۳ نگاه کنید: «^{۱۷} و واقع شد که چون فرعون قوم را رها کرده بود، خدا ایشان را از راه زمین فلسطینیان رهبری نکرد، هر چند آن نزدیک‌تر بود. زیرا خدا گفت: مبدا که چون قوم جنگ بینند، پشیمان شوند و به مصر برگردند.^{۱۸} اما خدا قوم را از

راه صحرای دریای قلزم دور گردانید. پس بنی اسرائیل مسلح شده، از زمین مصر برآمدند.^{۱۹} و موسی استخوانهای یوسف را با خود برداشت، زیرا که او بنی اسرائیل را قسم سخت داده، گفته بود: هر آینه خدا از شما تفقد خواهد نمود و استخوانهای مرا از این جا با خود خواهید برد.

^{۲۰} و از سگوت کوچ کرده، در ایلام به کنار صحرا اردو زدند.^{۲۱} و خداوند در روز، پیش روی قوم در ستون ابر می‌رفت تا راه را به ایشان دلالت کند، و شبانگاه در ستون آتش، تا ایشان را روشنایی بخشد، و روز و شب راه روند.^{۲۲} و ستون ابر را در روز و ستون آتش را در شب، از پیش روی قوم برداشت» (خروج ۱۳ : ۱۷ - ۲۲).

نکته مهم و کلیدی در آیات ۲۱ و ۲۲ نهفته است. خوب دقت کنید! «خداوند در روز، پیش روی قوم در ستون ابر می‌رفت ... و شبانگاه در ستون آتش» خداوند در ستون ابر و ستون آتش بود؛ یعنی خدا همان ستون ابر و ستون آتش بود. خدا گاهی چون ستون ابر می‌شد و گاهی چون ستون آتش.

در روز پنطیکاست و در آغاز شکل‌گیری کلیسا، در باب دوم کتاب اعمال رسولان به شهادتی از نویسنده کتاب بر می‌خورید که در ظاهر در بر گیرنده هر دو نوع این تعمیدها هست، اما حقیقت امر چیزی غیر از این برداشت است: «^۲ که ناگاه آوازی چون صدای وزیدن باد شدید از آسمان آمد و تمام آن خانه را که در آن جا نشسته بودند پر ساخت.^۳ و زبانه‌های منقسم شده، مثل زبانه‌های آتش بدیشان ظاهر گشته، بر هر یکی از ایشان قرار گرفت.»

این که می‌گوید: آوازی چون صدای وزیدن باد آمد، منظور آواز و صدای خدا است، که در حرکت و آمدن بود. و حال وقتی خدا در آن ابر ساکن باشد این شکینه خدا است. آیا می‌دانستید که در باغ عدن نیز هرگاه خداوند برای دیدن آدم و حوا می‌رفت دقیقاً به همین گونه حاضر می‌شد؟: «^۸ و آواز خداوند خدا را شنیدند که در هنگام وزیدن نسیم نهار

در باغ می‌خرامید، و آدم و زنش خویشتن را از حضور خداوند خدا در میان درختان باغ پنهان کردند» (پیدایش ۳: ۸).

این اولین طریق از تعمید روح القدس است، یعنی شخص در زیر نسیم خنک و روح افزای روح القدس در داخل شکینه ابر خداوند و در آغوش کامل خداوند فرو می‌رود. در کتاب خروج گفته شده که خداوند در روز و بر بالای سر قوم برگزیده و فرا خوانده شده خود برای ورود به سرزمین وعده حرکت می‌کرد و آنان را از آزار و گرمای شدید آفتاب محافظت می‌نمود و آنان را به سمت سرزمین وعده هدایت می‌کرد. این نمادی از تعمید روح القدس با شکینه ابر و به شکل نسیم خنکی که بر تمام بدن احاطه دارد است.

و دیگر چه اتفاقی افتاد، در کتاب خروج شکل دوم تعمید را نیز می‌بینید: «و شبانگاه در ستون آتش، تا ایشان را روشنایی بخشید.» وقتی که شب می‌شد خداوند در ستون آتش بر بالای سر قوم برگزیده و فرا خوانده شده خود قرار می‌گرفت، تا هم نور و روشنایی باشد برای حرکت قوم در میان شب تاریک بیابان به سمت سرزمین وعده و هم این که آنان را از سرمای شدید بیابان، گرمی بخشیده و محافظت کند.

بگذارید یک حقیقت جالب در خصوص اتفاقی که در روز پنطیکاست افتاد را برایتان آشکار کنم. در روز پنطیکاست تمام آن صد و بیست نفری که در بالاخانه بودند با آتش تعمید نیافتند، کلام چنین نمی‌گوید. به کلام خوب دقت کنید!

«که ناگاه آوازی چون صدای وزیدن باد شدید از آسمان آمد و تمام آن خانه را که در آن جا نشسته بودند پر ساخت.^۳ و زبانه‌های منقسم شده، مثل زبانه‌های آتش بدیشان ظاهر گشته، بر هر یکی از ایشان قرار گرفت.» چه شد؟ آیه دوم دارد کاملاً به روح اشاره می‌کند، از آن جایی که می‌گوید "صدای وزیدن باد". علت ایجاد باد، ابرها هستند و این وزش باد حاصل شکینه‌ای است که روح القدس با آن همراه است؛ هیچ سخنی از ستون آتش نشده.

و در آیه سوم فقط می‌خوانید "مثل زبانه‌های آتش". نه خود آتش یا زبانه آتش! مثل، مانند. مثل و مانند خود آن چیز نیست بلکه به گونه آن چیز است. مثلاً در کنار رود اردن، وقتی که خداوند عیسی مسیح برای گرفتن تعمید از یحیی تعمید دهنده به نزد او رفت، وقتی از آب بیرون آمد روح القدس مانند کبوتری بر او قرار گرفت. به این آیات خوب دقت کنید.

«و واقع شد در آن ایام که عیسی از ناصره جلیل آمده در اُردن از یحیی تعمید یافت.^{۱۰} و چون از آب برآمد، در ساعت آسمان را شکافته دید و روح را که مانند کبوتری بر وی نازل می‌شود» (مرقس ۱ : ۹ - ۱۰). کتاب به وضوح می‌گوید روح مانند کبوتری؛ روح القدس هرگز به شباهت یک حیوان یا در جسم یک حیوان داخل نمی‌شود؛ اوه! این امکان ندارد. روح مانند، مثل، نظیر، یک کبوتر؛ یعنی دیدنی در حالی که مانند یک کبوتر بال بال می‌زد تا توجه همگان را جلب کند بر روی خداوند عیسی مسیح قرار گرفت.

چرا؟ زیرا همه باید شاهد یک سخن از آسمان می‌بودند که خدا در حق مسیح فرمود: «^{۱۱} و آوازی از آسمان در رسید که تو پسر حبیب من هستی که از تو خشنودم» (مرقس ۱ : ۱۱). این کبوتری نبود که روح القدس در او قرار گرفته و بر مسیح نشست، بلکه روح القدس در شکینه کوچکی مثل کبوتر بال‌زنان بر مسیح قرار گرفت. خوشبختانه در دوره حاضر خداوند اجازه داده تا دقیقاً نظیر این صحنه در دنیا چندین بار اتفاق بیفتد و حتی اجازه فرمود از این صحنه فیلم برداری شود، که خود من سه بار شاهد دیدن این صحنه بودم.

حال در پنطیکاست دقیقاً چه اتفاقی افتاد؟ اگر یک آتش بزرگی را برافروزد و آن آتش شعله بکشد چه خواهد شد؟ انتهای آتش تبدیل به زبانه‌های کوچکی خواهد شد که به اطراف پرتاب می‌شود. اما در روز پنطیکاست ستون آتش نبود مانند آن چه موسی در بیابان دید و خداوند از میان آتش با او صحبت کرد. نخیر.

اگر خوب به آیات دقت کنید خداوند در شکینه ابر و با صدا و وزش باد داخل شد. این یعنی قرار است یک تعمید روح حادث بشود، اما نه با آتش. و چه شد؟ شکینه خداوند که داخل آن مکان شد و همه آن مکان را پر کرد، مانند زبانه‌های آتش منقسم و تکه تکه شد و بر هر یک قرار گرفت و آنان را در بر گرفت. در روز پنتیکاست همه به روح تعمید یافتند.

حال اگر به فضای حاکم در آن زمان، یعنی ترس از دستگیری و کشته شدن دقت کنید، مسلماً باید آن جا نمی ماندند، اما آنان با این وجود در آن مکان ماندند؛ و نیز به اوج ایمان بزرگی که در آنان وجود داشت تا به حدی که روزها در آن خانه حسب اطاعت از فرمان خداوند ماندند توجه کنید؛ و همچنین به شناخت بسیار عمیق و روشن و کامل آنان از ایمان به مسیح و کتب مقدس توجه داشته باشید؛ قطعاً همه آن جمع می بایست به روح تعمید می یافتند، زیرا مسیح را با تمام فهم و ایمان شناخته بودند و به او ایمان آورده بودند.

آن چه در خصوص تعمید روح القدس از عهد عتیق نشان داده شده بود و در پنتیکاست محقق شد و تا به امروز ادامه دارد، کاملاً گویای این است که تعمید روح القدس فقط به دو شکل: ۱- تعمید به روح (خنکی نسیم باد و فرو رفتن در شکینه خدا)؛ و ۲- تعمید به آتش (گرمای شدید و فرو رفتن در آتش خداوند) است.

در هر دو طریق این تعمیدها خود روح القدس حضور دارد فقط نحوه تعمیدش متفاوت است که کمی جلوتر در خصوص علت تفاوت این دو شکل برای ایمانداران کاملاً توضیح داده خواهد شد.

اما بدانید هیچ طریق دیگری وجود ندارد. هر شهادت دیگری کذب و یا توهّم خواهد بود. در طول خدمتم شهادت‌های عجیب بسیاری شنیدم. مثلاً شهادت بعضیها را می شنیدم که می گفتند: در دعا بودم که دیدم یک کبوتر آمد روی لبه پنجره نشست و به

من نگاه می‌کرد، پس من تعمید روح را گرفتم؛ مانند وقتی که مسیح از یحیی تعمید دهنده تعمید آب گرفته بود و روح القدس مانند کبوتری بر او قرار گرفت! او! این یک توهّم بزرگ و آموزه غلط است! آن جا روح القدس بود که مانند کبوتر بر مسیح قرار گرفت ولی در این قبیل شهادت یک کبوتر یعنی یک حیوان را دستاویز روح القدس می‌کنند. و از سوی دیگر از این قبیل کبوترها دائماً در هر سویی دارند گشت و گذر می‌کنند و بر هر جایی می‌نشینند.

همچنین بعضیها شهادت می‌دادند که مثلاً، در خواب یک صلیب را دیدیم که نور می‌داد و فکر می‌کردند تعمید روح را گرفتند! اولاً تعمید روح در بیداری کامل اتفاق می‌افتد نه در خواب یا رؤیا، و دوماً در این قبیل اتفاقات هیچ نشانی از حضور روح القدس نیست، و سوماً این قبیل شهادت به هیچ وجه کتاب مقدّسی نیست و شهادتی موثق از این نوع تعمید، در کتاب مقدّس وجود ندارد.

اگر بخواهیم به شهادت بسیار عجیبی که خیلی از ایمانداران در خصوص تعمید روح داده‌اند بپردازیم و آنان را آشکارسازی کنیم، خودش کتابی طولانی و تخیلی خواهد شد که هیچ لزومی ندارد. پس وقتی حقیقت را پیش روی دارید، از حقیقت منحرف نشوید که در موهومات غرق خواهید شد.

درک فیزیکی از تعمید روح القدس:

همیشه در کلیسا و از سوی ایمانداران، شهادت زیادی شنیدم که آن را به تعمید روح القدس مربوط می‌کردند. آن چه برایم بسیار جالب بود، این بوده که وقتی کلیسایی با روح القدس آشنا می‌شد، سریعاً همگان شروع می‌کردند به دادن شهادتی مبنی بر این که جایی از اعضای بدنشان داغ شده و منتظر این بودند تا تأییدی مبنی بر تعمید روح القدس را بشنوند.

اما واقعیت این بوده که بیش از ۹۹ درصد این شهادت مربوط به لمس و نوازش روح القدس بوده و هیچ ربطی به تعمید روح القدس نداشته. یعنی آن قدر که در خصوص لمسهای روح، شهادت هست، متأسفانه در خصوص تعمید روح وجود ندارد. در هر صورت، مهم است تا هر شخصی بداند که در هنگام تعمید روح القدس در چگونه وضعیتی قرار می گیرد.

بگذارید با کنار هم قرار دادن دو نوع تعمید آب و تعمید روح القدس که گویای یک امر جسمانی و روحانی در یک راستا است را بهتر توضیح دهیم.

در تعمید آب چه اتفاقی می افتد؟:

۱. شخص از آب خیس می شود؛
۲. کاملاً تمام وجودش در آب فرو می رود و تحت فشار آب قرار می گیرد؛
۳. اگر کسی دهانش را باز کند آب به داخل بدنش وارد می شود؛
۴. وقتی شخص در آب غرق شود، پس از آن دیگر یک جسد در این دنیا و یک زندگی در جهان دیگر خواهد داشت؛
۵. کاملاً و شدیداً شخص یک اتفاق مهم و بزرگ را احساس و تجربه می کند؛

در تعمید روح القدس چه اتفاقی می افتد؟:

۱. شخص تحت تأثیر روح (شکینه) که با نسیم باد همراه است و یا ستون سوزان آتش تجربه خواهد شد؛
۲. کاملاً و تمام وجود بیرونی شخص مانند فرو رفتن در آب تحت فشار شکینه یا آتش قرار خواهد گرفت؛

۳. روح از طریق دهان و بینی و گوشها و هر مجرای دیگری به تمام اندرون و احشای شخص وارد شده و مانند سطح بیرونی بدن، اندرون او نیز شدیداً تحت تأثیر قرار می‌گیرد، چه روح باشد چه آتش؛
۴. شخص حقیقتاً در روح غرق می‌گردد یعنی سریعاً از طبیعت گذشته خود می‌میرد و تبدیل به شخصی دیگر می‌شود؛
۵. کاملاً و شدیداً شخص یک اتفاق مهم و بزرگ را احساس و تجربه می‌کند؛

فرقی نمی‌کند که کسی به روح تعمید ببیند یا به آتش، تمام درک فیزیکی او باید دقیقاً این گونه باشد تا مسجل شود او تعمید روح القدس را یافته یا تنها با لمسی از روح القدس مواجه شده.

یک لمس و نوازش روح می‌تواند بسیار ساده و موضعی باشد، تا به حدی که شخص چندان احساسی نکند یا حتی به فراموشی بسپارد؛ اما تعمید روح القدس به گونه‌ای است که شخص قطعاً و قویاً احساس خواهد کرد و هرگز فراموش نخواهد کرد.

در لمسها شخص تغییر شخصیتی نمی‌یابد و لزوماً عطیه‌ای دریافت نمی‌کند، اما در تعمید روح القدس شخص بدون شک تغییر کرده و لزوماً عطیه‌ای نیز دریافت می‌کند.

در تعمید روح اگر با آتش باشد، شخص با آن چنان آتش شدیدی مواجه می‌شود که از بیرون تا به اندرونش را می‌سوزاند، اما این آتش به هیچ وجه در او ایجاد عیب و بیماری نمی‌کند بلکه هر بیماری را از او خارج می‌کند حتی بیماریهای مادرزادی و ارثی. پس اگر کسی در بستر بیماری بدنش داغ شد و طاول زد، آن را به تعمید روح القدس نسبت ندهد، که متأسفانه شاهد چنین شهادتی بودم و با تأسف بسیار، کشیشی نیز این اتفاق را به تعمید روح القدس نسبت داده بود.

روح القدس هرگز به شخص صدمه و آزار نمی‌رساند و یا او را به اطراف نمی‌کوبد، پس اگر کسی بگوید روح مرا بلند کرد و محکم به روی صندلی یا مبل کوبید، قطعاً یک دیو بوده نه روح القدس.

در تعمید روح القدس تمام وجود از بیرون تا به اندرون به تمامی درگیر خواهد شد، دقیقاً مانند یک غریق در آب، پس اگر کسی شهادتی دهد که مثلاً معده‌اش شدیداً گرم و داغ شده، یا مثلاً پیشانی‌اش شدیداً داغ شده، این به هیچ وجه تعمید روح القدس نیست.

دو نوع تعمید روح القدس:

تعمید روح القدس به دو نوع می‌باشد. یحیی تعمید دهنده به این دو نوع تعمید، با آمدن خداوند عیسی مسیح اشاره کرده بود. حتی به گونه‌ای این را بیان کرده که این خود عیسی است که تعمید روح القدس می‌دهد؛ یعنی به نوعی داشت می‌گفت وقتی که خداوند عیسی به صورت روح القدس به زمین بازگشت کند به این دو نوع تعمید خواهد داد: «^{۱۶} یحیی به همه متوجه شده گفت، من شما را به آب تعمید می‌دهم، لیکن شخصی توانا تر از من می‌آید که لیاقت آن ندارم که بند نعلین او را باز کنم. او شما را به روح القدس و آتش تعمید خواهد داد» (لوقا ۳ : ۱۶). این آیه نیز به یکی بودن و ظهور پدر در پسر یگانه خود عیسی و سپس ظهور همان خدا در روح القدس اشاره دارد.

یک پرسشی که همیشه مد نظر بسیاری بوده این است که چرا بعضیها به آتش تعمید می‌گیرند و بعضیها هم به روح (شکینه)؛ این یک پرسش جالب و درخور تعمق است. دو نوع تعمید روح علتی جالب و کاملاً موجه دارد.

اساساً روح القدس در ارتباط با انسانها، با دو دیدگاه متفاوت نگاه و با آنان ارتباط برقرار می‌کند. این دو دیدگاه یا به عبارت صحیح‌تر دو روش، فقط معطوف به تعمید روح القدس نیست بلکه به چگونگی لمسها، نوازشها و مسحهای روح القدس نیز مربوط می‌باشد.

قبل از شروع به تشریح علّت این دو طریق، بگذارید یک نکته بسیار جالب و مهم را به شما بگویم که فکر کنم اکثر ایمانداران نیز به این واقف هستند؛ تا اکنون از هر کس شهاداتی در خصوص ارتباط با روح القدس شنیدم، اکثر قریب به اتفاق اذعان داشتند که با آتش لمس و تجربه می‌شوند و تا کنون تعداد بسیار معدودی که به اندازه انگشتان یک دست هم نمی‌شدند به من شهادت دادند که تجربه لمس روح (شکینه) را داشته‌اند.

چرا؟ چرا روح القدس بین اشخاص فرق می‌گذارد؟ علّت این تفاوت چیست؟ چرا بیشتر به آتش لمس می‌شوند نه به روح؟ برای پیدا کردن علّت این دو شکل از تعمید روح باز باید سری به کتاب خروج بزنید.

در باب ۱۳ کتاب خروج علّت تغییر جایگاه خداوند از ستون ابر (شکینه) به ستون آتش آشکار شده است: «^{۲۱} و خداوند در روز، پیش روی قوم در ستون ابر می‌رفت تا راه را به ایشان دلالت کند، و شبانگاه در ستون آتش، تا ایشان را روشنایی بخشد، و روز و شب راه روند.^{۲۲} و ستون ابر را در روز و ستون آتش را در شب، از پیش روی قوم برداشت» (خروج ۱۳: ۲۱ - ۲۲).

خدا در روز در ستون ابر و در شب در ستون آتش بود. با دقت در این قسمت از کتاب مقدس دو آموزه مهم در این خصوص آشکار می‌شود.

آموزه اول: در هر دو شکل ستون ابر و ستون آتش، حضور مستقیم خدا بود؛ پس در صدور هر چیزی از سوی خدا هیچ تفاوتی نبایست باشد، چون خدا واحد و تغییرناپذیر است. می‌بینید که خدا در هر دو صورت حضور خود قصد داشت تا برای قوم امکان حرکت

را فراهم کند و از سختی شرایط محیط محفوظشان بدارد. در هر دو طریق خود خدا فراهم کننده است، لذا در تعمید برای ملکوت هیچ تفاوتی بین تعمید یافتگان در روح و آتش نیست. حتی در لمسهای خدا به جهت نوازش و ... هیچ جای تفاوتی بین اشخاص نیست، مهم همان تعمید و لمس خداوند است که جریان دارد.

آموزه دوم: اما این تغییر جایگاه خداوند در ستون ابر و ستون آتش می‌بایست مربوط به موضوعی دیگر باشد. پس اگر مربوط به خداوند نیست قطعاً مربوط به شخص است. با تعمق بیشتر در این خصوص راز دو شکل تعمید روح آشکار می‌گردد.

به شرایطی که روز و شب برای یک شخص به وجود می‌آورد خوب دقت کنید!

در روز شخص تا دوردست را می‌بیند لذا با آگاهی و دانایی کامل تا به انتهای مسیر، وارد راه می‌شود و از پیش می‌داند چه چیزهایی در مسیر راه او قرار دارد و اگر هم بخواهد جلوتر از ستون ابر حرکت کند، هر چند مشقت خواهد کشید اما از مسیر منحرف نخواهد شد و بهترین راه تا به مقصد را انتخاب خواهد کرد.

اما در شب شخص بیش از چند متر جلوتر را نمی‌بیند و هیچ دانایی و آگاهی از تمام مسیر ندارد و نمی‌تواند تا انتهای راه را ببیند لذا اگر بخواهد خودسرانه جلوتر از ستون آتش و با خیال خودش حرکت کند، در انتخاب بهترین مسیر راه و شرایط حرکت دچار سردرگمی و مشکل خواهد شد، حتی برای او امکان انحراف از مسیر و سقوط هم وجود دارد.

به زبان واضح‌تر: آن که با روح (شکینه) تعمید می‌گردد، با فهم و آگاهی کامل از تمام آن چه باید بداند، به خداوند عیسی مسیح ایمان آورده و مانند کسی که در روشنایی روز همه شرایط سخت و مسیر راه را تا به انتها می‌بیند و می‌داند و با ایمانی کاملاً آگاهانه و محکم و راسخ در مسیر راه قدم برداشته است. و ایضاً هست برای کسانی که با روح لمس می‌گردند.

و آن که با آتش تعمید می‌گردد، با درک از حقیقت وجودی خدا و آن چه در آن مقطع و شرایط درک کرده، به خداوند عیسی مسیح ایمان آورده و مانند کسی که در شب راه می‌رود و هیچ دور نمایی از جلوتر و آینده ندارد و نمی‌داند که چه سختیها و لغزشهایی در مسیر راهش هست و بدون دانایی و آگاهی راه می‌پیماید.

چنین شخصی، تنها ایمانش به خداوند است که در ستون آتش و راهنمای او در آن شرایط می‌باشد. او نمی‌تواند برای مسیر راهش تصمیم بگیرد و از زیر ستون آتش خارج شده و جلوتر برود چون تنها برای او مشقت و سختی نخواهد بود، بلکه خطر انحراف و حتی سقوط نیز می‌باشد. و ایضاً هست برای کسانی که با ستون آتش لمس می‌گردند.

روح القدس با توجه به این خصوصیات در اشخاص آنها را به یکی از این دو شکل تعمید داده و لمس می‌کند و به این گونه بر روی اشخاص نشانی خاص می‌گذارد. این نشانه‌گذاری قطعاً برای راهنمایی کلیسا می‌باشد، تا با توجه به شکل تعمید و لمسهای ایمانداران متوجه یک موضوع بسیار مهم باشند.

پیش از این که به موضوع علت نشانه‌گذاری روح القدس به این دو طریق بپردازیم لازم است این جا یک تعلیم کاملاً اشتباه که در نزد بعضی از کلیساهای هست را اصلاح کنیم.

بعضی از کلیساهای، خصوصاً کلیساهای پیغامی، تعلیم می‌دهند که علت تعمید و لمس با آتش در عصر حاضر، به علت آن است که در عصر لائودکیه قرار داریم. و چون این عصر در تاریکی و به نوعی شب قرار دارد پس روح القدس، با آتش تعمید می‌دهد و لمس می‌کند.

نه! این کاملاً اشتباه است. دلایل زیادی می‌شود آورد که این تعلیم را مردود و باطل می‌سازد:

۱. دوره لائودکیه به هیچ وجه سیاه‌ترین و تاریک‌ترین دوره در میان دوره‌های کلیسا نیست؛
 ۲. دوره‌های پیشین حتی تاریک‌تر از دوره حاضر بودند مانند دوره‌های ساردیس به قبل و خصوصاً عصر رنسانس که کلیساها در گمراهی و تاریکی مطلق بودند؛
 ۳. تمام دوره‌های هفت‌گانه کلیسا به نوعی در تاریکی و حتی در انحرافات پایه‌ای و بنیادی بودند، حتی در دوره اول که رسولان خداوند عیسی مسیح نیز بودند، گرایشهای انحرافی داشت نمودار می‌شد؛
 ۴. حسب ادعای این معلّمین اگر دوره اول در سفیدی بوده پس می‌بایست همه به روح (شکینه) تعمید می‌گرفتند و حال آن که خود کلام شهادت می‌دهد که اکثریت در آن عصر بر آنان زبانه‌های آتش قرار می‌گرفت.
 ۵. و حسب ادعای این معلّمین اگر دوره آخر یعنی عصر حاضر (لائودکیه) در سیاهی مطلق است پس باید همه با آتش تعمید بگیرند، در صورتی که ما شهادتهای کاملاً زنده و موثق بر تعمید به روح داریم.
 ۶. ولی از همه این دلایل مهم‌تر این که، چیزی به نام دوره‌های کلیسا، حقیقت کتاب مقدسی ندارد و حاصل یک برداشت اشتباه است، کتاب مکاشفه از هفت کلیسایی نام می‌برد که هم زمان در آسیا وجود داشتند و یوحنا می‌بایست برای آنان نامه می‌فرستاد. این به هیچ وجه نشان از تقسیم شدن تاریخ کلیسا به هفت دوره نیست.
- به یاد داشته باشید، تعمید روح یک امر کاملاً و ۱۰۰٪ شخصی است، و هیچ ربطی به کلیسایی، یا شهر و کشوری، و یا دوره و زمانی ندارد. و چون یک امر کاملاً شخصی است پس روشنایی و سیاهی در درون افکار و اندیشه‌های شخص است که وضعیت او را روشن می‌کند.

خداوند عیسی مسیح می‌فرماید: «^{۲۲} چراغ بدن چشم است؛ پس هرگاه چشمت بسیط باشد تمام بدنت روشن بُود؛ ^{۲۳} اما اگر چشم تو فاسد است، تمام جسدت تاریک می‌باشد. پس اگر نوری که در تو است ظلمت باشد، چه ظلمت عظیمی است» (متی ۶ : ۲۲ - ۲۳)!

این فکر و دانایی انسان است که به وجود او روشنی یا تاریکی می‌بخشد و او را در یکی از این دو جایگاه قرار می‌دهد. و همان گونه که پولس رسول می‌فرماید: «^{۲۶} و همچنین روح نیز ضعف ما را مدد می‌کند، ... ^{۲۷} و او که تفحص‌کننده دلها است، فکر روح را می‌داند ...» (رومیان ۸ : ۲۶ - ۲۷). بله، وقتی روح القدس بر کسی بیاید به روز و شب و محیط اطراف و جمعیت حاضر نگاه نمی‌کند بلکه او تفحص‌کننده دل آن شخص است، و حسب روشنائی و تاریکی در پیش دیده‌ی شخص برگزیده که آیا شب رو است یا در روشنائی، با او به همان طریقی که مناسب او است رفتار می‌کند.

علت دو نوع تعمید روح القدس:

چرا روح القدس به دو طریق تعمید می‌دهد و به این دو طریق بر روی ایمانداران نشانه می‌گذارد؟ حیفم آمد تا از این راز در زمان آخر مطلع نگردید، زیرا در عصری قرار داریم که آن مدعی برادران با نشانه‌ها و آیات عجیب ظهور خواهد کرد و بسیاری را گمراه خواهد ساخت.

حتماً دانستن این موضوع می‌تواند در تمیز دادن بعضی مسائل به ایمانداران تا حدودی کمک کند، که به گمراهی نیفتند. پس با دقت تمام و بدون جبهه‌گیری خوب به ادامه سخن توجه کنید!

کسانی که با آتش تعمید می‌گیرند مانند کسانی هستند که در شب راه می‌روند. این افراد باید در زیر ستون آتش حرکت کنند و از آن جایی که هیچ دور نما و آگاهی فراتر از زیر نور و روشنایی ستون آتش ندارند، نمی‌توانند و نباید جلوتر از ستون آتش بروند؛ به عبارتی واضح‌تر این افراد نباید فکری فراتر از آن چه در آن قرار دارند بکنند و به عمل برسانند زیرا در گمراهی و انحراف خواهند افتاد.

وقتی روح القدس کسی را با ستون آتش تعمید می‌دهد یا او را لمس می‌کند در اصل این وجه او را مشخص می‌کند. چنین اشخاصی در تمام زندگی مسیحی خود باید مطیع خدای که خدمت‌های کهناتی دارند باشند، کسانی مانند رسولان، انبیاء، شبانان و معلمین در کلیسا. این اشخاص نیاز به رهبری دارند و نمی‌توانند به بهانه داشتن تعمید روح القدس از خود اجتهادی صادر کنند.

روح القدس هیچگاه کسانی را که به آتش تعمید می‌دهد، در خدمتی کهناتی نمی‌گمارد، زیرا اینان برای حرکت تا به مقصد نهایی، خودشان نیازمند هدایت شدن هستند. و آنانی را هم که با آتش لمس می‌کند، در حقیقت نشان می‌دهد که او یک عضو کلیسایی است که مورد لطف روح القدس قرار گرفته.

پس کسانی که به آتش تعمید می‌گیرند قطعاً نمی‌توانند از سوی خداوند در خدمت‌های کهناتی قرار بگیرند. از آن جایی که خداوند آنها را از ابتدا می‌داند پس امکان این که در آینده کسی تغییر وضعیت دهد، وجود ندارد، و بر همین اساس است که روح موضع خود را از ابتدا در قبال اشخاص نشان می‌دهد و با شنیدن شهادت‌های تعمید و لمس‌های روح القدس نیز می‌توان جایگاه اشخاص را تشخیص داد.

حال کسانی که با روح تعمید می‌گیرند مانند کسانی هستند که در روز راه می‌روند. این اشخاص علاوه بر این که زیر شکنه ابر حرکت می‌کنند، به خاطر روشنی ضمیر درونی و دانایی و فهم کاملی که نسبت به شناخت خداوند و اراده او دارند، می‌توانند تا به انتهای

مقصد را ببینند و به سمت مقصد حرکت کنند و حتی عده‌ای را هم با خود همراه سازند، مانند شخصی که قدرت بینایی و تشخیص راه را از دوردستها دارد.

وقتی روح القدس کسی را با روح تعمید می‌دهد یا او را لمس می‌کند در اصل این وجه خاص‌تر او را مشخص می‌کند. روح القدس معمولاً برای خدمت‌های کهناتی از چنین اشخاصی استفاده می‌کند و با تعمید و مسح آنان به صورت روح که با باد خنکی همراه است این مهم را نشان می‌دهد. لذا از نوع تعمید و شهادت‌های کسانی که با روح مسح می‌شوند می‌توان به جایگاهشان نیز پی برد.

اگر به رسولان نگاه کنید، آنان خادمینی هستند که از خداوند اختیار دارند تا رسالتشان را به هر نحوی که می‌دانند انجام دهند، زیرا از سوی خداوند تأیید شده هستند به آن جهت که تا به انتهای مسیر را می‌شناسند و به قول پولس رسول، وکلای اسرار خداوند هستند. رسولان به روح تعمید می‌گیرند.

می‌دانید چرا هرگاه خداوند می‌خواست با آدم ملاقات کند در ستون ابر و با باد خنکی ظاهر می‌شد و هرگز از ستون آتش در کتاب اسمی برده نشده؟ زیرا آدم در باغ عدن، باغ خدا بود و بدون این که هیچ گناهی داشته باشد و نیاز به حرکت به سمت وعده‌ای داشته باشد در جایگاه نیکوی خدا قرار داشت و در روشنی روز با خداوند ملاقات می‌کرد و اراده او را می‌دانست.

او وقتی که گناه کرد نیز با چشم باز گناه کرد و از این جهت زمین به واسطه گناه او در نظر خدا ملعون شد و او با چنین آگاهی از عمل خود، عمداً خود را به گناه انداخت و به هلاکت ابلیس سپرد.

یک نکته بسیار مهم نیز لازم است تا متذکر شوم؛ تعمید به روح به آن منزله نیست که شخص وارد خدمت کهناتی شده مثلاً در زمره رسولان و ... قرار گرفته باشد؛

خیر! بلکه گویای این است چنین شخصی می‌تواند در آینده و تحت تعلیمات روح القدس در این جایگاه قرار بگیرد و مد نظر روح القدس تا رسیدن زمانی مناسب باشد.

در هر صورت این باعث لغزش کسی نگردد، هر کس که به روح القدس تعمید بگیرد پذیرفته شده برای حیات ابدی در خداوند است و نوع تعمید چیزی از این مهم کم نمی‌کند و باعث ارزش گذاری خاصی در ملکوت نمی‌شود. بلکه نوع تعمید جایگاه اشخاص را نسبت به خدمت داشتن یا نداشتن در کلیسا می‌تواند مشخص کند.

چگونه بدانیم روح القدس در ما ساکن است؟:

چگونه بدانیم روح القدس در ما ساکن است؟ این پرسش مهمی است اما متأسفانه تا کنون انگشت شماری را دیدم که واقعاً مشتاق این بودند که بدانند آیا روح القدس را دارند یا نه.

از یکی پرسیدم: آیا روح القدس را یافتی؟ جواب داد: بله. گفتم: چه طور بود؟ گفت: وقتی ایمان آوردم، خادم برایم دعا کرد و گفت ای خداوند او را از روح القدس پر کن. پس من روح القدس را گرفتم. و من از شنیدن این حرف غرق تعجب شدم!

از کسی دیگر پرسیدم: آیا روح القدس را یافتی؟ گفت: من مسیحی‌ام، روح القدس در ما ساکن است. و من از شنیدن این حرف نیز غرق تعجب شدم!

از دیگری پرسیدم: آیا روح القدس را یافتی؟ گفت: من خادم هستم (یعنی البتّه که دارم.)

از دیگری پرسیدم: آیا روح القدس را یافتی؟ گفت: من عطیّه زبان دارم و کلیسا به من گفته تو تعمید روح را داری.

از دیگری پرسیدم: آیا روح القدس را یافتی؟ گفت: بله، روح القدس من را هدایت می‌کند.

از دیگری پرسیدم: آیا روح القدس را یافتی؟ گفت: آره. پرسیدم: چه طور بود؟ گفت: من نمی‌دانم، فقط می‌دانم دارم هلوویه. اوه!

از هر کس، چه نوایمان، چه ایماندار قدیمی و چه خادمین کلیسا، که پرسیدم آیا روح القدس را یافتی؟ تقریباً همه جوابی این چنین دادند؛ و وقتی از آنانی که بسیار محکم

مدعی بودند که تعمید روح را دارند، خواستم تا شهادت لحظه تعمید خود را بگویند، هیچ چیزی برای گفتن نداشتند! و دانستم که اصلاً نمی‌دانند روح القدس چیست؟ آه!

متأسفانه به مسیحیانی که تا کنون برخورد، هیچ اشتیاقی از آنان برای دانستن و پی بردن به این که تعمید روح را دارند یا نه، نیافتم؛ و بدتر از آن هیچ اشتیاقی برای شناخت روح القدس نشان ندادند! و حال آن که روح القدس با اهمیت‌ترین داشته و گنج آسمانی برای هر فرد مسیحی است.

وقتی در باب شناخت روح القدس با بعضیها صحبت شد و فهمیدند که روح القدس کیست، و وجود او چه ضرورتی در زندگی یک مسیحی دارد، تازه به لحاظ روحی مضطرب و نگران از وضعیّت خود شدند و فرو ریختند.

مطالب این باب پاسخی است به پرسشهای مکرر این عزیزان که می‌خواهند بدانند آیا به حقیقت روح القدس را یافته‌اند یا نه در تصوّر اشتباه هستند. در ادامه به شرح جامعی از نکاتی می‌پردازیم که هر شخص با تفحص در خود و معیار قرار دادن این نکات مهم، می‌تواند دریابد که آیا روح القدس را دارد یا نه.

پیش از شروع نکات کلیدی مبنی بر حضور روح القدس در یک شخص، نظر شما را به تمام آن چه در قسمتهای پیشین و خصوصیات روح القدس گفته شده مجدداً جلب می‌کنم، زیرا مواردی از خصوصیات روح القدس نیز به نوعی تأیید کننده سکونت او در ایمانداران است.

اطاعت کامل از کلام:

کلام مقدس خدا و به عبارتی کتب مقدس بر سکونت نویسنده اصلی آن یعنی روح القدس، در یک شخص اعتراف دارد، آن گونه که یوحنا رسول به صراحت در این

خصوص اذعان می‌دارد: «^{۲۳} و هر که احکام او را نگاه دارد، در او ساکن است و او در وی؛ و از این می‌شناسیم که در ما ساکن است، یعنی از آن روح که به ما داده است» (اول یوحنا ۳: ۲۳).

حتّی در خوش خیال‌ترین حال خود باور نکنید، کسی که حتّی یک حکم از کلام خدا را رد کند، یا منقضی اعلام کند، یا به انجام نرساند، یا بی‌حرمت کند، یا مخفی کند، یا تعلیم اشتباه دهد، یا وارونه انجام دهد، و یا حتّی انجام ندهد، تعمید روح را داشته باشد و روح در او ساکن باشد. این محال ممکن است. حتّی نباید تصوّرش را کرد.

خدا با کلامش شوخی ندارد، او به منحرف کنندگان کلامش رحم نمی‌کند چه برسد در آنها ساکن شود. این موارد ذکر شده را می‌توان دشمنی با کلام خدا و روح القدس دانست و حال آن که در همه اینها، یوحنا ی رسول تنها به نگه نداشتن کلام او اشاره کرده که می‌تواند امری سهل انگارانه باشد. یعنی کسی که با سهل انگاری کلام خدا را به انجام نمی‌رساند هم روح القدس در او سکونت نخواهد کرد.

بسیار دیدم ایماندارانی را که مطلقاً اشتیاقی به خواندن کتب مقدّس ندارند و نمی‌خوانند؛ یا هرگز پرسشی از کلام خدا برایشان ایجاد نمی‌شود و نمی‌پرسند؛ و حتّی بدتر، از ترس این که مبدا چیزی از احکام خداوند بفهمند که مجبور به انجام آن بشوند، نه می‌پرسند و نه می‌گذارند دیگری چیزی در این خصوص بپرسد تا او نیز بشنود و مجبور به تکلیف شود؛ بدون شک هرگز روح القدس در چنین اشخاصی نیز سکونت نخواهد کرد و تعمید روح را ندارند؛ حتّی اگر در جایگاه خدمتی باشند.

اگر شبان یا معلّم یا هر خادمی را دیدید که جایی از کلام را اشتباه تعلیم داده و وقتی از درستی امر واقف شده، در اصلاح آن اقدام ننموده، شک نکنید که او تعمید روح را ندارد و روح القدس در او ساکن نیست، بلکه او یک خادم دروغین و بدون مسح خداوند است و باید از چنین شخصی پرهیز نمود.

خداوند عیسی مسیح در اهمیت نگاه داشتن دقیق کلام نبوتی و خطری که در دست بردن به آن است شدیداً هشدار می‌دهد: «^{۱۸} زیرا هر کس را که کلام نبوت این کتاب را بشنود، شهادت می‌دهم که اگر کسی بر آنها بیافزاید، خدا بلائی مکتوب در این کتاب را بر وی خواهد افزود.^{۱۹} و هر گاه کسی از کلام این نبوت چیزی کم کند، خدا نصیب او را از درخت حیات و از شهر مقدس و از چیزهایی که در این کتاب نوشته است، منقطع خواهد کرد» (مکاشفه ۲۲: ۱۸ - ۱۹).

خداوند با این سخن دشمنی چنین اشخاصی را با خود اعلام می‌کند، حال چگونه می‌تواند در چنین شخصی ساکن شود؟

پرسش اشخاص بسیاری است که، اطاعت کامل از کلام خدا چه طور است؟ باید گفت اطاعت از همه آن چه خداوند حکم کرده و همه آن چه که گفته از آنها نفرت و مکروه می‌دارد. روح القدس نمی‌تواند در کسی که عملی مورد نفرت یا کراهت خدا را با خود حمل می‌کند سکونت کند. به هیچ وجه.

در جلد اول و جلد دوم الوهیت، در بابهای خصوصیات خدا و خصوصیات خداوند عیسی مسیح به طور جامع به آن چیزهایی که مورد نفرت خداوند هستند اشاره گردید و توضیح داده شد. در این جا لازم است تا برگشتی به آن بابها بکنید و مجدداً بخوانید.

مثلاً وقتی می‌فرماید: «^{۲۳} و به رسوم قومهایی که من آنها را از پیش شما بیرون می‌کنم رفتار ننمایید، زیرا که جمیع این کارها را کردند پس ایشان را مکروه داشتم» (لاویان ۲۰: ۲۳). یک ایماندار مسیحی نمی‌تواند هیچ سنت و رسومی که در میان قوم خدا مرسوم نبوده و خداوند امر به آن نداده را به عمل آورد. مطلقاً نمی‌تواند. حال جشن کریسمس، یا عید نوروز یا هر عید دیگری که در کتب مقدس از آنها یاد نشده، باشد. اینها در کلام خدا وجود ندارد؛ این افزودن به کلام خدا است و بلایایی که خداوند عیسی مسیح فرموده بر شخص متخلف خواهد بود.

یا مثلاً نمی‌توان در شام آخر خداوند در شب قبل از پسخ، به جای یک تگه نان فطیر که نماد بدن مسیح است و می‌بایست بین شرکت کنندگان سر سفره پاره و تقسیم گردد، از نانهای کوچک متعدد استفاده نمود. یا به جای شراب که نماد خون مسیح است از آب میوه استفاده کرد. در کمال تعجب بسیار دیده می‌شود که آب میوه را به جای شراب در شام خداوند می‌نوشند و شراب را مکروه دارند در حالی که در شام خداوند می‌بایست حتماً شراب باشد، اما در خانه‌های خود چنین کراهتی ندارند و شراب می‌نوشند. مسیح چنین نکرد، این تغییر سنت خداوند است، این دست بردن بر حکم خداوند است.

با کمی تأمل موارد زیادی از این قبیل رجاسات را می‌توانید ببینید که متأسفانه در کلیساها مرسوم شده. این قبیل اعمال، دشمنی با کلام خدا است و بدون شک روح القدس در کسانی که این گونه رفتار می‌کنند هرگز سکونت نخواهد کرد و تعمید روح را ندارند؛ چنین اعمالی نشان از فرمان‌پذیری از آقایی دیگر به غیر از روح القدس دارد.

قطعاً بسیاری خواهند پرسید که یک نوایمان تا بخواهد تمامی کتاب مقدس و کلام خدا را بیاموزد سالها زمان می‌برد، یعنی تا آن زمانی که شخص همه چیز را بیاموزد تا به آنها عمل کند، نمی‌تواند روح القدس را دریافت کند؟

قطعاً نه، این گونه نیست. کتاب مقدس این گونه به ما نمی‌آموزد. در روز پنطیکاست (اعمال رسولان باب ۲) و خانه کرنیلیوس (اعمال رسولان باب ۱۰) می‌بینید که حاضرین این مکانها در ابتدای ایمان خود روح القدس را دریافت کرده‌اند.

حقیقت امر این گونه است، که خدا را نظر به صورت ظاهر نیست بلکه او تفحص کننده دلها است: «^{۲۶} و همچنین روح نیز ضعف ما را مدد می‌کند، زیرا که آن چه دعا کنیم به طوری که می‌باید نمی‌دانیم، لیکن خود روح برای ما شفاعت می‌کند به ناله‌هایی که نمی‌شود بیان کرد.^{۲۷} و او که تفحص کننده دلها است، فکر روح را می‌داند زیرا که او برای مقدسین بر حسب اراده خدا شفاعت می‌کند» (رومیان ۸ : ۲۶ - ۲۷).

او هر امری که هنوز واقع نشده را از پیش می‌داند، لذا مطیعان کلام خود را نیز پیش از آن که حتی متولد شوند، می‌شناسد: «^{۲۹} زیرا آنانی را که از قبل شناخت، ایشان را نیز پیش معین فرمود تا به صورت پسرش متشکل شوند تا او نخست‌زاده از برادران بسیار باشد.^{۳۰} و آنانی را که از قبل معین فرمود، ایشان را هم خواند و آنانی را که خواند ایشان را نیز عادل گردانید و آنانی را که عادل گردانید، ایشان را نیز جلال داد» (رومیان ۸ : ۲۹ - ۳۰).

گویی برای خداوند فقط کافی است تا یک شخص وارد نقشش در اراده او گردد؛ همین. او می‌داند چه کسی مطیع بی‌چون و چرای او است پس حسب این علم و با اشتیاقی که در خداوند است، عطیۀ بسیار ارزشمند روح القدس را به چنین اشخاصی ارزانی می‌دارد.

بی‌شمار از ایماندارانی را دیدم که با اشتیاق شدید وارد کلیساها شدند و چند سالی با غیرت در امور روحانی و کلامی پیش آمدند، ولی هرگز از آنان شهادتی مبتنی بر تعمید روح القدس نشنیدم تا جایی که در بیشتر مواقع خود من متعجب بودم چون عملکرد آنان را خوب و رضایت بخش می‌دیدم. اما متأسفانه گذر روزگار پرده از حقایق بر می‌دارد، بسیار شاهد لغزش و سقوط چنین اشخاصی که در ابتدا عالی حرکت کردند، بودم. تمام این اشخاص، بلااستثنا حتی یک نفر، همه تا یک جایی با کلام خدا پیش آمدند ولی خیلی زود بر ضد کلام خدا شدند و کلام را یا رد کردند، یا بی‌حرمت کردند، یا با بی‌توجهی از آن گذشتند.

شاهد چنین صحنه‌هایی بودن به ما می‌آموزد که حقیقتاً خداوند تفحص کننده دلها است و آن چه را از پیش می‌داند معیار گزینش قرار می‌دهد؛ پطرس رسول نیز به این مهم گواهی می‌دهد و می‌گوید که تقدیس شدن به روح القدس حسب پیشدانی و علم سابق خدا است: «^۲ برگزیدگان بر حسب علم سابق خدای پدر، به تقدیس روح برای اطاعت و پاشیدن خون عیسی مسیح. فیض و سلامتی بر شما افزون باد» (اول پطرس ۱ : ۲).

حال از این شرح مختصر هر کس دریابد که محال ممکن است تا کسی مطیع کامل و بی چون و چرای کتاب مقدس و کلام خدا نباشد، نمی تواند تعمید روح القدس را داشته باشد. رفتارهای هر شخص نسبت به مکلف بودن دقیق به کلام راستین خدا نشان می دهد که آیا روح القدس در او ساکن هست یا نه.

ثمرات روح القدس:

دانستید که روح القدس خود خدا در وجه روحانی است. یعنی دارای شخصیتی منحصر به خود می باشد. خدا در وجه روحانی اش جهان هستی را شکل داد و گسترانید، یعنی برترین هوش و دانایی در تمام جهان هستی، لذا حضور او در هر شخصی قطعاً جلوه هایی از وجودیت او را بر دیگران آشکار می کند.

پولس رسول در نامه به غلاطیان اشاره ای به برخی از ثمرات روح می کند: «^{۲۲}لیکن ثمره روح، محبت و خوشی و سلامتی و حلم و مهربانی و نیکویی و ایمان و تواضع و پرهیزکاری است» (غلاطیان ۵ : ۲۲). می خواهم متوجه دو نکته مهم باشید! اول این که اینها تنها برخی از ثمرات روح هستند نه همه آن، و دوم این که اینها ثمراتی هستند که به واسطه روح القدس در شخص ظاهر می شود و بر شخصیت او تأثیر این چنینی می گذارد.

در این جا لازم است تا یک نکته مهم را گوشزد نمایم؛ زمانی این خصوصیات در یک شخص ظاهر می شود، می تواند نشان از حضور روح القدس باشد که تا پیش از حضور روح، آن شخص دقیقاً دارای خصوصیات برعکس اینها بوده باشد، یعنی هر کسی که آن شخص را می شناسد بتواند شهادت بدهد که او این چنین نبوده و به ناگاه این گونه شده.

یک نکته مهم دیگر را نیز حتماً مد نظر داشته باشید، در نزد بی ایمانان افراد زیادی هستند که ذاتاً بسیار با محبت و بخشنده می باشند؛ و یا بی حد و اندازه صبور و

بردارند و هرگز خشمگین نمی‌شوند؛ و حتی کسانی هم یافت می‌شوند که بسیار پرهیزکار و نجیب هستند؛ همه این اشخاص بی‌ایمان هستند و به مسیح ایمان ندارند هر چند که هر کدام دارای خصلتِ نیکویی این چنینی در ذات خود هستند. در اشخاصی که این چنین خصایل ذاتی وجود دارد به هیچ وجه نشان از تعمید روح یا سکونت روح القدس در آنها نیست.

پولس در خصوص ثمرات روح به این موارد اشاره نموده: محبت و خوشی و سلامتی و حلم و مهربانی و نیکویی و ایمان و تواضع و پرهیزکاری. اما حضور روح القدس در هر شخصی نشانه‌های دیگری نیز با خود به همراه دارد که تا پیش از آن در شخص وجود نداشته، که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود.

شخصی که روح القدس در او سکونت دارد شدیداً مشتاق خواندن و آموختن کتاب مقدس و کلام خدا است. می‌دانید نویسنده اصلی کلام خدا، خود روح القدس است. کدام نویسنده‌ای را می‌شناسید که صحبتی از نوشته‌های خود در جمع دوستان نکند؟ یا قصد توضیح و تعلیم مکرر نوشته‌های خود را نداشته باشد؟ روح القدس در کسی که ساکن باشد پیوسته از کلامش به او یادآوری می‌کند و او را ترغیب به مطالعه و آموختن کتاب مقدس می‌کند. لذا اگر ایمان‌داری را دیدید که کتاب مقدس را نمی‌خواند و هیچ پرسشی در خصوص کتاب مقدس ندارد و در تلاش برای آموختن آن نیست، شک نکنید که با روح القدس میانه‌ای ندارد.

شخصی که به مسیح ایمان آورده و هنوز مانند زمان بی‌ایمانی خود زندگی می‌کند و هیچ تغییر اساسی در شخصیت و رفتار او ایجاد نشده، محال ممکن است که روح القدس را داشته باشد. یکی از مشهودترین جلوه‌های حضور روح القدس تأثیرگذاری شدید او بر اشخاص است به حدی که آن شخص را به شخصی دیگر تبدیل می‌کند، آن چنان که سموئیل نبی شهادت می‌دهد: «و روح خداوند بر تو مستولی شده، با ایشان نبوت خواهی

نمود و به مرد دیگر متبدّل خواهی شد» (اول سموئیل ۱۰ : ۶). اساساً قرار گرفتن روح خدا بر هر کس شخص را متبدّل می‌سازد چه رسد به این که در کسی ساکن گردد.

ایمانداری که از اعلام وجودیت خود به عنوان مسیحی، به هر دلیلی، در هر جایی، سر باز می‌زند؛ و حتی تا به اندازه‌ای که به اهل خانه خود نیز اعتراف به ایمان به مسیح نمی‌کند، محال ممکن است روح القدس در او ساکن باشد؛ زیرا روح القدس پیوسته به عیسی مسیح شهادت می‌دهد.

خود خداوند عیسی مسیح در این خصوص می‌فرماید: «لیکن چون روح القدس بر شما می‌آید، قوّت خواهید یافت و شاهدان من خواهید بود، در اورشلیم و تمامی یهودیه و سامره و تا اقصای جهان» (اعمال رسولان ۱ : ۸).

یکی از خاص‌ترین جلوه‌های حضور روح القدس در یک ایماندار بروز قوّت و عطیه‌ای روحانی در او است، یعنی هرگاه کسی تعمید روح القدس را بگیرد، به طور قطع می‌بایست عطیه‌ای از روح القدس دریافت نماید. این عطیه به گونه‌ای است که در نظر دیگران کاملاً جلوه و نمود می‌کند.

خداوند عیسی مسیح در سفارش به شاگردانش که می‌بایست قبل از انجام هر کاری ابتدا منتظر آمدن روح القدس بمانند تا از قوّت‌های او پر شوند، اعلام می‌کند که ظهور روح در هر شخصی برای او قوّت و عطیه‌ای به همراه دارد: «^{۴۹} و اینک، من موعود پدر خود را بر شما می‌فرستم. پس شما در شهر اورشلیم بمانید تا وقتی که به قوّت از اعلی آراسته شوید» (لوقا ۲۴ : ۴۹). و این اتفاق دقیقاً در روز پنطیکاست افتاد.

در این خصوص یک نکته بسیار مهم را لازم به تذکر می‌دانم هر چند در قسمت عطایا به طور جامع و کامل به این مهم خواهیم پرداخت؛ آگاه باشید! داشتن عطیه‌ای از روح القدس همیشه نشان از تعمید روح نیست؛ عطیه بخشش روح القدس است که می‌تواند شامل حال هر کسی بشود، حتی کسی که تعمید روح ندارد؛ اما آن چه مسلم است، هر

کسی که تعمید روح دارد به قطع یقین می‌بایست حتماً لاقلاً یک عطیه از روح القدس دریافت نموده باشد که کاملاً مشهود باشد.

عطایا حسب ریاضت و تحصیل علم هرگز حاصل نمی‌گردند، بلکه صرفاً توسط بخشش روح القدس و به طرفه‌العینی بر کسی حادث می‌شود.

در کل این نکته مهم را به یاد داشته باشید: روح القدس دارای شخصیتی بسیار استثنایی و توانمند است، و آن چه کتاب مقدس از حضور او در طول تاریخ جهان هستی به ما اعلام می‌کند، نشان از آن می‌دهد که او همیشه به محیط اطرافش تأثیر مستقیم و آشکار می‌گذارد؛ لذا کسی که مدعی داشتن تعمید روح القدس است، حتماً می‌بایست او نیز دارای جلوه‌های برجسته و مشهودی از روح القدس و به شباهت او باشد. آن چنان که پولس می‌گوید: «زیرا خدا روح جبن را به ما نداده است بلکه روح قوت و محبت و تأدیب را» (دوم تیموتاؤس ۱ : ۷).

شهادت به عیسی مجسم شده:

«^{۲۶}لیکن چون تسلی دهنده که او را از جانب پدر نزد شما می‌فرستم آید، یعنی روح راستی که از پدر صادر می‌گردد، او بر من شهادت خواهد داد» (یوحنا ۱۵ : ۲۶). خداوند عیسی مسیح به روشنی بیان کرده که روح القدس او را به راستی و درستی معرفی می‌کند و اگر کسی روح القدس را داشته باشد، قطعاً یک شناخت صحیح از خداوند عیسی مسیح خواهد داشت.

قرنها است که شناخت صحیح از خداوند عیسی مسیح به یکی از بغرنج‌ترین موضوعات در کلیسا تبدیل شده تا به حدی که همین موضوع به تنهایی باعث شقاق و به وجود آمدن فرقه‌های بسیاری گردیده. چرا؟ چرا آن هر چه که باشد مهم نیست چون

یک نکته مهم را این اختلافات آشکار نموده، و آن این که در میان تمام این شقاقها و فرقه‌های به وجود آمده قطعاً فقط یک تفکر است که از روح القدس هدایت می‌شود و طبیعتاً همان یک تفکر نیز مورد تأیید و پذیرش خداوند است، چون روح القدس بر ضد خود منشق نمی‌گردد و در کسی که شهادت صحیح عیسی مسیح را ندارد، هرگز ساکن نخواهد شد.

هرگز روح القدس باعث شقاق و انحراف نمی‌گردد؛ هرگز او تفکری غیر از خود را قبول نمی‌کند؛ و هرگز در شخصی منحرف و ناپاک ساکن نمی‌گردد. ظهور روح القدس بعد از مرگ و قیام و عروج خداوند عیسی مسیح به آسمان بود، و این فیض فقط به شاگردان راستین او بخشیده شده تا در آنان سکونت کند، پس محال ممکن است روح در شخصی که خداوند عیسی مسیح را به درستی نمی‌شناسد و از او تعاریف اشتباه و منحرف دارد و بدن خداوند را تمیز نمی‌دهد ساکن گردد، زیرا او پیوسته به خداوند عیسی مسیح شهادت می‌دهد.

یقیناً بسیاری را دیده‌اید که در فکر و زبان خود خداوند را ملامت و توبیخ می‌کنند و در عین حال مدّعی شنیدن صدای خداوند (روح القدس) هستند! همچنین زیاد دیده‌اید کسانی که بر سر الوهیت عیسی مسیح اساساً مشکل دارند و با تعالیم غریب و ضد کتاب مقدّسی به نوعی به جایگاه مسیح اهانت می‌کنند، امّا مدّعی شنیدن صدای روح القدس در خود هستند!

قطعاً خواهید پرسید، تمام فرقه‌ها که اعتراف می‌کنند عیسی مسیح خداوند است؟ بله، درست است! امّا می‌دانید شیطان نیز اعتراف می‌کند که عیسی مسیح خداوند است و خدا یکی است: «^{۱۹}تو ایمان داری که خدا واحد است؟ نیکو می‌کنی! شیاطین نیز ایمان دارند و می‌لرزند» (یعقوب ۲ : ۱۹)!

حتی روح و دیوها نیز او را می شناختند و به او اعتراف می کردند: «^{۴۱} و دیوها نیز از بسیاری بیرون می رفتند و صیحه زنان می گفتند که تو مسیح پسر خدا هستی. ولی ایشان را قدغن کرده، نگذاشت که حرف زنند، زیرا که دانستند او مسیح است» (لوقا ۴ : ۴۱).

و نیز اشخاص دیو زده نیز به نام عیسی مسیح اعتراف می کنند مانند اتّفاقی که در جدریان افتاد: «^{۴۲} و به زمین جدریان که مقابل جلیل است، رسیدند. ^{۴۳} چون به خشکی فرود آمد، ناگاه شخصی از آن شهر که از مدّت مدیدی دیوها داشتی و رخت نپوشیدی و در خانه نماندی بلکه در قبرها منزل داشتی، دچار وی گردید. ^{۴۸} چون عیسی را دید، نعره زد و پیش او افتاده، به آواز بلند گفت، ای عیسی پسر خدای تعالی، مرا با تو چه کار است؟ از تو التماس دارم که مرا عذاب ندهی» (لوقا ۸ : ۲۶ - ۲۸).

بله تمام فرقه ها و ایمانداران نیز می گویند عیسی مسیح، پسر خدا و خداوند است. پس این چگونه اعترافی است که مشخص می کند روح القدس در شخصی ساکن است؟ چون موضوع بر سر سکونت و تعمید روح القدس است، پس قطعاً می بایست اعترافی مانند روح القدس را هر شخص در خود داشته باشد.

این یک نشان ویژه است! این اعتراف را هر کسی نمی تواند داشته باشد! به این سادگی نیست که هر کسی بر زبان بیاورد! در این اعتراف زبان و فهم و عمل هر سه باید یک سو باشد، این اعتراف به عیسی مجسم شده است. دقیقاً اعتراف به عیسی مجسم شده و دقیقاً مطابق آن چه روح خدا در طول تاریخ و از زبان انبیای خود در کتب مقدس گفته و نوشته شده است.

روح قدّوس خدا از زبان اشعیای نبی، عیسی مسیح را چنین معرفی می کند: «زیرا که برای ما ولدی زاییده و پسری به ما بخشیده شد و سلطنت بر دوش او خواهد بود و اسم او عجیب و مشیر و خدای قدیر و پدر سرمدی و سرور سلامتی خوانده خواهد شد»

(اشعیا ۹ : ۶). این را روح القدس می گوید؛ روح از پیش شهادت داده که عیسی مسیح مجسم شده، یعنی جسم پوشیده همان خدای قدیر (الوهیم) و پدر سرمدی که پیش از بنیاد عالم بوده و جهان را خلق کرده است. و حال هر کس او را چنین اعتراف نکند و یا بگوید او یکی از خدایان سه گانه است، نه تنها سخنی مشرکانه گفته، بلکه شک نکنید که در او هرگز روح القدس ساکن نبوده و تعمید روح را ندارد.

وقتی یوحنا ی رسول به قوّت و مکاشفۀ روح القدس در ابتدای انجیل خود به این روشنی و وضوح عیسی مسیح مجسم شده را همان کلمۀ حیات یعنی پدر سرمدی معرفی می کند: «در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود. همان در ابتدا نزد خدا بود. همه چیز به واسطۀ او آفریده شد و به غیر از او چیزی از موجودات وجود نیافت. ...^{۱۴} و کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد، پُر از فیض و راستی؛ و جلال او را دیدیم، جلالی شایستۀ پسر یگانه پدر» (یوحنا ۱ : ۱ - ۱۴). پس اگر کسی بدون درک از عبارت پسر خدا، بگوید عیسی فقط پسر خدا بوده و یا مانند بسیاری دیگر او را یکی از خدایان تثلیث بدانند نه تنها روح القدس در او ساکن نیست بلکه سخنی مشرکانه گفته است.

وقتی پولس رسول که به شهادت خود خداوند عیسی مسیح، ظرف برگزیده او بوده تا نام او را در میان امّت‌ها و سلاطین و بنی اسرائیل شهادت دهد: «^{۱۵} خداوند وی را گفت، برو زیرا که او ظرف برگزیده من است تا نام مرا پیش امّت‌ها و سلاطین و بنی اسرائیل ببرد» (اعمال رسولان ۹ : ۱۵). به قوّت روح القدس و فهمی که خداوند به او بخشیده بود، در معرفی خداوند عیسی مسیح می فرماید که او خدای مجسم شده در جسم بوده: «^{۱۶} و بالا جماع سر دینداری عظیم است، که خدا در جسم ظاهر شد و در روح، تصدیق کرده شد و به فرشتگان مشهود گردید و به امّت‌ها موعظه کرده و در دنیا ایمان آورده و به جلال بالا برده شد» (اوّل تیموتاؤس ۳ : ۱۶). آیا می توان باور کرد که هر کس شهادتی غیر از این را بدهد، دارای تعمید روح القدس است؟ آیا کسانی که عیسی مسیح را یکی از سه خدای ساخته شدۀ ذهن بشر یعنی تثلیث می دانند به شرک نرفته اند؟

کسی که با زبان و فهم کامل و با ایمان توأم با عمل به عیسی مجسم شده به آن شکلی که روح القدس در طول تاریخ بشر شهادت داده و در کتاب مقدس مکتوب گردیده شهادت ندهد، محال ممکن است تعمید روح القدس را داشته باشد، حال در هر منصب و مقامی در کلیسا باشد.

همه می گویند عیسی خداوند است، اما معدود هستند کسانی که با ادراک به مجسم شدن خدای قدیر (الوهیم) در جسم، یعنی خداوند ما عیسی مسیح، به او اقرار نمایند. به قول یوحنا ی رسول: «آه این، روح خدا را می شناسیم: هر روحی که به عیسی مسیح مجسم شده اقرار نماید از خدا است» (اول یوحنا ۴ : ۲). و هر روحی که در شخصی هر چیزی به غیر از این را بگوید، آن شخص از روحی دیگر هدایت می شود.

در پایان این باب، لازم به توضیح است تا بدانید، برای این که کسی بداند آیا روح القدس در او یا کسی دیگر ساکن هست یا نه، داشتن تنها یکی یا چند مورد از موارد گفته شده در این باب کفایت نمی کند، بلکه تمام مواردی که گفته شده، حتماً باید در شخص ظاهر شده باشد.

باز اگر این باب برای کسی ایجاد چالش کرده و مطالب دو جلد قبلی الوهیت در خاطر کسی نمانده، توصیه می گردد قبل از ادامه کتاب مجدداً آن دو جلد قبلی را مطالعه بفرماید.

چگونه روح القدس را بیابیم:

«^{۲۲} و چون این را گفت، دمید و به ایشان گفت: روح القدس را بیابید» (یوحنا ۲۰ : ۲۲). پس از قیام خداوند عیسی مسیح، او به شاگردانش ظاهر شد و سفارش نمود تا روح القدس را بیابند. با این سخن او اهمیت دریافت تعمید روح القدس را آشکار نمود.

چگونه می شود تعمید روح القدس را دریافت نمود؟ آیا این شرایط را هر شخصی می تواند برای خود ایجاد کند؟ یا فقط این خداوند است که تعیین می کند چه کسی شایسته دریافت تعمید روح القدس است؟ آیا برای هر کسی زمانی مقرر شده تا از روح القدس تعمید بیابد؟

تا کنون نظرات مختلفی در بین اعضای کلیساها شنیده شده که حاصل تعالیم داده شده به آنها در این خصوص بوده است، اما متأسفانه بیشتر آنها اشتباه و از زاویه دید ادراکات انسانی بوده از آن روی که با آن چه کتاب مقدس به ما می آموزد همخوانی نداشته، و از سویی دیگر هیچگاه حسب آن آموزه های ارائه شده به کسی این امر محقق نشده است.

با همه این تعاریف اما یک چیز کاملاً مسلم است؛ چون خداوند عیسی مسیح می فرماید: «روح القدس را بیابید.» پس خود شخص در دریافت روح القدس قطعاً دارای نقش مهم و کلیدی است و به او مربوط می باشد. در کلمه "بیابید" باعث یافتن، خود شخص جوینده است، نه ارائه دهنده.

شاید برای این که چگونه یک شخص بتواند روح القدس را بیابد، بشود نکات جالب و به لحاظ عقلانی زیبایی را مطرح نمود که ادراک انسانی در تأیید آن شک نکند، اما باید این را هم مد نظر داشت که عرضه دهنده روح القدس، خود او می باشد و او در انتخاب هیكل شایسته خود برای سکونت و تأیید او، بسیار نکته سنج و سختگیر است؛ یعنی جوینده او می بایست با شرایط مد نظر روح القدس کاملاً هماهنگ و متناسب باشد.

حال باید دانست این شرایط مد نظر روح القدس چیست؟ و چگونه کسی این استانداردهای روح القدس را دارا می‌باشد و بهتر است بگوییم، چگونه می‌توان این شرایط و استانداردهای لازم برای دریافت روح القدس را در خود به وجود آورد و کجا او را یافت؟

درست‌ترین و معتبرترین پاسخ به این پرسش را فقط و فقط باید در کتاب مقدس پیدا نمود و قطعاً هر پاسخ عقلانی دیگری باطل و ربطی به روح القدس ندارد. از این روی سری به کتاب مقدس می‌زنیم و خواهیم دید که خود روح در این خصوص چه راهنمایی‌هایی به جویندگان خود می‌کند.

با تفحص در کتاب مقدس به شش اصل بر می‌خورید که نشان می‌دهد، از شرایط لازم برای دریافت تعمید روح القدس است. در ادامه به طور دقیق به این شش اصل می‌پردازیم و آنها را بررسی می‌کنیم.

ایمان به نام عیسی مسیح:

خود خداوند عیسی مسیح یکی از شرطهای اساسی برای دریافت روح القدس را در ایمان آوردن به خود اعلام می‌کند: «^{۳۸}کسی که به من ایمان آورد، چنان که کتاب می‌گوید، از بطن او نهرهای آب زنده جاری خواهد شد.^{۳۹} اما این را گفت درباره روح که هر که به او ایمان آرد او را خواهد یافت زیرا که روح القدس هنوز عطا نشده بود، چون که عیسی تا به حال جلال نیافته بود» (یوحنا ۷: ۳۸ - ۳۹).

شرط دریافت روح القدس در ایمان به نام خداوند عیسی مسیح است. یعنی ایمان مستقیم تنها به شخص عیسی مسیح. پس همان طور که در ادامه نیز می‌گویید: «زیرا که روح القدس هنوز عطا نشده بود، چون که عیسی تا به حال جلال نیافته بود.» به وضوح اعلام می‌دارد که روح القدس پس از مرگ و قیام او فقط به کلیسای او داده می‌شود، و پیش از مرگ و قیام او هیچ کسی روح القدس را نداشته است.

و همچنین برگرداندن فیض عظیم خدا که به واسطهٔ مرگ و قیام یگانه منجی عزیز ما عیسی مسیح به ایمانداران به مسیح داده شد به سمت هر شخص دیگری، شرک مطلق است. حال اگر این برگرداندن را به نام هر یک از مقدّسان در کلیسا تغییر دهید، مانند مادر مقدّس، مریم باکره، پطرس مقدّس، یا فلان قدّیس و ...، همهٔ این نامها باطل و ایمان به هر کسی به جز عیسی مسیح خروج از بدن مسیح و کلیسای خداوند عیسی مسیح است.

این حقیقت حتّی می‌تواند بسیار از این هولناک‌تر باشد، اگر کسی بتواند این را درک کند که خارج شدن از تنها کلیسای برگزیدهٔ خداوند که از صدهٔ اوّل مسیحیت و همیشه فقط در زیر نام خداوند عیسی مسیح بوده، و همهٔ رسولان و شاگردان مسیح متّحداً فقط در زیر این نام در یک کلیسا حقیقی بودند، می‌تواند ورود آنان را به ملکوت خداوند باطل کند، چه رسد به این که تعمید روح را بیانند.

خروج از تنها نام و کلیسایی که خود خداوند به آن می‌گوید بدن مسیح، یعنی ایجاد یک شقاق و جدایی و به عبارت امروزی فرقه‌ای دیگر که ربطی به بدن مسیح و کلیسای او ندارد. هر چند نام مسیح را با خود دارند، اما قطعاً تعالیم او را ندارند چون اگر این گونه نمی‌بود دلیلی برای شقاق و جدایی وجود نمی‌داشت و آنان نیز می‌بایست هنوز زیر نام کلیسای خداوند عیسی مسیح و آموزهٔ رسولان پیش می‌رفتند.

فیض و نجات به واسطهٔ عیسی مسیح به جهان رسید، خود مریم مادر جسمانی عیسی مسیح و پطرس رسول و تمام مقدّسین نیز به واسطهٔ عیسی مسیح است که نجات را دارند و خود آنان نیز به این مهم اذعان داشتند. حال جایگزین کردن هر اسم و شخص دیگری به جای خداوند عیسی مسیح نشان از ضد مسیح بودن است، چنین شخصی هرگز حتّی لمس روح القدس را تجربه نخواهد کرد چه رسد به تعمید روح.

به قول پطرس که می‌فرماید: «^{۱۲} و در هیچ کس غیر از او نجات نیست زیرا که اسمی دیگر زیر آسمان به مردم عطا نشده که بدان باید ما نجات یابیم» (اعمال رسولان ۴ : ۱۲). هیچ کس نمی‌تواند به شخص دیگری به عنوان منجی ایمان داشته باشد و روح القدس را تجربه کند. این امکان ندارد.

ایمان به نام خداوند عیسی مسیح اولین شرط و مقدمهٔ شروط بعدی است.

تعمید به نام عیسی مسیح:

پس از ایمان آوردن به نام عیسی مسیح، قطعاً اثبات این ایمان دومین شرط اساسی برای کسی است که جویای تعمید روح القدس می‌باشد. پطرس رسول در روز پنطیکاست پس از آن سخنرانی کوبنده که باعث ملزم شدن بسیاری شد، این دو شرط را در ادامهٔ هم برای راه نجات و دریافت تعمید روح القدس به حضار اعلام نمود.

«^{۳۸} پطرس بدیشان گفت: توبه کنید و هر یک از شما به اسم عیسی مسیح به جهت آموزش گناهان تعمید گیرید و عطای روح القدس را خواهید یافت» (اعمال رسولان ۲ : ۳۸). دقیقاً پس از توبه نمودن از خطا و گناه از حاضرین خواست تا اول به نام عیسی مسیح ایمان بیاورند و سپس به نام عیسی مسیح تعمید بگیرند تا بتوانند تعمید روح القدس را دریافت کنند.

این آموزه همان سرِ عظیم و کلید ورود به ملکوت آسمان بود که خداوند عیسی مسیح پیش‌تر به پطرس سپرده بود: «^{۱۹} و کلیدهای ملکوت آسمان را به تو می‌سپارم؛ و آن چه بر زمین ببندی در آسمان بسته گردد و آن چه در زمین گشایی در آسمان گشاده شود» (متی ۱۶ : ۱۹).

ایمان و تعمید در نام عیسی مسیح تنها راه ورود به ملکوت آسمان است و به غیر از این هیچ راه دیگری وجود ندارد. خود خداوند نیز در خصوص خودش به وضوح اعلام می‌کند که: «عیسی بدو گفت: من راه و راستی و حیات هستم. هیچ کس نزد پدر جز به وسیله من نمی‌آید» (یوحنا ۱۴ : ۶). به وسیله او، یعنی در ایمان آوردن و تعمید به نام او.

و چه زیبا پولس رسول این نکته را بیان کرد: «یا نمی‌دانید که جمیع ما که در مسیح عیسی تعمید یافتیم، در موت او تعمید یافتیم؟^۴ پس چون که در موت او تعمید یافتیم، با او دفن شدیم تا آن که به همین قسمی که مسیح به جلال پدر از مردگان برخاست، ما نیز در تازگی حیات رفتار نماییم.^۵ زیرا اگر بر مثال موت او متحد گشتیم، هر آینه در قیامت وی نیز چنین خواهیم شد» (رومیان ۶ : ۳ - ۵).

تعمید آب در نام عیسی مسیح تا چه حد مهم است؟ اوّل به این سخن خداوند دقت کنید: «کسی که به من ایمان آورد، چنان که کتاب می‌گوید، از بطن او نهرهای آب زنده جاری خواهد شد.^{۳۹} اما این را گفت درباره روح که هر که به او ایمان آرد او را خواهد یافت زیرا که روح القدس هنوز عطا نشده بود، چون که عیسی تا به حال جلال نیافته بود» (یوحنا ۷ : ۳۸ - ۳۹).

در هر که به او ایمان بیاورد؛ این را عیسی مسیح مجسم شده می‌گوید، او که نامش عیسی و همه او را با این نام صدا می‌زدند، می‌گوید؛ او که نامش سرِ کلیسا است و کلیسا همان بدن زنده او؛ او می‌گوید هر کسی که به من ایمان بیاورد، یعنی در نام او زندگی کند؛ این من، نامش عیسی است؛ نه به نامهایی مانند خدای پدر یا خدای پسر یا خدای روح القدس، فقط به نام عیسی؛ هر کسی که در نام عیسی مسیح تعمید بگیرد نه نامهای دیگر مانند "پدر و پسر و روح القدس" یا "مریم باکره" و ...؛ دقیقاً کاری که تمام رسولان مسیح پس از او انجام دادند و همه را در نام خداوند عیسی مسیح تعمید دادند.

✓ کاری که پطرس می‌نمود: «^{۴۷}آنگاه پطرس گفت، آیا کسی می‌تواند آب را منع کند، برای تعمید دادن اینانی که روح‌القدس را چون ما نیز یافته‌اند.^{۴۸} پس فرمود تا ایشان را به نام عیسی مسیح تعمید دهند. آنگاه از او خواهش نمودند که روزی چند توقّف نماید» (اعمال رسولان ۱۰ : ۴۷ - ۴۸).

✓ کاری که پولس می‌نمود: «^{۴۹}پولس گفت، یحیی البتّه تعمید توبه می‌داد و به قوم می‌گفت به آن کسی که بعد از من می‌آید ایمان بیاورید، یعنی به مسیح عیسی.^{۵۰} چون این را شنیدند به نام خداوند عیسی تعمید گرفتند، و چون پولس دست بر ایشان نهاد، روح‌القدس بر ایشان نازل شد و به زبانها متکلم گشته، نبوّت کردند» (اعمال رسولان ۱۹ : ۴ - ۶).

و این کاری بود که تمام رسولان خداوند عیسی مسیح می‌کردند. امّا امروزه بسیار جالب است، برخی از نهادهای کلیسایی که به این شخصیتها معترف هستند و تعالیم و وجودیت خود را به این رسولان منتسب می‌کنند، امّا در اطاعت از این رسولان کاملاً در مسیری مخالف حرکت می‌کنند.

کتاب مقدّس و آموزه رسولان خداوند عیسی مسیح این را به وضوح می‌فهمانند که، هر کسی در هر نامی غیر از خداوند عیسی مسیح، حتّی عناوین زیبایی مانند، به نام پدر و پسر و روح‌القدس، تعمید آب بگیرد، محال ممکن است بتواند تعمید روح‌القدس را دریافت نماید، حال در هر مقام و منصب کلیسایی که باشد. اگر کسی با چنین وضعیتی بگوید که تعمید روح دارد، باور نکنید زیرا او شهادت کتاب مقدّس را ندارد و همین کتاب بر ضد او شهادت می‌دهد.

طلبیدن در دعا:

«^{۱۳}پس اگر شما با آن که شریر هستید می‌دانید چیزهای نیکو را به اولاد خود باید داد، چند مرتبه زیادت‌ر پدر آسمانی شما روح‌القدس را خواهد داد به هر که از او سؤال کند» (لوقا ۱۱ : ۱۳).

باز باید بگوییم متأسفانه! ایمانداران در خصوص گرفتن تعمید روح‌القدس آن قدر در غفلت هستند، که برای دریافت آن، نه این که تلاشی نمی‌کنند بلکه حتی در دعا‌های خود نیز درخواستی نمی‌کنند. آن چه تا کنون اثبات گردید، هنوز شناخت درستی از روح‌القدس ندارند و به اهمیت داشتن آن پی نبردند تا بی‌وقفه به دنبال آن باشند.

با توجه به مشهود بودن این همه ناآگاهی در بسیاری از کلیساها، بی‌انصافی است فقط ایمانداران را در این خصوص سرزنش کرد، بلکه مشخص است که معلّمین کلیساها نیز در خصوص معرفّی و شناخت روح‌القدس بسیار کوتاهی کردند.

خداوند عیسی مسیح یکی از شرایطی که شخص می‌تواند روح‌القدس را بیابد، به طلبیدن مستقیم از خدا ارتباط داده. یکی از ساده‌ترین و بی‌دردس‌ترین کارها. بسیار آسان، اما متأسفانه اکثراً عملاً این کار را نمی‌کنند.

بسیاری از ایمانداران برای خیلی از نیازهای زندگی خود پیوسته دعا می‌کنند اما برای تعمید روح‌القدس به هیچ وجه. جالب است که خلیه‌ها هم به شوق داشتن عطیه‌ای بزرگ پیوسته در دعا هستند و آن قدر داشتن یک عطیه برایشان مهم است که اصلاً به فکر خود بخشاینده عطیه نیستند و او را نمی‌طلبند. در حالی که هرگاه کسی روح‌القدس را داشته باشد، گویی تمام عطایا را به وقت لزوم خواهد داشت، با وجودی که ارزش تعمید روح‌القدس بسیار بیشتر از داشتن جمیع عطایا در زندگی هر فرد مسیحی است اما هرگز ندیدم در کلیسایی به طور جدی به آن پردازند.

این اراده خداوند است تا در وجود هر ایمانداري ساکن گردد، اما مشکل اساسی این است که کمتر ایمانداري حداقل در طلبیدن مفت و بی‌دردسر آن از خود اشتیاقی نشان می‌دهد. واقعاً چرا این گونه است؟ قطعاً به خاطر عدم آگاهی از این موضوع است. چرا باید این عدم آگاهی وجود داشته باشد؟ چون نه شخص اشتیاقی به مطالعه دقیق کتاب مقدس دارد تا حقیقت را دریابد، و نه معلّمین آنها چیزی از این موضوع می‌دانند.

هوشیار باشید و در خواب نروید، تا زنده هستید در پی یافتن روح القدس بکوشید و پیوسته در شبانه روز آن را از خداوند حتّی با زاری طلب کنید و از خواستن باز نمانید. طلب یکسره روح القدس اگر پررویی هم باشد، تنها خواسته‌ای است که در طلبش پررویی ایراد ندارد، زیرا داشتن آن ضامن حیات ابدی است.

خداوند اهمیت تعمید روح برای هر فردی را می‌داند لذا خود او این ابزار و بهانه را به ایمانداران بخشیده تا هر جان مشتاقی را سیراب کند، اما افسوس آنانی که محتاج‌ترند، بی‌خیال‌ترند.

رسوایی به خاطر نام مسیح:

«^{۱۴}اگر به خاطر نام مسیح رسوایی می‌کشید، خوشا به حال شما زیرا که روح جلال و روح خدا بر شما آرام می‌گیرد» (اول پطرس ۴: ۱۴).

یکی دیگر از اصلهائی که باعث سکونت روح القدس در شخص می‌گردد آن است که به خاطر نام و ایمان به مسیح رسوایی و جفا ببیند.

خداوند عیسی مسیح به کسانی که به خاطر نام او جفا می‌بینند خوشا به حال می‌فرستد و وعده پاداش عظیمی در آسمان به آنها می‌دهد: «^{۱۵}خوش حال باشید چون شما را فحش گویند و جفا رسانند، و به خاطر من هر سخن بدی بر شما کاذبانه

گویند.^{۱۲} خوش باشید و شادی عظیم نمایید، زیرا اجر شما در آسمان عظیم است زیرا که به همین طور بر انبیای قبل از شما جفا می‌رسانیدند» (متی ۵ : ۱۱ - ۱۲).

او برای جفا دیدگان پاداش عظیمی در آسمان مقرر فرمود؛ این پاداش در آسمان داده خواهد شد، در مکانی که برای ورود به آن نیاز به تعمید روح القدس است؛ دقت کردید جفا دیدگان را در آسمان پاداشی است یعنی این که پیش از آن تعمید روح را خواهند یافت تا برای دریافت پاداش خود در آسمان حاضر باشند.

دنیا با مسیح مخالف است و او را هرگز نشناخت و جمیع بلاها و جفاها را بر سرش آورد؛ پس قطعاً با کسانی که به شباهت مسیح رفتار می‌کنند نیز بیگانه و دشمن خواهد بود به همان گونه که خداوند عیسی مسیح در دعای خود برای شاگردانش می‌فرماید: «^{۱۴} من کلام تو را به ایشان دادم و جهان ایشان را دشمن داشت زیرا که از جهان نیستند، همچنان که من نیز از جهان نیستم» (یوحنا ۱۷ : ۱۴).

هر ایمانداري که در طول زندگي و نزد مردم دنیا مورد احترام، ارزش و بزرگي است، در حقيقت بايد از وضعيت خود بترسد، زیرا به هيچ وجه به شباهت خداوند خود عیسی مسیح نشده، بلکه مورد احترام و ارزش دنيایی واقع شده که شدیداً از مسیح بیزار است.

همیشه شاگردان و پیروان حقیقی مسیح سه نشانه خاص با خود به همراه دارند. این را تاریخ و کتاب مقدس به ما می‌آموزد:

- ۱- کلیسایی بسیار کوچک؛
- ۲- شدیداً مورد نفرت دنیا؛
- ۳- همیشه در فقر و زجر و جفا؛

اساساً کلیسای متعلق به خداوند عیسی مسیح در دنیا نامعتبر، ناشناس و مورد آزار زبانی و جسمانی است. دقیقاً آن گونه که دنیا با خود مسیح و رسولان و شاگردانش رفتار نمود.

مسیح این را به روشنی به شاگردانش برای تمام دوره‌های آینده کلیسا وعده داده بود: «^{۱۶}هان، من شما را مانند گوسفندان در میان گرگان می‌فرستم؛ پس مثل مارها هوشیار و چون کبوتران ساده باشید.^{۱۷} اما از مردم برحذر باشید، زیرا که شما را به مجلسها تسلیم خواهند کرد و در کنایس خود شما را تازیانه خواهند زد،^{۱۸} و در حضور حكام و سلاطین، شما را به خاطر من خواهند برد تا بر ایشان و بر امتها شهادتی شود.^{۱۹} اما چون شما را تسلیم کنند، اندیشه مکنید که چگونه یا چه بگویید زیرا در همان ساعت به شما عطا خواهد شد که چه باید گفت،^{۲۰} زیرا گوینده شما نیستید، بلکه روح پدر شما، در شما گوینده است» (متی ۱۰ : ۱۶ - ۲۰).

بیدار و آگاه باشید! هرگز کلیسای حقیقی خداوند عیسی مسیح، یعنی جایی که خداوند در آن جا حضور دارد را در این دنیا، در عزت و اعتبار و تأیید حکومتها و دُول دنیا، و در ثروت و قدرت نخواهید یافت. مسیح در چنین کلیساهایی تردد ندارد.

کلیسای خداوند عیسی مسیح یک کلیسای پیوسته در جفا در دنیا است؛ از این روی است که کلیددارِ کلیدهای ملکوت آسمان، رسول و شبان و معلّم منتخب شده خود خداوند عیسی مسیح، پطرس رسول به صراحت اعلام می‌کند: «^{۱۴}اگر به خاطر نام مسیح رسوایی می‌کشید، خوشا به حال شما زیرا که روح جلال و روح خدا بر شما آرام می‌گیرد» (اوّل پطرس ۴ : ۱۴).

اطاعت مطلق از کلام خدا:

«^{۳۲} و ما هستیم شاهدان او بر این امور، چنان که روح القدس نیز است که خدا او را به همه مطیعان او عطا فرموده است» (اعمال رسولان ۵ : ۳۲).

خداوند روح القدس را به تمام مطیع شدگان خود عطا می کند. این یک امر کاملاً طبیعی است. شما کلید خانه و صندوق خود را تنها به دست کسی می سپارید که به او اعتماد کامل داشته باشید و او مطیع کامل و بی چون و چرای شما باشد. در یک ارتش نظامی بالاترین درجات نظامی به وفاداران و مطیعان فرماندهی کل اعطا می شود.

خداوند نیز روح القدس را تنها به وفاداران و مطیعان بی چون و چرای خود عطا می کند. این یک واقعیت است که برای اثبات میزان اطاعت پذیری هر شخصی نیاز به زمان زیادی است تا آن شخص در طول چنین مدت زمانی طولانی با اطاعت از کلام خدا یا بی توجهی به آن خودش را اثبات یا رد نماید، و طبق این قاعده نمی بایست تعمید روح به سرعت اعمال گردد، ولی چه در ابتدای کلیسا و چه تا عصر حاضر شاهد آن هستیم که تعمیدهای بسیاری در لحظه ایمان اتفاق افتاده که هنوز شخص فرصت اثبات وفاداری خود را ننموده.

حقیقت این است که خدا حسب علم پیشدانی خود می داند چه کسانی از ابتدا تا به غایت مطیع و وفادار او هستند و تا به انتها با او خواهند بود، و چون حسب همین پیشدانی برگزیدگان خود را از پیش تعیین می کند و نام آنان را در دفتر حیات قرار می دهد، آنان را نیز از پیش تعمید به روح القدس داده و مهر می کند.

پولس رسول در این باره می فرماید: «^{۲۸} و می دانیم که به جهت آنانی که خدا را دوست می دارند و به حسب اراده او خوانده شده اند، همه چیزها برای خیریت ایشان با هم در کار می باشند.^{۲۹} زیرا آنانی را که از قبل شناخت، ایشان را نیز پیش معین فرمود تا به صورت پسرش متشکل شوند تا او نخست زاده از برادران بسیار باشد.^{۳۰} و آنانی را که از قبل

معین فرمود، ایشان را هم خواند و آنانی را که خواند ایشان را نیز عادل گردانید و آنانی را که عادل گردانید، ایشان را نیز جلال داد» (رومیان ۸ : ۲۸ - ۳۰).

حال چه گوئیم؟ پس آنانی که در ابتدا تعمید روح القدس را نمی گیرند، آیا هرگز نخواهند گرفت؟ حاشا! این چنین نیست. آن چه در کتاب مقدس دیدم و به کرات در عصر حاضر شاهد آن بودم، یک مانع بنیادی و اساسی از ابتدای کلیسا تا به عصر حاضر وجود دارد که حتی شخصی که برگزیده خدا برای ملکوت او هست نیز نمی تواند تعمید روح را بگیرد تا آن مانع برداشته شود.

این مانع چیست؟ این مانع عدم شناخت درست و ایمان کتاب مقدسی به فیض خدا در خداوند ما عیسی مسیح است. صد افسوس عده بسیار کمی را دیدم که درک کاملاً درستی از خداوند ما عیسی مسیح داشته باشند؛ و نیز عده کمی را دیدم که تا حدودی آشنایی درستی از نقشه نجات خدا و ایمان مسیحی داشته باشند؛ و هزاران افسوس اکثراً را که دیدم هیچ شناخت درستی از آن چه ایمان آوردند نداشتند.

- ✓ برخی مسیحی زادگانی هستند که هیچ شناختی از مسیحیت ندارند؛
- ✓ برخی در کلیساهایی می روند که از اساس و پایه به انحراف رفته اند؛
- ✓ برخی به خاطر ایجاد تنوع تغییر دین داده اند؛
- ✓ برخی برای پرستیژ و گرفتن استایل و کلاس کاری جدید مسیحی می شوند؛
- ✓ برخی برای گرفتن امتیازی، مثلاً اقامت در کشوری مسیحی تغییر دین دادند؛
- ✓ برخی به خیال این که مسیحیان پولدار هستند می خواهند مسیحی بشوند؛
- ✓ برخی چون یک شفا از دستان یک فرد مسیحی گرفتند، مسیحی شدند؛
- ✓ برخی چون شنیدند که مسیحیان دروغ نمی گویند و با محبت اند، مسیحی شدند؛
- ✓ برخی چون یک اقوام نزدیک و مورد اعتمادشان مسیحی شده، مسیحی شدند؛
- ✓ برخی برای به دست آوردن دل دوست پسر یا دوست دختر خود مسیحی شدند؛

- ✓ برخی چون دردها در خود داشتند و در ارتباط با فردی مسیحی کمی حالشان بهتر شد، مسیحی شدند؛
- ✓ بسیاری به خاطر دین زدگی و اعتقاد گذشته خود، برای کسب آزادی و ولنگاری، در خیالی خام مسیحی شدند؛
- ✓ و حتی کسانی پیشم آمدند و بدون این که بخواهند چیزی از مسیح بشنوند، می گفتند ما می خواهیم زانو بزنیم و مسیحی بشویم! هر چیزی که بخواهی بگویی را قبول داریم و تحمل نداریم، می خواهیم زودتر مسیحی بشویم! عجب!

و در کل تمام این اشخاص هیچ شناخت درستی از خداوند عیسی مسیح نداشته و ندارند و هیچ از نقشه نجات خدا حسب کتاب مقدس نمی دانند و به هر بهانه کذب دیگری به مسیحیت روی آوردند. آه! که بسیار اندک اند آنانی که خداوند عیسی مسیح را به طور دقیق شناخته و فقط به خاطر خود او ایمان آورده اند.

و به شما می گویم که تمام آن دسته ای که در بالا نام برده شده، مطلقاً هرگز تعمید روح نیافته و نخواهند یافت مگر این که آن مانع را از خود بردارند. تمام افرادی که در این گروه ها بودند و نتوانستند یا نخواستند آن مانع را از خود دور کنند، نه این که تعمید روح را نگرفتند، بلکه پس از گذشت چند سالی، شاهد بودم همه آنان از همان ایمان آبکی خود نیز سقوط کردند و کلاً بر ضد مسیح و کلیسا شدند.

پایه اصلی ایمان درست کتاب مقدسی به خداوند عیسی مسیح، همان گونه که پولس رسول به آن اشاره کرده بر اساس شنیدن درست حسب کتب مقدس و اعتراف به تمامی دل و زبان است: «^۹ زیرا اگر به زبان خود عیسی خداوند را اعتراف کنی و در دل خود ایمان آوری که خدا او را از مردگان برخیزانید، نجات خواهی یافت.^{۱۰} چون که به دل ایمان آورده می شود برای عدالت و به زبان اعتراف می شود به جهت نجات.^{۱۱} و کتاب می گوید هر که به او ایمان آورد خجل نخواهد شد.^{۱۲} زیرا که در یهود و یونانی تفاوتی نیست

که همان خداوند، خداوند همه است و دولتمند است برای همه که نام او را می خوانند.^{۱۳} زیرا هر که نام خداوند را بخواند نجات خواهد یافت.

^{۱۴} پس چگونه بخوانند کسی را که به او ایمان نیاورده اند؟ و چگونه ایمان آورند به کسی که خبر او را نشنیده اند؟ و چگونه بشنوند بدون واعظ؟^{۱۵} و چگونه وعظ کنند جز این که فرستاده شوند؟ چنان که مکتوب است که چه زیبا است پایهای آنانی که به سلامتی بشارت می دهند و به چیزهای نیکو مژده می دهند.^{۱۶} لیکن همه بشارت را گوش نگرفتند زیرا اشعیا می گوید خداوند کیست که اخبار ما را باور کرد؟^{۱۷} لهذا ایمان از شنیدن است و شنیدن از کلام خدا» (رومیان ۱۰ : ۹ - ۱۷).

متأسفانه اکثر کلیساهای معاصر برای زیاد نمودن اعضای خود هر کسی را به کلیسا راه می دهند، هرگز تحقیق و تفحص نمی کنند که آیا شخصی حقیقتاً مسیحی است یا می خواهد واقعاً به مسیح ایمان بیاورد یا نه؟ فقط برای آنان وجود افرادی اسمی در کلیسا کفایت می کند! نتیجه چنین عملکردی چیست؟ قطعاً ورود رجاسات بسیار در کلیسا، تضاد و اختلاف و نفاقها، درگیری اعضا با خادمین کلیسا وقتی که جمله و حکمی از سوی خادمین کلیسا به مذاق عضوی خوش نیاید.

یکی از ارکان اصلی که خداوند در خدمت‌های کهناتی در کلیسا مقرر فرمود، مبشرین هستند. مبشرین در کنار رسولان و انبیا و شبانان و معلّمین از ارکان اساسی کلیسا هستند: «آن که نزول نمود، همان است که صعود نیز کرد بالاتر از جمیع افلاک تا همه چیزها را پُر کند.»^{۱۱} و او بخشید بعضی رسولان و بعضی انبیا و بعضی مبشرین و بعضی شبانان و معلّمان را،^{۱۲} برای تکمیل مقدّسین، برای کار خدمت، برای بنای جسد مسیح،^{۱۳} تا همه به یگانگی ایمان و معرفتِ تامِ پسر خدا و به انسانِ کامل، به اندازه قامت پُری مسیح برسیم» (افسیان ۴ : ۱۰ - ۱۳).

و حال در رومیان باب ۱۰ پولس تأکید دارد که ایمان از شنیدن است و این شنیدن را مرتبط می‌کند تنها به شنیدن از زبانِ مبشرین مسح شده و مقرر شده خداوند، نه هر کس دیگری که در کلیسا باشد. هر کسی برای ورود به کلیسا در ابتدا باید پیغام و مژده خوش انجیل را از زبان مبشر حقیقی بشنود و در صورت تأیید مبشر است که برای دیدن سایر تعالیم می‌تواند وارد کلیسا شود.

چگونه کسی می‌تواند تعمید روح القدس را بگیرد پیش از آن که وارد کلیسا شود؟ و چگونه کسی می‌تواند وارد کلیسا شود پیش از آن که مژده خوش انجیل را از زبان مبشر بشنود؟ و چگونه کسی می‌تواند مژده کاملاً درست و کتاب مقدسی انجیل را بشنود مگر از زبان مبشرین مسح شده؟

می‌بینید؟ مانع بزرگ دقیقاً این جا است، اکثر غریب به اتفاق این گونه وارد کلیسا نشدند، یا به زبان واضح‌تر اصلاً وارد کلیسای اصلی خداوند عیسی مسیح نشدند، برای همین تعمید روح القدس را ندارند. اگر کمی دقت کنید می‌بینید در کلیساهایی هستند که هر نام به ظاهر زیبا را بر خود دارند به جز نام خداوند عیسی مسیح.

می‌دانید خداوند عیسی مسیح به کسانی که در این کلیساها قرار دارند چه می‌گوید؟ «آینک، بر در ایستاده می‌کوبم؛ اگر کسی آواز مرا بشنود و در را باز کند، به نزد او در خواهم آمد و با وی شام خواهم خورد و او نیز با من» (مکاشفه ۳: ۲۰).

آه! مگر مسیح برای ورود به کلیسای خودش نیاز به در زدن دارد؟ مگر هیچ صاحب خانه‌ای برای ورود به خانه خود از مهمانش اجازه می‌گیرد؟ این کلیسایی که او در می‌زند و از آن اجازه می‌خواهد، کلیسا و خانه او نیست؛ بر سر در این کلیسا نام خداوند عیسی مسیح مرقوم نیست؛ او نجیب است و بی‌اجازه به مکانی که او را قبول ندارند وارد نمی‌شود.

کلیساهایی که نام خداوند عیسی مسیح را بر خود ندارند عملاً او را رد کرده‌اند و از رفتارهای داخلی آنان این امر کاملاً مشهود است؛ پس او به دنبال گله گمراه شده خود تا پشت درب این کلیساها می‌آید و درب می‌زند تا گله خود را دریابد.

آه! هر که در این کلیساها هست تعمید روح القدس را ندارد، این را خود خداوند عیسی مسیح می‌گوید چون او بیرون در این کلیساها هست و پیوسته در را می‌کوبد تا برایش باز کرده شود؛ روح داخل در این کلیساها عملاً بر ضد مسیح است و گله او را به یغما برده است؛ باید از این مکانها خارج شد و به بیرون از این حصارها به خداوند پیوست، او آماده است تا با شما شام آخر را بخورد و به وجود شما داخل شود.

برای برداشتن مانع بزرگ باید مطیع کامل کلام خدا و در اراده مطلق او بود. کسانی که از ابتدا تعمید روح القدس را نمی‌گیرند علاوه بر این که هیچ شناخت درستی از مژده خوش انجیل که توسط مبشرین مسح شده خداوند ارائه می‌شود ندارند؛ در مکان اشتباه نیز می‌توانند قرار داشته باشند، یا به سمت مکان اشتباه خواهند رفت، و خداوند این را می‌داند، تا آن زمان در انتظار می‌ماند که شخص این مانع اشتباه را از خود بردارد.

از این روی است که خداوند می‌گوید روح القدس را بیابید. یعنی آن قدر به دنبالش بگردید تا او را در جای درستش ملاقات نمایید. او شما را در مکان درست و تنها زیر نام خداوند عیسی مسیح مسح خواهد نمود.

به وسیله دست گذاری:

ششمین و آخرین اصل برای تعمید روح القدس، دست گذاری رسولان عیسی مسیح است: «اما رسولان که در اورشلیم بودند، چون شنیدند که اهل سامره کلام خدا را پذیرفته اند، پطرس و یوحنا را نزد ایشان فرستادند.^{۱۵} و ایشان آمده، به جهت ایشان دعا کردند تا روح القدس را بیابند،^{۱۶} زیرا که هنوز بر هیچ کس از ایشان نازل نشده بود که به نام خداوند عیسی تعمید یافته بودند و بس.^{۱۷} پس دستها بر ایشان گذارده، روح القدس را یافتند» (اعمال رسولان ۸ : ۱۴ - ۱۷).

این اتفاق به دفعات از سوی رسولان دیگر خداوند عیسی مسیح دیده و در کتاب مقدس مکتوب گردیده است. پولس رسول نیز وقتی دست بر ایمانداران می گذاشت آنان نیز تعمید روح القدس را می یافتند: «و چون پولس دست بر ایشان نهاد، روح القدس بر ایشان نازل شد و به زبانها متکلم گشته، نبوت کردند» (اعمال رسولان ۱۹ : ۶).

در عمل دست گذاری روح خدا و حتی هر برکتی از شخص برکت دهنده به شخص مسح شده نازل می گردد. این حقیقت حتی در عهد عتیق نیز جاری بوده: «و یوشع بن نون از روح حکمت مملو بود، چون که موسی دستهای خود را بر او نهاده بود. و بنی اسرائیل او را اطاعت نمودند، و بر حسب آن چه خداوند به موسی امر فرموده بود، عمل کردند» (تثنیه ۳۴ : ۹).

حال چه باید گفت؟ یعنی با عمل دست گذاری یک شخص می تواند تعمید روح القدس را بگیرد؟ خیر! به هیچ وجه! این به تنهایی کافی نیست، این تنها یکی از ارکان است، باید تمام شش اصل گفته شده در یک شخص کامل شود. هر شش مورد.

حال اگر رسولی از رسولان خداوند عیسی مسیح نبود تا دست گذاری کند، تعمید روح چه خواهد شد؟ به اعمال رسولان باب هشتم که در ابتدای این بخش گفته شده دوباره نگاه کنید، اهل سامره مژده خوش انجیل و پیغام نجات را از زبان مبشرین حقیقی

شنیده بودند و کاملاً ایمان آورده بودند، از سویی دیگر حسب همین ایمان به نام خداوند عیسی مسیح تعمید آب را نیز گرفته بودند، ولی هنوز تعمید روح القدس را دریافت نکردند؛ کتاب می گوید وقتی پطرس و یوحنا به نزد ایشان رفتند و دستها بر ایشان گذاشتند تعمید روح القدس را یافتند. این یعنی دست گذاری یکی از ارکان اساسی است.

حال اگر در سرزمینی هیچ رسولی نباشد، یا هیچ دسترسی به یکی از رسولان کلیسا هرگز نباشد چه طور می شود؟ اگر شخص یا اشخاصی شایسته تعمید روح القدس از سوی خداوند باشند ولی رسولی یافت نشود تکلیفشان چیست؟ جواب این را می توانید در اعمال رسولان باب دوم ببینید.

در روز پنطیکاست که اولین تعمید روح القدس بوده و طبیعتاً هنوز هیچ خدمت کلیسایی آغاز نشده بود و کسی نبود به عنوان یک رسول بر روی شاگردان مسیح در آن بالاخانه دست بگذارد، چه اتفاقی افتاد؟ خود خداوند در جلالش، آمد و آن مکان را پر کرد و همگان را تعمید داد. از یاد مبرید که خداوند عیسی مسیح، رسول عهد جدید نیز می باشد.

امروز نیز به همین گونه خواهد بود، اگر در سرزمینی هرگز یکی از رسولان خداوند عیسی مسیح نباشد، خود او در جلالش این امر را به انجام خواهد رسانید، البته در صورتی که در آن سرزمین هیچ رسولی از سوی خداوند نباشد.

آیا امکان دارد کسی دست گذاری از سوی رسولان بشود و تعمید روح القدس را نیابد؟ بله، امکان دارد. قطعاً چنین شخصی تمام این شش اصل در او کامل نشده است.

یک تذکر مهم: هرگز تا زمانی که از خدمت کسی اطمینان ندارید و یقین حاصل نکردید که کسی مسح شده خداوند برای خدمتی است، به هیچ وجه اجازه ندهید تا بر شما دست بگذارد؛ زیرا اگر چنین شخصی دارای روحی پلید باشد، آن روح پلید به شما نیز داخل شده. یا اگر لعنتی بر چنین شخصی باشد، شما را نیز در بر خواهد گرفت.

هرگز به هیچ شخص کوچک‌تری اجازه دست‌گذاری ندهید، زیرا هر برکتی از بزرگ‌تر به کوچک‌تر می‌رسد. هیچ زنی بر مردی دست نگذارد، به دو دلیل زیرا زن برای مرد خلق شده و او برکت را از مرد می‌گیرد، مگر این که زنی دارای عطیه‌ای مانند شفاها باشد و به جهت شفا، یعنی استفاده عطیه خود بخواهد دست بر کسی بگذارد.

هشدار در رفتار با روح القدس:

روحها را بیازمایید:

هر ایمانداری قطعاً و قویاً و بسیار زیاد در طول زندگی ایمانی خود با روحهای پلید در ارتباط خواهد بود، این از دشمنی شریران با ایمانداران به مسیح است. این ارتباطات به طرق مختلفی در زندگی مسیحی جریان دارد، اما خطرناکترین و هولناکترین شکلش به گونه‌ای است که به جهت فریب دادن شخص باشد، زیرا با فریب هر شخصی می‌تواند او را از ملکوت خدا ساقط نماید.

لذا همان طور که یوحنا ی رسول به ما سفارش نموده، به شما تأکید می‌کنم که: «ای حبیبان، هر روح را قبول نکنید بلکه روحها را بیازمایید که از خدا هستند یا نه. زیرا که انبیای کذب بسیار به جهان بیرون رفته‌اند.^۱ به این، روح خدا را می‌شناسیم: هر روحی که به عیسی مسیح مجسم شده اقرار نماید از خدا است،^۲ و هر روحی که عیسی مسیح مجسم شده را انکار کند، از خدا نیست. و این است روح دجال که شنیده‌اید که او می‌آید و الآن هم در جهان است» (اول یوحنا ۴ : ۱ - ۳).

فکرهایی که در سر شما می‌آید می‌تواند مانند خوابها از سه سمت به سوی شما آمده باشد:

۱. از ضمیر ناخودآگاه شما؛ که برایتان شروع به داستان سرایی از ذخایر حافظه شما می‌کند و کلاً عقلانی است و می‌تواند بسیار اشتباه باشد. این فکرها گستره زیادی از افکار انسان را در بر می‌گیرد و ربطی به خدا و شیطان ندارد.
۲. از سوی شیطان؛ یا به عبارت صحیح‌تر بگویم روحهای شریر که از لشکریان سقوط کرده شیطان هستند. خود شیطان مستقیماً چندان با کسی وارد نبرد روحانی نمی‌شود، مگر با مسیحیان بسیار توانمند در خداوند؛ اکثر تجربیات ایمانداران از

سوی ارواح شریر است. این قبیل افکار نیز بسته به میزان ایمان هر کسی، کم و زیاد دارد.

۳. از سوی خداوند؛ که این ارتباط برای ایمانداران، بسیار کم است و غالباً بیشتر در ارتباط با خادمین مسح شده خداوند به جهت کلیسا است که اتفاق می افتد مگر این که خداوند برای شخصی خاص و موضوعی شخصی و خاص برای آن فرد پیغامی داشته باشد.

یک ایماندار به مسیح از آن جایی که در سرتاسر زندگی خود، و تا زمانی که در دنیا و روی زمین است، پیوسته و شدیداً از سوی سپاهیان شیطان مورد حمله قرار دارد، لازم است تا از سوی معلّمین کلیسا با خصوصیات شیطان و روحهای شریر و حربه‌ها و حيله‌های آنان آشنا شود تا هرگاه اندیشه‌ای به فکرش آمد بتواند آن را تمیز و تشخیص دهد.

اما آیا این تعالیم برای یک ایماندار کافی است؟ قطعاً خیر. زیرا اگر کافی بود خداوند در کلیسا عطیه‌ای به نام تمیز ارواح را قرار نمی داد. تمیز ارواح یک عطیه و سلاحی است بسیار مفید و کاربردی و ضروری در کلیسا تا کلیسا را از حيله‌های شریر محفوظ بدارد. هر کسی که می‌خواهد در ایمان لغزش نخورد و با فریبی که در فکرهای او می‌آید به بی‌راهه نرود لازم است تا فکرهایش را با کسانی که دارای تمیز ارواح هستند به مشورت بگذارد.

علاوه بر این عطیه، شبانان مسح شده خداوند نیز چون سرپرستی و هدایت کلیسا را بر عهده دارند، و نیز به آنان سپرده شده تا از کلیسا محافظت کنند، گزینه اصلی و ایده‌آلی برای مشورت دادن و هدایت هستند که می‌بایست به آنان رجوع شود.

گزینه مناسب دیگری که می‌تواند به تمیز دادن روحها کمک کند، کتاب مقدس است. هر دریافتی که داشتید را حتماً با کتاب مقدس بسنجید، به این طریق که آیا نمونه‌ای

از این تجربه در کتاب مقدس یافت می‌شود یا نه، اگر نه که آن دریافت باطل است و ربطی به خدا ندارد و باید فراموش کرد، و اگر نمونه‌ای در کتاب مقدس بوده، ببینید از سوی چه کسی بوده، خدا یا شیطان، یا این که چگونه تأیید و رد شده، و در انتها چگونه با آن برخورد شده است.

هیچ امری امروزه از سوی خداوند در زندگی هیچ ایمانداری اتفاق نمی‌افتد مگر این که اثر و سابقه و ربطی از آن در سرتاسر کتاب مقدس یافت شود.

در هر صورت باید سخت دقت نمود تا هر چه به فکرها داخل می‌شود، حتی اگر به ظاهر درست و عقلانی به نظر می‌رسد را نپذیرفت، بلکه آن را تمیز داد که از سوی خدا است یا نه.

روح القدس را محزون نکنید:

«و روح قدّوس خدا را که به او تا روز رستگاری مختوم شده‌اید، محزون مسازید» (افسیان ۴ : ۳۰). آیا روح القدس محزون می‌شود؟ قطعاً بله. آیا در کتاب مقدس نخواندید که بارها خدا از قومی یا شخصی ناراحت شده و خشم گرفته؟ روح القدس همان وجه روحانی خدا است، پس اگر به ناله‌هایی که نمی‌توان وصف نمود برای ایمانداران شفاعت می‌کند با همان احساس نیز می‌تواند از شخصی محزون شود.

چه جایی روح القدس محزون خواهد شد؟ طبیعتاً وقتی حرفی به کسی بزنید و آن شخص حرفتان را نشنود و با بی‌اعتنایی آن را بی‌حرمت کند از او سخت دلگیر می‌شوید. و صد چندان برای روح القدس چنین خواهد بود برای کسانی که به هدایتهای او بی‌توجه‌ای نموده و مسیری برعکس را در پیش می‌گیرند. و همچنین کتاب مقدس را خوار شمرده و کلامی از آن را در زندگی به انجام نمی‌رسانند.

همان گونه که روح نسبت به دوستداران و پیروانش سخت مشتاق است، از بی حرمت کنندگانش نیز ناراحت و مکدر می شود.

حال اگر روح القدس از کسی محزون شود چه اتفاقی برای او خواهد افتاد؟ فکر کنم هر ایمانداری که با پیغام مژده خوش انجیل به درستی آشنا شده و ایمان آورده بتواند شهادت بدهد که در اوایل ایمانش روزهای خیلی زیبایی داشته و از روح القدس هدایتهای عجیب و قوی و زیبایی می گرفته، اما بعدها به مرور زمان کم رنگ و کم رنگ تر شده تا به جایی که دیگر پس از مدتی هیچ هدایتی از روح القدس دریافت ننموده، و حال روحی اش به مرور زمان بد و بدتر شده است.

بله این دقیقاً اتفاقی است که برای هر کسی که روح القدس را محزون می کند خواهد افتاد. وقتی روح را محزون می سازید در اصل او را بی حرمت می کنید و با بی توجهی او را به خاموشی و سکوت می برید.

فاجعه برای هر فرد ایماندار دقیقاً زمانی رخ می دهد که ارتباط روحانی او با روح القدس قطع شده و شخص دیگر نتواند هیچ هدایتی از روح القدس دریافت کند. لذا کاملاً هوشیار باشید تا وقتی که روح با شما سخن می گوید صدای او را بشنوید و به کار ببندید و هرگز کلام او را چه زمانی که زنده با شما سخن می گوید و چه زمانی که در کتب مقدس مکتوب داشته، بی حرمت نکنید. متأسفانه این کاری است که اکثریت کلیساهای با روح القدس کرده اند و نادانسته به بهانه دوستی دنیا، روح القدس را از خود محزون ساخته اند.

هیکل روح القدس را خراب نکنید:

«آیا نمی‌دانید که هیکل خدا هستید و روح خدا در شما ساکن است؟^{۱۷} اگر کسی هیکل خدا را خراب کند، خدا او را هلاک سازد زیرا هیکل مقدس است و شما آن هستید» (اول قرن‌تین ۳: ۱۶ - ۱۷).

پولس در خطاب به مسیحیان، آنانی که توسط مسیح مسح شده‌اند یا به عبارتی تعمید روح القدس یافته‌اند می‌گوید بدنهای شما هیکل روح القدس است و جسمهای شما جایی است که روح خدا در آن سکونت دارد.

او با این گونه سخن گفتن، از یک سو به برگزیدگان خداوند این هشدار را می‌دهد تا حرمت بدنهای خود را نگه دارند و مبادا با گناه آن را آلوده و ناپاک کنند. در اصل می‌آموزد که یک مسیحی هیچگاه نباید خودش را بی‌ارزش و کوچک و حقیر بشمارد و به عنوان شکسته نفسی و فروتنی وجود خود را که در اصل هیکل مقدس خدا است تحقیر نماید.

و از سویی دیگر به دنیا جداً هشدار می‌دهد که هر کسی که بر ضد هیکل خدا، مسیحی مسح شده خداوند، شخص مقدسی که به واسطه روح القدس تعمید یافته و برای خداوند مقدس و مهر شده است، حرکتی بی‌انصافانه انجام دهد و در صدد نابودی او باشد، خداوند مطلقاً رحم نخواهد کرد.

متأسفانه چیزی که بسیار شاهد آن هستیم، خود ایمانداران برای نشان دادن فروتنی خود در نزد مردم دنیا پیوسته خود را کوچک و حقیر می‌کنند. اوف بر چنین کسانی که جهالتشان پیش‌تر از عقلشان می‌دود و ایمانشان به بطالت بسته شده! هر گونه تحقیری به یک مسیحی به بهانه فروتنی، اهانت و بی‌حرمتی به هیکل مقدس خدا بلکه خود خداوند است، و این اهانت بی‌پاسخ از سوی خداوند نخواهد ماند.

یک ایماندار به مسیح می‌بایست آن قدر به وجودش افتخار و در آن وجد کند که این روز شریر تحمّل آن را نیاورد. او به بهای بسیار گزاف، به قیمت خون خداوند عیسی از شیطان بازخرید شده، لذا دیگر نه متعلّق به شیطان است و نه از آن خودش می‌باشد بلکه از آن پس متعلّق به خداوند و برای جلال او باید زیست کند. پس هیچ کس حتّی خود او اجازه ندارد به آن دست درازی و یا در صدد خرابی آن کاری بکند.

خدا در عهد عتیق نیز تعصّب و غیرتش نسبت به هیكل مقدّسش و بی‌حرمتی به آن را نشان داده بود. او حتّی به دو پسر هارون کاهن که خود آنان نیز جزو کاهنان قدس‌الاقداّس بودند رحم نکرد آن زمان که خارج از قوانین خدا با مجمرهای از آتش و بخور به قدس‌الاقداّس نزدیک شدند، خداوند در دم آنان را هلاک کرد.

«^۱و ناداب و ابیهو پسران هارون، هر یکی مجمره خود را گرفته، آتش بر آنها نهادند. و بخور بر آن گذارده، آتش غریبی که ایشان را نفرموده بود، به حضور خداوند نزدیک آوردند. ^۲و آتش از حضور خداوند به در شده، ایشان را بلعید، و به حضور خداوند مردند» (لاویان ۱۰ : ۱ - ۲). این واقعه تعالیم بیشتری دارد ولی در این جا به همین نکته بسنده می‌کنیم که هیكل خداوند می‌بایست آن گونه که او می‌خواهد حرمت گذاشته شود.

به روح القدس کفر نگویید:

«^{۲۸}هر آینه به شما می‌گویم که همه گناهان از بنی آدم آمرزیده می‌شود و هر قسم کفر که گفته باشند،^{۲۹} لیکن هر که به روح‌القدس کفر گوید، تا به ابد آمرزیده نشود بلکه مستحق عذاب جاودانی بود» (مرقس ۳ : ۲۸ - ۲۹) (متّی ۱۲ : ۳۱ - ۳۲) (لوقا ۱۲ : ۱۰).

همان گونه که از آیات بر می آید کفر به روح القدس توبه ندارد و هرگز بخشیده نخواهد شد. و خداوند عذابی سخت بر کفرگویان به آن وارد خواهد نمود. اما کفر به روح القدس چگونه است؟

کفر در لغت به معنی: ارتداد، شرک، ناسپاسی، ناشکری است. تا این جا از وجوهات روح القدس و بهتر شناختن او بسیار گفته شد و با آشکار شدن تمام این وجوهات، دیدید که او دارای چه شخصیت نجیب و فوق العاده و استثنایی است که به تمامیت برای ایمانداران و مسیحیان از هیچ نیکویی فروگذاری نکرده.

آیا تا به حال شده برای کسی بسیار از خودتان گذشت و فداکاری نشان داده باشید و آن شخص همه کارهای شما را به ناگه خار و حقیر شمارد و تمام لطفهای شما را به کسی دیگر نسبت دهد؟ این حرکت یعنی ناسپاسی به شما و به زبانی دیگر کفر به شما. در مقابل چنین رفتاری چه حسی به شما دست می دهد؟

کفر به روح القدس یعنی این که از الطاف، محبتها، حمایتها، هدایتها، حفاظتها، بخششها، لمسها، و حتی برخورداری از عطایای او بهرمونده شده و چشیده باشید ولی در کمال ناسپاسی او را لگدمال کرده و وجود او را انکار کنید. انکار وجود روح القدس دقیقاً به معنی انکار وجود خدا است. منکر خدا منکر فیض و ملکوت خدا است لذا چنین شخصی نه این که هرگز به ملکوت خدا داخل نخواهد شد بلکه شایسته هلاکت ابدی است.

در مجموع مطالب شناخت الوهیت دانستید که اگر کسی یک بار به مسیح ایمان آورده باشد ولی او را فقط برای یک بار رد کند دیگر هرگز بخشیده نخواهد شد و برای هلاکت ابدی خواهد بود. چرا؟ زیرا او خود را از درخت حیات منقطع نموده و دوباره به درخت معرفت نیک و بد یعنی شیطان پیوند زده و شیطان هرگز این چنین شخصی را رها نمی کند مگر این که یک بار دیگر مسیح بر روی زمین بیاید و کشته شود که این امر هرگز اتفاق نخواهد افتاد.

کفر به روح القدس نیز دقیقاً به این گونه محاسبه می گردد، بلکه بسیار شدیدتر، حتی دشنام دادن به او که نشان از دشمنی هست نیز هرگز بخشیده نخواهد شد. هر قسم ناسپاسی نسبت به روح القدس مطلقاً بخشش ندارد.

بگذارید باز زاویه ترسناک تری از این موضوع را به شما نشان دهم. متأسفانه خود من بسیار شاهد این قبیل کفرگویی بودم. شخصی حسب دست گذاری و دعای مرد مقدسی با آتش روح القدس مسح می شود و در دم شفای بیماری را دریافت می کند، ولی بعدتر به خاطر اختلاف با آن مرد مقدس آن شفا را رد می کند و منکر کار روح القدس می شود و به عوامل دیگری مرتبط می سازد، در صورتی که آتش روح را احساس کرده، این کفر به روح القدس است.

شخص در کلیسا و حسب دست گذاری شبان کلیسا یا هر خادم مقدس دیگری از آتش روح القدس مسح شده و او را تجربه می کند و حتی در جمع به این موضوع عجیب شهادت می دهد، ولی بعدها به دلایلی دیگر این لمسها را منکر می شود و اعلام می کند که توهم ذهن او بوده و چنین اتفاقی نیفتاده، این کفر به روح القدس است.

هر کسی که یک بار لذت عطایای سماوی را بچشد ولی بیفتد محال ممکن است بخشیده شود: «زیرا آنانی که یک بار منور گشتند و لذت عطای سماوی را چشیدند و شریک روح القدس گردیدند،^۵ و لذت کلام نیکوی خدا و قوآت عالم آینده را چشیدند، اگر بیفتند، محال است که ایشان را بار دیگر برای توبه تازه سازند، در حالتی که پسر خدا را برای خود باز مصلوب می کنند و او را بی حرمت می سازند» (عبرانیان ۶: ۴ - ۶).

سخت مراقب باشید که در ارتباط با روح القدس کلمه ای به ناروا و ناسپاسی نگویید. اگر حضور او را چشیده و لمس کرده اید حتی یک بار منکر آن نشوید، چون هیچ جای توبه و بازگشتی ندارد. حتی شبانان کلیسا نیز می بایست بیدار و هوشیار باشند که هر کسی که حتی یک بار، دانسته یا ندانسته، هوشیار یا در غفلت، حتی فقط برای یک بار به

روح القدس کفر گفته‌اند را برای همیشه از کلیسا اخراج نمایند و هرگز حتی با توبه نیز او را به داخل کلیسا راه ندهند، زیرا کفر به روح القدس توبه ندارد.

جایی که خداوند کسی را بیرون بیاندازد انسان کیست که چنین شخصی را به مکان مقدس راه دهد. متأسفانه امروزه بسیاری از کلیساها از این قبیل رجاسات پر شده است. خداوند را نظر به کیفیت است نه به کمیت.

تعمید روح القدس را باید گرفت:

دانستید که اراده خداوند در این است که هر ایماندار مسیحی تعمید روح القدس را دریافت کند تا در ملکوت او با وی تا ابد زنده مانده و زیست کند. از این روی خداوند برای نشان دادن اهمیت تعمید روح از قبل توسط فرستاده خود یحیی تعمید دهنده که مقدمه‌ای بر آمدن خداوند عیسی مسیح بود با دادن وعده آن، به قوم مژده داد.

«^۸من شما را به آب تعمید دادم. لیکن او شما را به روح القدس تعمید خواهد داد» (مرقس ۱ : ۸) (لوقا ۳ : ۱۶). خداوند با چنین وعده‌ای می‌خواست تا اشتیاق کلیسای خود را برای انتظار کشیدن تا حصول به عالی‌ترین رویداد زندگیشان بیدار نگه دارد.

کمی که ایام سپری شد و چند سالی از زمان وعده گذشت، پیش از آغاز تحقق این وعده، خود خداوند عیسی مسیح برای زنده نگه داشتن این وعده قبل از رسیدن زمانش به شاگردان خود باری دیگر این وعده را یادآوری می‌کند، ولی این بار مژده نزدیک شدن زمان آن را می‌دهد: «^۹زیرا که یحیی به آب تعمید می‌داد، لیکن شما بعد از اندک ایامی، به روح القدس تعمید خواهید یافت» (اعمال رسولان ۱ : ۵).

تعمید روح آن قدر در نظر خداوند مهم و حیاتی و ضروری بود که حتی به شاگردانش سفارش کرده که مطلقاً هیچ کاری نکنند و دست از هر کاری بکشند و شبانه

روز در اورشلیم، شهر مقدس خدا انتظار رسیدن این وعده را بکشند. «و چون با ایشان جمع شد، ایشان را قدغن فرمود که از اورشلیم جدا مشوید، بلکه منتظر آن وعده پدر باشید که از من شنیده‌اید» (اعمال رسولان ۱ : ۴).

گرفتن تعمید روح القدس از هر کار دیگری در دنیا، برای کلیسا ضروری تر بلکه در اولویت اول باید باشد. آیا حقیقتاً کلیساهای امروزی اعضای خود را به این مهم سفارش اکید می کنند؟! آیا حقیقتاً ایمانداران دست از هر کاری کشیده اند تا تعمید روح القدس را دریافت کنند؟! در کلیسایی که نه شبان و نه خادمینش به این مهم نمی پردازند و نیز اعضای آن هم از این مهم آگاهی ندارند، آیا حقیقتاً به سفارش و کلام خدا رفتار می گردد؟! آیا کلیسای بدون روح القدس را می توان کلیسای خداوند عیسی مسیح دانست؟!

کلیسا بیدار و هوشیار باشد که تعمید روح القدس از خوراک روزانه و خواب شبانه و نفس کشیدن برای هر ایمانداری ضروری تر و حیاتی تر است. چه می دانید آمدن خداوند در چه ساعتی است؟ و حال آن که اگر بیاید و شما روح القدس را نیافته باشید او شما را نخواهد شناخت و شما را رد خواهد نمود.

چه سود دارد اگر سالها در انتظار خداوند باشید و تعمید روح را نگرفته باشید؟
چه سود دارد اگر مدرسه ها و درمانگاه ها و خیریه ها برپا کرده باشید و تعمید روح را نداشته باشید؟

چه سود دارد اگر تمام اموال خود را انفاق کرده باشید و بسیاری را مسکن داده باشید و شکمهای بسیاری را سیر کرده باشید و از بسیاری دست گیری کرده باشید، ولی تعمید روح را نداشته باشید؟

چه سود دارد اگر تمام ایام عمر خود را در دعا و پرستش گذرانده باشید، اما تعمید روح را نداشته باشید؟

همه آن اعمالی را که کرده باشید از وظایف هر انسانی است که می‌بایست انجام دهد و چنان چه کسی بتواند آن نیکوییها را بکند و نکند مجرم است، انجام تمام آن اعمال ضامنی برای کوتاهیها و نداشتن بلیط ورود به ملکوت خدا نیست. اما داشتن تعمید روح القدس به تنهایی همان بیعانه و بلیط خدا برای ورود به حیات ابدی در ملکوت او است.

به شما خواننده عزیزی که از ابتدای مجموعه کتب شناخت الوهیت با صبر و بردباری و تعمق بسیار مباحث را تعقیب کردید، به عنوان برادران در نام خداوند عزیز ما عیسی مسیح استعدا دارم، از هر خوش باوری کاذبی که ناخواسته گرفتار آن شدید، از هر مسیر اشتباهی که نادانسته به آن سمت کشیده شدید، از هر سایه اشتباهی که نشناخته زیر آن قرار گرفتید، خارج شده و زیر نام خداوند عیسی مسیح قرار بگیرید زیرا که: «^{۱۲}در هیچ کس غیر از او نجات نیست زیرا که اسمی دیگر زیر آسمان به مردم عطا نشده که بدان باید ما نجات یابیم» (اعمال رسولان ۴: ۱۲).

و التماس دارم از آنانی که با شناخت صحیحی که از روح القدس عزیز پیدا کردند و متوجه شدند که هنوز تعمید روح القدس را ندارند و اکنون می‌دانند چگونه می‌بایست آن را دریابند. حتی اگر شده از دنیا دست شسته و با بازگشت به مسیر راستین کلام هدایتگر خدا، شبانه روز در دعا و التماس از خداوند تعمید روح القدس را دریافت کنند.

باشد تا جمیع دوستداران و شاگردان خداوند عیسی مسیح در کنار یک دیگر در روز جلال و پادشاهی او در سلطنت هزار ساله و الی‌النهایت در ملکوت و ابدیت او، با شادی در کنار یک دیگر و زیر نور خداوند زیست نماییم. طلبیدم در نام خداوند عیسی مسیح، آمین.

جلوهای روح القدس:

روح القدس در ارتباط با ایمانداران به دو شکل جلوه‌گری و حضور خود را آشکار می‌کند: ۱- ثمرات روح ۲- عطایا.

ثمرات روح القدس:

ثمرات روح یا به عبارتی دیگر میوه‌های روح، جلوهای است که بیانگر حضور و تأثیرگذاری مستقیم روح القدس در یک فرد مسیحی است. یعنی وقتی روح القدس در کسی ساکن گردد در آن شخص ویژگی‌هایی نمودار می‌شود که از خصوصیات بارز روح القدس می‌باشد. از آن جایی که روح القدس همیشه شخصیتی غالب است و هر چیزی را بارور می‌سازد خصوصیات از او نیز در شخصی که به هیکل روح القدس تبدیل می‌گردد سرایت نموده و جزوی از شخصیت او نیز می‌گردد.

هر خصوصیت حاصل شده از تبدیل روح القدس، شخص را به شخصیتی نیکوتر و شبیه‌تر به خداوند می‌گرداند، از این روی است که به این خصوصیات حاصل شده، ثمرات یا میوه‌های روح القدس گفته می‌شود. ثمرات منحصرأ در کسانی ظاهر می‌گردد که روح القدس در آنان ساکن شده باشد؛ یعنی این که آن شخص در ابتدا تعمید روح القدس را گرفته و پس از آن تغییرات در او ایجاد می‌گردد.

لذا تا کسی روح القدس را دریافت نکرده باشد نمی‌تواند میوه نیکویی از روح القدس در خود به بار بیاورد. در این جا با یک پرسش منطقی مواجه می‌شویم! و همیشه سؤال می‌گردد که چرا فلان شخص که هیچ شهادتی بر تعمید روح القدس ندارد، ولی انسانی بسیار مهربان و بخشنده است؟ یا خصوصیتی نیکو مثل این! در پاسخ به این پرسش فقط دو جواب وجود دارد:

۱- چنین شخصی ذاتاً دارای خصوصیتی این چنینی است و ربطی به تأثیرپذیری از روح القدس ندارد. این امری بعید نیست زیرا ابتدا نیکویی در انسان بود و بعد گناه و عصیان بر او افزون گشت. وقتی شخصی نیکویی می کند حسب ذات بنا نهاد شده او است که این چنین است و جای تعجب و افتخار ندارد. اصولاً در هر انسانی می بایست نیکویی وجودی او بیرونی گردد و کار روح القدس این است تا چنین چیزی را عملی کند. پس اگر شخصی تا پیش از ایمانش یک یا چند خصوصیت نیکوی این چنینی داشته باشد نه جای تعجب دارد و نه ربطی به روح القدس دارد.

۲- چنین شخصی یک فریبکار و برای مقاصد شخصی دست به ریاکاری زده که قطعاً در آینده ای نه چندان دور اصل ماهیت خود را نشان خواهد داد. بسیاری با ایدئولوژی این که برای رسیدن به اهداف بزرگ تر باید اندکی هزینه کرد، خود خواسته دست به اعمالی می زنند که در اصل میلی بدان ندارند ولی نگاهشان به دور نمای بهره برداری از این رفتارهایشان است. چنین اشخاصی اگر در مدت کوتاهی به مقاصد خود دست نیابند سریعاً واکنش معکوس نشان داده و چهره و مقصود حقیقی خود را آشکار می سازند.

پولس رسول در نامه خود به غلاطیان برخی از ثمرات روح القدس که در یک فرد مسیحی آشکار می شود را چنین معرفی می کند: «^{۲۲}لیکن ثمره روح، محبت و خوشی و سلامتی و حلم و مهربانی و نیکویی و ایمان و تواضع و پرهیزکاری است» (غلاطیان ۵ : ۲۲).

از آن جایی که بسیار دیده شده تفسیر ایمانداران از این موارد تا حدودی اشتباه است لازم می باشد تا در ادامه نگاهی کوتاه به محتوای حقیقی این موارد بیان داریم تا با مفهوم حقیقی آنها بیشتر آشنا شوید.

محبت:

متأسفانه آن چه دیده شده، بسیاری از ایمانداران از محبت برداشتی کاملاً اشتباه را در ذهن خود ساخته‌اند. این برداشت تا به حدی نادرست و حتی خطرناک است که همیشه باعث لغزش و خروج بعضیها از کلیسا شده است.

بسیاری معتقدند محبت یعنی بخشیدن، اگر کسی به دیگری چیزی را به رایگان ببخشد محبت دارد و در غیر این صورت در او محبت وجود ندارد! بسیاری را دیدم که سخت شاکی بودند از این که چرا فلان ایمانداری که از آنها طلبی دارد، در محبت خداوندی طلب خود را نمی‌بخشد؟! یا چرا فلان ایمانداری که مثلاً خودرویی دارد برای انجام کارهای ما، به کمکمان نمی‌آید؟! یا فلان ایمانداری که دو تا خانه دارد چرا یک خانه خود را به رایگان در اختیار فلان برادر که مستأجر است قرار نمی‌دهد؟! و ...

همچنین بسیار شنیده شده که بعضیها می‌گویند چرا فلان شبان کلیسا به دنبال فلان برادر یا خواهری که از کلیسا جدا شده نمی‌رود و او را به کلیسا بر نمی‌گرداند؟! چرا کلیسا در کمک به اعضای کلیسا فرق می‌گذارد؟! چرا فلان شبان کلیسا با تندی با برخی ایمانداران برخورد می‌کند؟! یا چرا فلان شبان کلیسا بین اعضای کلیسا فرق می‌گذارد و با بعضیها صمیمی‌تر است؟! و ...

در بالا به دو نظرگاه کاملاً اشتباه در خصوص محبت اشاره شده: ۱- ایمانداران نسبت به یک دیگر؛ ۲- ایمانداران نسبت به شبانان و خادمین کلیسا (که این مورد از عیب‌جویی بسیار خطرناک است و می‌تواند غضب خداوند را به همراه داشته باشد.) اگر به هر دوی این نظرگاه‌ها خوب دقت کنید، کاملاً مشهود است که خود شاکیان این موارد، در جایگاه یک ایماندار حقیقی قرار ندارند، بلکه افرادی هستند طلبکار، شاکی، متوقع، سوءاستفاده‌گر و منفعت طلب، که هدفشان در چرخه کلیسا فقط دست یافتن به منافع شخصی است.

هرگز کلیسای خداوند نباید تحت تأثیر چنین افرادی به اشتباه و انحراف بیفتد، زیرا چنین توقعاتی که مطلقاً از آموزه‌های کتاب مقدس نیست، طبعات زیان‌بار همراه خواهد داشت تا جایی که باعث افسوس برای کلیساها خواهد شد.

به رفتارهای خداوند عیسی مسیح در برخورد با قوم خود خوب توجه کنید. او به کسی کمک مالی نکرد با این که در معجزاتش نشان داد که توانایی چنین کاری را دارد. او هیچگاه خیریه و صندوقی مبنی بر جمع‌آوری کمک‌های مالی برای کمک به فقرا تأسیس نکرد. همچنین او هیچگاه در تلاش برای آزادی قوم از اسارت رومیان اقدامی نکرد با وجودی که توانایی این کار را نیز داشت.

اگر امروزه کلیساها با شخصی بزرگ رو به رو باشند که بتواند برای آزادی مسیحیان از جفاهای دولتهای ستمگر کاری بکند ولی نکند، فوراً او را به بی‌محبتی متهم می‌کنند. دقیقاً نگاهی که قوم در مقابل مسیح نسبت به رفتار او با رومیان داشتند، و نیز نگاهی که می‌شود امروزه نسبت به خداوند عیسی مسیح داشت؛ اما محبت از دیدگاه خداوند شکلی دیگر است.

محبت دادن پول، بخشیدن مال، ایجاد اشتغال، دادن سرپناه، آزادی اسرا، نوکری دیگران و ... نیست، هر چند انجام همه این امور وقتی در توان کسی باشد حکم است و از ارزشهای بسیار والای انسانی است و خشنودی خداوند را به همراه دارد، اما محبت به عملی بسیار بسیار بزرگ‌تر و عمیق‌تر از اینها اشاره دارد که روح القدس آن را در هر فرد مسیحی به وجود می‌آورد.

حالا نگاهی بیاندازیم به دومین نظرگاه اشتباه در خصوص محبت، که نسبت به رفتار شبانان و خادمین مطرح می‌شود. جای تأسف دارد که بسیاری شأن و منزلت شبانان و خادمین را آن قدر حقیر و پایین می‌آورند که گویی وظیفه دارند منت‌کشی افراد لوسی را بنمایند که از کلیسا خارج می‌شوند! اگر کسی تا به آن حد در جهالت است که هنوز

فیض خداوند در عیسی مسیح را نفهمیده و هیچ احساس احتیاجی به خداوند ندارد، و آن قدر اهمیت بودن در کلیسا برایش بی‌ارزش است که اگر منفعتی به او نرسید، حاضر است آن را ترک کند، همان بهتر که از کلیسا خارج شده چون بودن چنین اشخاصی در کلیسا به زودی ضربات سختی به حیثیت کلیسا وارد خواهد آورد. کجای کتاب مقدس دیده شده که خداوند عیسی مسیح و شاگردانش به دنبال چنین اشخاص منحرفی رفته باشد؟

اگر کسی را به یک مهمانی باشکوه دعوت کردند و نرفت، از حماقت و بی‌لیاقتی او است. فیض و برکت خدا با کسانی است که ارزش این فیض را بدانند. به فرض اگر شخصی به سوی کسی دست دراز کرده تا کلید یک ویلای مجلل را به او بدهد، و اگر او کلید را بگیرد و داخل آن ویلا شود، آن وقت او یک پیروز و برنده هست، اما چنان چه آن بخشش را رد کند قطعاً یک احمق و نالایق خواهد بود و ملکوت خدا جای احمقان و نالایقان نیست. هرگز یک شبان وظیفه ندارد تا به دنبال احمقان برود، او باید به خداوند خود اقتدا کرده و در پی گوسفندان مرتع خداوند باشد.

از عهد عتیق تا به عهد جدید در هیچ کجا نمی‌بینید که خداوند حکمی مبنی بر کمک کردن از خزانهٔ هیکل و کلیسا به نیازمندان داده باشد. بلکه جمیع قوم و کلیسا، از غنی تا فقیر مکلفند تا در جهت رفع مایحتاج کاهنان و لایویان و خادمین کلیسا بکوشند. هدایا از سوی قوم به هیکل و کلیسا باید سرازیر شود تا همیشه خوراک برای خورندگان آن باشد. خادمین وظیفهٔ هدایت و راهنمای روحانی اعضا برای قرار گرفتن در ارادهٔ خداوند و وعده‌های او را دارند و برای این مهم نباید شبانه روز از تلاش بایستند، و متعاقباً اعضا نیز وظیفهٔ تأمین تمام مایحتاج دنیوی خادمین را به عهده دارند. هر انتظار و عملکردی به غیر از این بر خلاف کلام خدا و آموزه‌های کتاب مقدس است.

این اعضای کلیسا هستند که وظیفه دارند تا در جهت رفع مایحتاج خدام کلیسا بکوشند، نه این که کلیسا وظیفه کمک رسانی مالی و مادی به شخصی را داشته باشد. در

کتاب مقدس مکتوب است: «^۴دهن گاو را هنگامی که خرمن را خرد می‌کند، مبنده» (تثنیه ۲۵ : ۴).

چنین تفکر انحرافی در صدهٔ اول مسیحیت نیز شروع به رواج کرده بود که پولس رسول به استناد آیهٔ ۴ باب ۲۵ کتاب تثنیه تأکید می‌کند که: «یا من و برنابا به تنهایی مختار نیستیم که کار نکنیم؟^۷ کیست که هرگز از خرجی خود جنگ کند؟ یا کیست که تاکستانی غرس نموده، از میوه‌هاش نخورد؟ یا کیست که گله‌ای بچراند و از شیر گله ننوشد؟^۸ آیا این را به طور انسان می‌گویم یا شریعت نیز این را نمی‌گوید؟^۹ زیرا که در تورات موسی مکتوب است که گاو را هنگامی که خرمن را خرد می‌کند، دهان مبنده. آیا خدا در فکر گاوان می‌باشد؟^{۱۰} یا محض خاطر ما این را نمی‌گوید؟ بلی برای ما مکتوب است که شخم کننده می‌باید به امید، شخم نماید و خرد کننده خرمن در امید یافتن قسمت خود باشد.^{۱۱} چون ما روحانیها را برای شما کاشتیم، آیا امر بزرگی است که ما جسمانیهای شما را درو کنیم؟^{۱۲} اگر دیگران در این اختیار بر شما شریکند، آیا نه ما بیشتر؟ لیکن این اختیار را استعمال نکردیم، بلکه هر چیز را متحمل می‌شویم، مبدا انجیل مسیح را تعویق اندازیم.^{۱۳} آیا نمی‌دانید که هر که در امور مقدس مشغول باشد، از هیکل می‌خورد و هر که خدمت مذبح کند، از مذبح نصیبی می‌دارد.^{۱۴} و همچنین خداوند فرمود که هر که به انجیل اعلام نماید، از انجیل معیشت یابد» (اول قرنطیان ۹ : ۶ - ۱۴).

بسیاری شاکی هستند که چرا شبانان بین اعضا فرق می‌گذارند. آیا خود خداوند عیسی مسیح بین شاگردانش فرق نمی‌گذاشت؟ کتاب مقدس به ما می‌گوید که او دو شاگرد خود را بیش از همه دوست می‌داشت: یوحنا و ایلعاذر. این دوست داشتن تا به حدی بود که یوحنا دائما خود را در آغوش مسیح رها می‌کرد، و خداوند نیز به او عمری طولانی عطا فرموده بود.

مسیح حتی در هنگام تعلیم نیز بین شاگردان خود تفاوت قائل می‌شد، برخی تعالیم او همگانی بود، برخی برای شاگردانش بود، برخی فقط برای آن دوازده شاگردش

بود، و بعضی نیز فقط خاص یک شخص مثلاً پطرس. یک شبان و معلّم می‌بایست تا سطح هر ایمانداری را بشناسد و متناسب با او با وی رفتار نماید. شما نمی‌توانید به یک نوزاد کباب بدهید زیرا معدّه او توان هضم آن را ندارد و امکان دارد آن نوزاد تلف شود، و ایضاً نمی‌توانید به یک فرزند بالغ دائماً شیر بدهید زیرا از گرسنگی ضعف خواهد کرد؛ دقیقاً این چنین است وضعیّت هر عضوی از کلیسا.

آیا ندید وقتی به شخصی بی‌جنبه می‌خندید، چگونه پررو و وقیح می‌شود و شما را بی‌حرمت می‌کند، و نیز هستند کسانی که وقتی به آنان می‌خندید به خود آمده و جدی‌تر برای اعمال نیکو می‌شوند؟ تشخیص وضعیّت هر عضو کلیسا با شبان است او می‌بایست نسبت به اعضا حالت‌های متفاوتی بگیرد.

در همین راستا خداوند به دست شبانان خود هم عصا داده و هم چوبدست. عصا از آن جهت به شبانان داده شده تا گله را جمع کرده و هدایت و رهبری نماید؛ و چوبدست از آن جهت بخشیده شده تا یاغیان و سرکشان و گرگهای درنده در لباس میشها را بزند. هیچ یک از این رفتارها نشانه‌ای بر بی‌محبتی نیست و باید این تفکّر غلط در نزد گمراهان اصلاح گردد.

اما محبت یعنی چه؟ محبت از مصدر حُب به معنی دوست داشتن است. وقتی گفته می‌شود کسی محبت دارد یعنی در وجودش دوست داشتن سلطه دارد؛ طبیعتاً کسی که در سلطه دوست داشتن باشد از تنفر و غضب دوری می‌کند. چنین شخصی همه چیز را در ابتدا نیکو می‌بیند مگر این که خلاف آن ثابت گردد. چنین شخصی محبت دیگران را جذب می‌کند و هر دشمنی و نفرت و ستمگری و ظلم را از خود دور می‌سازد؛ با محبان می‌نشیند و بی‌انصافان را طرد می‌کند.

به قول پولس رسول: «محبت حلیم و مهربان است؛ محبت حسد نمی‌برد؛ محبت کبر و غرور ندارد؛^۵ اطوار ناپسندیده ندارد و نفع خود را طالب نمی‌شود؛ خشم نمی‌گیرد و

سوءظن ندارد؛^۷ از ناراستی خوش وقت نمی‌گردد، ولی با راستی شادی می‌کند؛^۸ در همه چیز صبر می‌کند و همه را باور می‌نماید؛ در همه حال امیدوار می‌باشد و هر چیز را متحمل می‌باشد.^۹ محبت هرگز ساقط نمی‌شود...» (اول قرن‌تینان ۱۳ : ۴ - ۸).

محبتی که روح القدس در دل هر مسیحی قرار می‌دهد، بدون اراده آن شخص را از همنشینی با بی‌ایمانان و ناسپاسان به خداوند دور می‌کند تا سیاهی و چرکی در وجود او بر جای نماند و هیچ اندیشه بدی در همنشینی با ناسپاسان در او به وجود نیاید، و بالعکس اشتیاق او را به همنشینی با ابنای ملکوت و فرزندان خدا تحریک می‌کند. به زبان ساده‌تر، محبت یعنی دوست داشتن هر آن چیزی که خداوند دوست می‌دارد. محبت یعنی همین.

این یک تعلیم کاملاً اشتباه است که می‌گویند محبت یعنی حتی دوست داشتن گناهکاران؛ یا به بیانی دیگر، خداوند گناهکاران را دوست دارد! خداوند از گناه بیزار است و گناه در او راه ندارد. محفل مقدس او را با گناه راهی نیست، او با گناه همنشین نمی‌شود؛ وقتی گفته می‌شود گناهکاران یعنی کسانی که در گناه به سر می‌برند؛ لذا خداوند آنان را از خود دور می‌کند، همان گونه که وقتی آدم و حوا گناه کردند آنان را از باغ عدن بیرون انداخت.

می‌گویید پس چرا مسیح با گناهکاران می‌نشست؟ بله، اما برای چه؟ برای دوست داشتن گناه؟ حاشا! بلکه تا آنان را به ملکوت خدا که خصوصیت آن دوری از گناه و آمرزش گناهان است بشارت دهد. خدمت او در آن سالها این بوده. حال گاهی وقتها نشان دادن چنین محبتی بدون درد نیست و با حکمت دنیا در ظاهر می‌تواند کاملاً هم متفاوت باشد.

مثالی می‌زنم: همراه با چند نفر در حال عبور از عرض یک خیابان هستید، ماشینی به سرعت به سمت شما می‌آید، اگر آن ماشین به شما برسد قطعاً نفر جلویی شما را زیر خواهد گرفت و اگر او متوجه نباشد، شما چه می‌کنید؟ آیا چون خودخواهان نگاه می‌کنید

تا ماشین به او بزند؟ یا او را دوست دارید و نمی‌خواهید کشته شود؟ اگر در یک لحظه فرصت داشته باشید و با یک لگد محکم به او بزنید و او را از مسیر ماشین دور کنید چگونه خواهد بود؟ لگد محکم شما برای او درد و شاید کمی زخم بر اثر زمین خوردن به همراه داشته باشد، اما آیا این لگد جان او را از مرگ نجات نخواهد داد؟ اگر مجبور باشید آیا او را این چنین نمی‌زنید تا جانش نجات یابد؟

محبت یعنی این گونه دوست داشتن. می‌تواند درد داشته باشد، می‌تواند زخم بر جای بگذارد، اما نجات دهنده است. محبت شخص را به سوی نجات و حیات سوق می‌دهد، نه این که او را بیشتر به دنیا پیوند بزند.

یعقوب دوستی دنیا را به دشمنی با خدا نسبت داده و آنانی را که دنیا را دوست دارند به زناکاران در پیمان با خداوند معرفی می‌کند: «آی زانیات، آیا نمی‌دانید که دوستی دنیا، دشمنی خدا است؟ پس هر که می‌خواهد دوست دنیا باشد، دشمن خدا گردد» (یعقوب ۴: ۴).

و یوحنا تأکید دارد که هر چیزی که در دنیا است، از آن پرهیز کنید چون دست شیطان در تمام اموال دنیا دراز شده: «^{۱۵} دنیا را و آن چه در دنیا است دوست مدارید زیرا اگر کسی دنیا را دوست دارد، محبت پدر در وی نیست.^{۱۶} زیرا که آن چه در دنیا است، از شهوت جسم و خواهش چشم و غرور زندگانی از پدر نیست بلکه از جهان است.^{۱۷} و دنیا و شهوات آن در گذر است لیکن کسی که به اراده خدا عمل می‌کند، تا به ابد باقی می‌ماند» (اول یوحنا ۲: ۱۵ - ۱۷).

حال آن تفکری که محبت را به امور مالی و دنیایی نسبت می‌دهد از کجا سرمنشأ می‌گیرد؟

مطالب تعلیمی در خصوص محبت دارای نکات بسیار ظریف و گسترده‌ای می‌باشد که بسیار مهم و ارزشمند است و در جایگاه خود، شایسته است تا در کتابی مجزا به آن

پرداخته شود، اما آن چه در خصوص محبت خواندید تنها چکیده‌ای بسیار کوچک بوده که در این مجال نمی‌شد بیش از این سخن گفت و تنها به همین اندازه بسنده گردید. به امید این که در مجالی دیگر بشود در خصوص محبت که ذات وجودی خدا است به طور جامع و کامل حقایق را آشکار نمود.

خوشی:

یکی دیگر از ثمرات روح القدس ایجاد خوشی در شخص است. دقت کنید! منظور شادی نیست، حس خوشی با شادی متفاوت است. یک شخص می‌تواند از شنیدن هر خبر خوبی شادی کند، هر اتفاق نیکویی می‌تواند باعث شادی شود، اساساً شادی در اثر یک اتفاق خوب حاصل می‌شود، حال هر اتفاقی باشد.

اما خوش بودن لزوماً نیازمند یک خبر یا اتفاق خوب نیست. وقتی کسی در میان آواری از درد و رنجها می‌خندد و لطمه‌ای به روحیات او وارد نمی‌شود به آن شخص می‌گویند آدمی سرخوش است؛ یعنی در هر حال، چه غم چه شادی، چه در جفا چه در رفاه، اوقات روحی او خوش و شاداب است.

اولین حرکت شیطان برای اضمحلال یک نوایمان گرفتن شادی و به دریای غم افکندن او است، تا آهسته آهسته او را از ایمان برگرداند. متأسفانه این وضعیت زیاد دیده می‌شود که یک نوایمان پس از گذشت فقط چند ماه از ایمانش به خداوند، دچار حملات روحی محسوس شده تا به جایی که یأس و افسردگی بی‌دلیل وجود او را در بر می‌گیرد. این وضعیت به دلیل جنگهای روحانی است که خود شخص از آنها اطلاع ندارد. چنین وضعیتی فقط برای کسانی پیش می‌آید که هنوز نتوانستند تعمید روح القدس را دریافت کنند.

روح القدس وقتی در کسی ساکن گردد، یکی از ثمرات حضور او ایجاد خوشی در شخص است به گونه‌ای که هیچ چیز اسفباری هم در روحیه او نمی‌تواند تداخل ایجاد کند و در بدترین دردها و مصیبت‌ها در فیضی که از خداوند یافته پیوسته حس خوشی از حال خود دارد. قطعاً داشتن چنین حسی همیشه شخص را در یک جایگاه رفیع ایمان قرار خواهد داد.

خوشی حاصل از تعمید و سکونت روح القدس، حس و حالی است که به ناگاه و غالباً در مواقعی به شخص دست می‌دهد که او در اندوه و غم است. اگر بخواهم آن را به چیزی شباهت کنم، شاید بتوان گفت مانند ریختن یک سطل آب خنک در گرمای طاقت فرسای تابستان به روی کسی است.

سلامتی:

آیا منظور از سلامتی، سلامتی جسمی است؟ یا اشاره به سلامتی از گناه و مرگ که به واسطه خداوندان عیسی مسیح به ما رسیده است؟ اگر این را در نظر بگیرید که تعمید روح القدس بعد از اعتراف ایمان یعنی عادل شمردگی، و بعد از تقدس که در ادامه عادل شمردگی است، حادث گردد، به این معنی است که سلامتی از گناه و مرگ در پیش از تعمید روح القدس حاصل شده و در این جا منظور از سلامتی باید حتماً به سلامتی جسمانی اشاره داشته باشد.

چگونه حضور روح القدس در یک شخص برای او سلامتی نیز به همراه دارد؟ به کتاب پیدایش نگاه کنید، پس از گناه باغ عدن زمین در نزد خدا ملعون شد و متعاقباً زمین شروع کرد به رویاندن خار و خس و ایجاد بیابانها و جاری شدن سیلها و وقوع زلزله‌ها و آتش فشانها و ...

«^{۱۷} و به آدم گفت: چون که سخن زوجهات را شنیدی و از آن درخت خوردی که امر فرموده، گفتم از آن نخوری، پس به سبب تو زمین ملعون شد، و تمام ایام عمرت از آن با رنج خواهی خورد.^{۱۸} خار و خس نیز برایت خواهد رویانید و سبزه‌های صحرا را خواهی خورد،^{۱۹} و به عرق پیشانی‌ات نان خواهی خورد تا حینی که به خاک راجع گردی، که از آن گرفته شدی زیرا که تو خاک هستی و به خاک خواهی برگشت» (پیدایش ۳: ۱۷ - ۱۹).

اماّ بلایا به همین عوامل طبیعی بسنده نشد، با استیلای شیطان بر نسل آدم لشکریان شیطان یعنی روحهای شریر نیز این فرصت را یافتند تا بر انسانها چیره شده و روح بشر را به تسلط خود درآورند و انواع بیماریهای گوناگون و عجیب نیز حسب گناهان بشر و به واسطه ارواح پلید گریبان گیر نسل آدم تا به امروز گردید.

حال وقتی روح القدس در کسی ساکن می گردد پیش از آن سریعاً هر روح شریری از هیکل آن ایماندار خارج می گردد و با خروج شرارت علاوه بر آزادی از اسارت، بیماریهایی که آن شخص حسب حضور روحهای شریر بدان مبتلا بوده نیز می تواند از او خارج شده و سلامتی خود را باز یابد.

در انجیل متی به ماجرای بر می خوریم که وقتی یک شخص دیوانه گنگ را به نزد خداوند عیسی مسیح می آورند، پس از این که خداوند آن دیو را نهیب می زند و از آن شخص خارج می شود، آن شخص به سخن گفتن می آید و گنگی او نیز شفا می یابد: «^{۳۲} و هنگامی که ایشان بیرون می رفتند، ناگاه دیوانه ای گنگ را نزد او آوردند.^{۳۳} و چون دیو بیرون شد، گنگ، گویا گردید و همه در تعجب شده، گفتند، در اسرائیل چنین امر هرگز دیده نشده بود» (متی ۹: ۳۲ - ۳۳).

در این ماجرا اگر چه اخراج روح پلیدی صورت گرفت اماّ عملاً می بینید که این اخراج روح، سلامتی و شفای جسمانی را نیز با خود به همراه داشت؛ یا به عبارتی، بیماری

جسمانی آن شخص حاصل استیلا و حضور یک روح شریر بوده که با خروج روح، بیماری نیز رفت.

حلم:

حلم یا همان بردباری به معنی تاب، تحمل، حوصله، شکیبایی، صبوری و طاقت است. می‌دانید که خداوند فوق‌العاده صبور دیر غضب و کثیرالاحسان است. اگر به اهانت و کفرگویی که دنیا و نسل بشر پیوسته به او می‌کند دقت کنید چیزی جز صبر و شکیبایی از سوی خداوند در برابر این همه بی‌انصافیها نمی‌بینید.

روح‌القدس وقتی در کسی ساکن شود، این طبع خاص او نیز در شخص مسح شده شکل می‌گیرد و آن شخص ناخواسته و غیر ارادی به شخصی بسیار صبور و پر تحمل در برابر مصیبت‌ها و جفاهای دیگران تبدیل می‌گردد. مهم نیست تا پیش از آن چه قدر شخصی خشمگین و تندخو بوده؛ بعد از تعمید روح هر شخصی به انسانی بردبار تبدیل می‌شود.

چنین بردباری نه تنها در خصوص ناملایمات بلکه در ارتباط با وعده‌های خداوند نیز در شخص شکل می‌گیرد و او را بسیار صبور و پر تحمل در انتظار رسیدن زمان وعده‌های خداوند نگه می‌دارد.

مهربانی:

مهربانی به معنی: خوش خلقی، دوستی، شفقت، عاطفه، عنایت، لطف، محبت، مرحمت، نوازش، نیکویی است. هر بار کسانی از من پرسش نمودند که: مگر مهربانی کردن

همان محبت نیست؟ پس چرا دو بار این عبارت تکرار شده؟ و هر بار در پاسخ گفته شد که: خیر! محبت با مهربانی فرق دارد.

محبت از مصدر حُب به معنی دوست داشتن است؛ همین، فقط دوست داشتن. شما می‌توانید همه کس را دوست داشته باشید اما لاجرم این به آن معنی نیست که به همه کس باید مهربانی کرده و چیزی ببخشید. خیلی مواقع دوست داشتن به شکل‌های دیگری غیر از دادن و بخشیدن چیزی به کسی تعریف می‌شود.

مثلاً تنبیه فرزند توسط پدر، با این که دردناک است و به ظاهر خشن، اما نشان از محبت پدر برای نیکویی فرزند دارد، ولی این به هیچ وجه مهربانی نمودن نیست.

مهربانی از مصدر مهر است که در فرهنگ ایران باستان نام آیینی باستانی بوده و به میترا (خدای ایران باستان) نیز اشاره دارد. در فرهنگ‌های کهن از آن با معانی: آفتاب، خورشید، داغ و سوزان نیز تعریف شده است؛ و در ادبیات رایج نیز از آن با مفاهیمی چون: لطف، بخشش، مودت، عطوفت تعریف می‌گردد. حتی در برخی آثار ادبی از آن به عنوان کیسه زر مهر شده نیز یاد شده است.

مهربانی به انجام دادن مهرورزی که یک عمل انتقالی بین دو طرف است اشاره دارد. در تمام این تعاریف اگر بخواهیم به زبانی ساده‌تر بگوییم، مهربانی به غیر از یک حس درونی است و همیشه نشان دهنده یک بخشش آشکار و محسوس به دیگری است.

یک شخص می‌تواند نسبت به دیگری محبتی نداشته باشد، یا حتی از او نفرت کند، و یا ملعون داشته و از خود دور نماید، اما در عین حال می‌تواند نسبت به آن شخص مهربان بوده و بخشش‌هایی به او ارائه دهد. ولی در محبت موضوع عکس این قضیه است. یک شخص می‌تواند کسی را شدیداً دوست داشته، او را نزدیک خود نگه داشته، از بودن با او خوش بوده، ولی چیزی به او نبخشد و ندهد. محبت یک حس نیکویی درونی است.

در کتاب مقدس گفته شده «خدا محبت است» و این کاملاً درست است زیرا از رفتار و کلام خدا می‌توان دریافت که او به همه محبت دارد و مشتاق توبه و بازگشت تمام گمراهان است، اما قطعاً در بعضی جاها منظور اصلی کلام محبت نبوده بلکه به مهربانی خدا اشاره داشته که به خاطر عدم درک مترجمان از تفاوت این دو واژه به صورت کلیشه‌وار فقط عبارت محبت آورده شده است.

کاش در ترجمه‌های صورت گرفته به مهربانی خدا نیز اشاره می‌شد چون او علاوه بر محبت، شدیداً مهربان نیز می‌باشد از آن جایی که خود خداوند عیسی مسیح در مدح پدر آسمانی می‌فرماید: «^{۴۵} تا پدر خود را که در آسمان است پسران شوید، زیرا که آفتاب خود را بر بدن و نیکان طالع می‌سازد و باران بر عادلان و ظالمان می‌باراند» (متی ۵: ۴۵). این یعنی مهربانی خدا.

حال پولس رسول در معرفی ثمرات روح به هر دو خصوصیات تأثیرگذار روح القدس یعنی "محبت" و "مهربانی" اشاره کرده است که در یک شخص شکل می‌گیرد.

شخص مهربان بسیار بخشنده و وسیع‌القلب است. حتماً دیده‌اید افراد ایمان‌داری را که در گذشته، در تمام طول زندگی خود بسیار خسیس بوده‌اند تا جایی که بی‌ارزش‌ترین چیزها را از دیگران دریغ می‌کردند، ولی بعد از تحول روحانی که در آنان شکل گرفت، به انسانهایی بسیار بخشنده و مهربان مبدل شدند. چنین تحول عظیمی به ناگاه در هیچ انسانی ایجاد نمی‌گردد مگر به واسطه روح القدس.

نیکویی:

کیست نداند نیکویی چیست؟ و کیست از نیکویی دیدن بیزار باشد؟ همه مردم دنیا با مفهوم نیکویی آشنا هستند ولی کسی نیکویی نمی‌کند! به قول داوود نبی که

می‌فرماید هیچ کس از مردم دنیا نیکوکار نیست، در حقیقت نیز این گونه اثبات می‌گردد: «^{۱۱}کسی فهیم نیست، کسی طالب خدا نیست.^{۱۲} همه گمراه و جمیعاً باطل گردیده‌اند. نیکوکاری نیست یکی هم نی» (رومیان ۳ : ۱۱ - ۱۲).

در پس هر عمل به ظاهر نیکوکارانه‌ای اگر خوب دقت کنید، همیشه یک منفعت شخصی نیز نهفته است. از مردم دنیا هیچ کسی نیکویی را در ارتباط با یک حرکت صرفاً بشر دوستانه و خیر خواهانه انجام نمی‌دهد. چه اشخاص و انجمنهای خیریه‌ای که به خاطر روزهای تعطیل، نیازمندان را از خود می‌رانند و هیچ اعتنایی به ایشان نمی‌کنند، چون روز استراحت و تفریح آنان است! و یا تنها در صدد برافراشتن نامشان به عنوان افرادی خیر وارد صحنه می‌شوند ولی بین نیازمندان با نگاهی نژاد پرستانه تفاوت قائل می‌شوند.

حتی چه جوامع به ظاهر مسیحی که تنها نیکی نمودن را در فرقه و افرادی که به عضویت آنها می‌پیوندند می‌دانند و هر ایمانداری خارج از تفکر خود را شیطان‌زاده خطاب کرده و با آنان سر دشمنی و نزاع بر می‌دارند.

هیچ نیکویی جز از آسمان به کسی داده نخواهد شد آن چنان که یعقوب نیز به این شهادت می‌دهد: «^{۱۳}ای برادران عزیز من، گمراه مشوید! هر بخشندگی نیکو و هر بخشش کامل از بالا است، و نازل می‌شود از پدر نورها، که نزد او هیچ تبدیل و سایه گردش نیست» (یعقوب ۱ : ۱۶ - ۱۷).

پس هرگاه در شخصی، نیکویی خالص از جنس خداوند را دیدید، باید بدانید که او تحت تأثیر روح القدس این چنین شده و این ثمرات حضور روح القدس در او می‌باشد.

ایمان:

ایمان در اصطلاح به معنی: اطمینان، اعتقاد و باور است؛ اما در معنی لغوی خود از مصدر امن صادر شده است که به مفهوم: امان، امنیت، ایمن، راحت، مطمئن است.

آن چه منظور کتاب مقدس از یک ایماندار و شخص با ایمان است، در حقیقت با تعریفی که در کلیساها از یک شخص با ایمان می‌شود کاملاً متفاوت است. خداوند کلمه حیات است و همه مفاهیم را در حقیقت معنی لغوی کلمه منظور می‌دارد، پس وقتی به شخصی با ایمان اشاره می‌کند مقصود، منظور لغوی کلمه است که به معنی قرار داشتن و سکونت آن شخص در مکان امن و مطمئن است، نه به معنی شخصی با اعتقاد و باورمند.

خداوند عیسی مسیح در خصوص افراد معتقد و باورمند به خود، آب پاکی را به دستشان ریخته و آنان را صرفاً به جهت اعتراف و باورشان به شخص خودش رد می‌کند: «نه هر که مرا، خداوند، خداوند گوید داخل ملکوت آسمان گردد، بلکه آن که اراده پدر مرا که در آسمان است به جا آورد.^{۲۲} بسا در آن روز مرا خواهند گفت، خداوندا، خداوندا، آیا به نام تو نبوت نمودیم و به اسم تو دیوها را اخراج نکردیم و به نام تو معجزات بسیار ظاهر نساختمیم؟^{۲۳} آنگاه به ایشان صریحاً خواهم گفت که، هرگز شما را نشناختم! ای بدکاران از من دور شوید!» (متی ۷: ۲۱ - ۲۳).

یعقوب در خصوص ایمانی که بر پایه یک اعتقاد و باور باشد هشدار می‌دهد که تنها اعتراف و دانستن چنین چیزی شخص را در امنیت خداوندی ساکن نمی‌کند زیرا شیطان نیز به نام خداوند معترف است و ایمان دارد: «تو ایمان داری که خدا واحد است؟ نیکو می‌کنی! شیاطین نیز ایمان دارند و می‌لرزند!» (یعقوب ۲: ۱۹). و می‌دانید که هیچ یک از شیاطین با وجودی که به خداوند معترف هستند در جایگاه یک ایماندار مد نظر کتاب مقدس قرار ندارند بلکه رد شده می‌باشند.

یک ایماندار کتاب مقدسی کسی است که در مکان امن خداوند قرار داشته باشد، جایی که دست شیطان و لشکریانش به او نرسد. چنین شخصی زیر سایه کلام خدا زندگی می‌کند و تماماً مطیع بی‌چون و چرای کلام خدا است. در چنین شخصی روح القدس حضور دارد و او در امنیت حاصل از حضور و تعمید روح القدس از دست شیاطین محفوظ است.

لذا طبیعتاً یکی از ثمرات روح القدس این است که ایمان (یعنی قرار گرفتن در مکان امن خداوندی) را در شخص آشکار می‌کند و او را به یک ایماندار مبدل می‌کند.

تواضع:

تواضع هر چند در لغت به معنی افتادگی، خاکساری، خشوع، خضوع، شکسته نفسی، فروتنی و نرم‌خویی است، اما بسیار دیده و شنیده شده که از این عبارت تعاریفی اشتباه شده است.

اگر یک شبان، یا یکی از خدام کلیسا در ارتباط با پرخاشگری و عیب‌جویی فردی ساکت و سر به زیر و عذرخواه باشد، شخصی فروتن و متواضع است و اگر با تندی برخورد کند به او نسبت‌های دیگر می‌دهند!

اگر شخص والا مرتبه‌ای از کلیسا در نزد فردی کوچک و نادان و پرخاشگر، خودش را پست و کوچک و حقیر کند تا دل او را به دست آورد و او را به هر شکلی در کلیسا نگه دارد، یک مرد روحانی فروتن و افتاده خواهد بود و در عوض اگر نسبت به چنین اشخاصی بی‌تفاوت و قاطع باشد، شخصی تندخو و به دور از ایمان خواهد بود!

اساساً هر افتادگی و سکوت و عذرخواهی در برابر هر نوع توقع، حتی نابجای دیگران نشانه تواضع و فروتنی است!

آیا به حقیقت منظور خداوند نیز از تواضع و فروتنی این چنین است؟ خیر! به جدیت خیر! این گونه رفتار نشانه: ریاکاری، حماقت، نادانی، و سودجویی است. هر شخص ایماندار حقیقی و خادم کلیسایی که این گونه سرمشق رفتاری از خود بر جای بگذارد مانند آن شخص پرخاشگر و عیبجو نه تنها به خود، بلکه به جایگاه خادمین کلیسا که منصوبین خداوند هستند بی حرمتی می نماید و خوار می سازد.

علاوه بر بی حرمت ساختن کلیسا، در گناهان دیگری مانند دروغگویی و ریاکاری نیز اهتمام می ورزد. بدانید وقتی آن چه نیستید را می پذیرید علاوه به حماقت، یک دروغگوی منفعت طلب و یا ریاکاری سودجو هستید.

تواضع به معنی کوچک، پست، حقیر و عذرخواه بودن در کلیسا و یا نزد دیگران نیست. تواضع و فروتنی نمودن در حقیقت کلام به معنی فروتنی در مقابل بزرگان و صاحبان حق است. شخص متواضع و فروتن در مقابل مستحق افتادگی می کند، مانند کار خداوند عیسی مسیح به هنگام تعمید گرفتن از یحیی تعمید دهنده.

«^{۱۳}آنگاه عیسی از جلیل به اُردُن نزد یحیی آمد تا از او تعمید یابد.^{۱۴} اما یحیی او را منع نموده، گفت، من احتیاج دارم که از تو تعمید یابم و تو نزد من می آیی؟^{۱۵} عیسی در جواب وی گفت، الآن بگذار زیرا که ما را همچنین مناسب است تا تمام عدالت را به کمال رسانیم. پس او را وا گذاشت» (متی ۳: ۱۳ - ۱۵).

تعمید دهنده آن زمان یحیی بوده، آن زمان این خدمت از آن یحیی بود، پس شایسته بود مسیح با تمام بزرگی و عظمتش، او نیز از دستان یحیی تعمید بگیرد، و او نیز این چنین کرد. و در ادامه چه شد؟ خدا در آسمان از این صحنه به وجد آمد و این شادی خود را بر تمام حاضرین آن جمع آشکار کرد.

«^{۱۶} اما عیسی چون تعمید یافت، فوراً از آب برآمد که در ساعت آسمان بر وی گشاده شد و روح خدا را دید که مثل کبوتری نزول کرده، بر وی می‌آید.^{۱۷} آنگاه خطابی از آسمان در رسید که این است پسر حبیب من که از او خشنودم» (متی ۳: ۱۶ - ۱۷).

به یاد بیاورید که همین مسیح فروتن در هیکل مقدس با بساط صرافان و کبوتر فروشان چه کرد؟ «^{۱۳} و چون عید فصیح یهود نزدیک بود، عیسی به اورشلیم رفت،^{۱۴} و در هیکل، فروشندگان گاو و گوسفند و کبوتر و صرافان را نشسته یافت.^{۱۵} پس تازیانه‌ای از ریسمان ساخته، همه را از هیکل بیرون نمود، هم گوسفندان و گاو را، و نقود صرافان را ریخت و تخته‌های ایشان را واژگون ساخت،^{۱۶} و به کبوتر فروشان گفت، اینها را از این جا بیرون برید و خانه پدر مرا خانه تجارت مسازید.^{۱۷} آنگاه شاگردان او را یاد آمد که مکتوب است، غیرت خانه تو مرا خورده است» (یوحنا ۲: ۱۳ - ۱۷).

آیا او نمی‌توانست با زبانی ملایم از آنان درخواست کند تا بساطشان را جمع کنند؟ و یا بگوید یک روز که اشکالی ندارد، امروز را باشند و از روز دیگر چنین کاری را نکنند؟ و یا بگوید چه اشکالی دارد در هیکل خدا باشند، حال هر کاری خواستند بکنند؟ نخیر! این اعمال رجاسات است، اهانت به هیکل و کلیسا و خداوند است.

هر خادم کلیسایی که در برابر چنین رفتارهایی نرمش به خرج دهد، قطعاً نه تعمید روح القدس را دارد و نه خادم مسح شده خداوند است. او یک شخص کاذب است که با چنین ظاهرسازی علاوه بر این که به کلیسای خداوند اهانت می‌کند در پی مقاصد شخصی دیگری است.

یکی دیگر از ثمرات روح القدس ایجاد تواضع و فروتنی در شخص است اما نه از دیدگاه حکمت باطل دنیا که با خود رجاسات و انحرافات را دارد، بلکه تواضع و فروتنی در جایی که شایسته است و غیرت در جایی که لازم است.

پرهیزکاری:

پرهیزکاری در معنی عام کلمه به مفهوم: پارسایی، پاکدامنی، تقوا، خوشتن‌داری و ورع است. پرهیزکار به شخصی می‌گویند که از کلام خدا عدول نمی‌کند و از هر آن چه ناشایست است دوری می‌نماید.

به طور خاص یک خصومت بین پرهیزکاری و گناه است. در پیغامی که در مژدهٔ خوش انجیل است آموختید که هیچ انسانی نمی‌تواند از گناه دوری بجوید مگر به قوت روح القدس.

اساساً سکونت روح القدس در هر فردی، بین او و گناهان یک نوع خصومت و دوری را ایجاد می‌کند. یک شخص تنها به واسطهٔ تعمید روح القدس فرزند خدا می‌شود، و از آن جایی که هرگز در خدا گناه نیست، فرزندان او نیز از گناه مبرا می‌باشند و از آن دوری می‌کنند. یوحنا رسول در این خصوص می‌فرماید: «^{۱۸} و می‌دانیم که هر که از خدا مولود شده است، گناه نمی‌کند بلکه کسی که از خدا تولّد یافت، خود را نگاه می‌دارد و آن شریر او را لمس نمی‌کند» (اول یوحنا ۵ : ۱۸).

اما این پرهیزکاری فقط در زیر سایهٔ حضور روح القدس در هر شخصی به معنی واقعی شکل می‌گیرد و در غیر این صورت، با هویدا شدن گناه در کسی می‌توان چنین حاصل نمود که وی تعمید روح القدس را ندارد.

موارد دیگر:

آیا ثمرات روح القدس فقط همین ده موردی بود که پولس رسول به آنها اشاره نمود؟ قطعاً خیر. اساساً هر خصوصیت رفتاری که در روح القدس است، پس از تعمید روح القدس باید در شخص نیز به مرور زمان ظاهر گردد. مثلاً با نگاه کردن به خصوصیات

روح القدس می‌توان به موارد زیر نیز اشاره نمود: اشتیاق و انگیزه، سخن گفتن به کلام خدا، آموختن کتاب مقدس، شهادت دادن برای احقاق حقی، دعا برای دیگران، اطمینان و امید به وعده‌های نیکوی خداوند، مشارکت در کارهای نیکو، دریافت مکاشفات آسمانی، قدرت تمیز دادن و داوری.

در خصوص موارد بالا چون در بخش خصوصیات روح القدس صحبت شد، از تکرار مکررات پرهیز نموده اما به یک نکته بسیار مهم اشاره می‌کنم. یکی از ثمرات بسیار مهمی که با حضور روح القدس در کسی برجسته می‌شود اشتیاق شدید شخص به خواندن و آموختن تمام کتب مقدس است.

دانستید که روح القدس نگارنده و اعطا کننده اصلی کلام مقدس است. چنان که پطرس رسول نیز به این مهم اذعان دارد: «^{۲۰} و این را نخست بدانید که، هیچ نبوت کتاب از تفسیر خود نبی نیست.^{۲۱} زیرا که نبوت به اراده انسان هرگز آورده نشد؛ بلکه مردمان به روح القدس مجذوب شده، از جانب خدا سخن گفتند» (دوم پطرس ۱ : ۲۰ - ۲۱).

روح القدس هرگز کلامی نمی‌گوید که نتوان ردی از آن را در کتب مقدس پیدا نمود. اساساً او تمام هدایتهای خود را با استناد به کتب مقدس ارائه می‌دهد. یکی از شگفت‌انگیزترین ثمرات حضور روح القدس در یک شخص این است که در او تشنگی و علاقه بسیار شدیدی به خواندن و آموختن کلام خدا ایجاد می‌کند.

مهم نیست یک شخص چند سال ایماندار باشد و یا در کلیسا خدمتی داشته باشد، اگر در او تشنگی به خواندن و آموختن کتاب مقدس را ندیدید، باور نکنید که او تعمید روح القدس را داشته باشد. حتی اگر به شما شهادت عجیبی هم بدهد، باور نکنید که روح القدس در او ساکن باشد.

روح القدس در هر جایی که باشد رد حضور خود و ثمراتش را بر جای می‌گذارد، و به جرأت می‌توان گفت که یکی از بزرگ‌ترین این نشانه‌ها تشنگی به خواندن و آموختن

کلام خدا است. در این جا لازم است یک نکته بسیار مهم را متذکر شوم تا به خطا نیفتید! منظور خواندن و آموختن کلام خدا است، نه به دست گرفتن و تعلیم دادن آن به دیگران.

فرزندان در تلاش برای آموختن کلام پدر خود هستند، اما در رده معلمین چه بسیار انبیای کذب نیز وجود دارند که خود کتاب مقدس در خصوص آنان به ما هشدار می‌دهد.

سخن پایانی:

کتاب سه جلدی الوهیت که صرفاً به جهت شناخت خدا و خداوند عیسی مسیح و روح القدس بود، به پایان رسید. شناخت الوهیت اولین اصل مهمی است که می‌بایست یک نوایمان به مسیح، هم زمان با ورود به کلیسا با آن به طور کامل و جامع آشنا گردد. هر چند مطالب مربوط به الوهیت در کتب مقدس بسیار بیش از اینها است، در ابتدا نظر بر آن بود تا همه نگاشته شود، که با بررسی اولیه به قطری بیش از یک هزار صفحه می‌رسید، اما برای جلوگیری از ایجاد حس خستگی در خوانندگان، به همین میزان بسنده و مرتب گردید. امید است این کتاب توانسته باشد نوری در دل‌های شما روشن نموده باشد تا با دلی برنا و دیده‌ای بینا به حقیقت کلام خدا بنگرید.

در پایان علی‌رغم پرهیز و دوری همیشگی نویسنده از هر گونه نزاع و تندگویی، و نیز این که به هیچ وجه قصد نداشته تا با قلمش زخمی بر کسی نهد و دلی را برنجاند، اما چندین بار زبان قلم تند گردید؛ بار اول که تندی قلم احساس شد، دست از نوشتن کشیده و کار را به روز بعد گذاشته تا شاید در آرامی ادامه کار پیش رود، اما روز بعد نیز، همه آن چند صفحه‌ای را که کنار زده بود، بی‌اختیار از نو به نگارش در آمد، و تفهیم گردید که در برخی مواقع می‌بایست با همان لحن و محکم مکتوب گردد. لذا این تندی از خواهش دل نویسنده نبود بلکه از سوی هدایتگر او برای نگارش این مهم بوده است.

نویسنده نیک می‌داند: "با حمله به تاریکی، سیاهی نخواهد رفت و روشنایی نخواهد تابید، برای رفتن تاریکی فقط کافی است پرده‌ها را کنار زد تا روشنایی بتابد، فروغ کلام خدا آن قدر درخشنده هست که تمام سیاهیها را کنار بزند."

نویسنده با هیچ کس در هیچ جایگاهی عداوت و بد دلی ندارد و فقط با هر تفکر و فرضیه‌ای که بر ضد کلام خدا برخاسته، مخالف است و آن را نهی می‌کند. تمام انسانها در هر دین و آیین و اعتقادی برای او عزیز و دوست داشتنی می‌باشند اما به حسب محبتی

که به آقا و استاد خود خداوند عیسی مسیح دارد، نسبت به هر کسی که نام مسیحی را با خود می‌کشد غیرت و احساس برادرانه دارد. این تندى زبانِ قلم در بعضی مواقع به خاطر همین خویی است که به واسطه روح خدا در او قرار داده شده.

محبت همیشه با نوازش و بوسیدن و انفاق کردن نیست. گاهی برای آن که کسی را از مرگ برهانید، مثلاً مانع از تصادفِ ماشینی با یک شخص شوید، مجبور می‌گردید با قدرت تمام به او لگد بزنید و او را از مسیر ماشین دور کنید. شدتِ لگدی که زده شده به مراتب بهتر است از تصادف با ماشین؛ و این از محبتِ لگد زننده است. گاهی یک سیلی لازم است تا شخص را به خودش بیاورد و از خطر دور سازد. و گاهی نیز فریاد و خروشی لازم است تا کسی به هوش آید. فقط کافی است به ثمره کار بنگرید تا محبتِ پشت آن را نیک ببینید. همیشه در نام خداوند عیسی مسیح تا به ابد زنده باشید.

فیض، برکت، سلامتی و مشارکت روح القدس با فرزندان خدای پدر باد، در نام خداوند عیسی مسیح، آمین.

غلام خداوند عیسی مسیح: لوک رایان